

در ويتنام

منتدى اقرأ الثقافي

www.iqra.ahlamontada.com

نظارت پلیسی بر مجموع جمعیت همیشه جزء اساسی هرگونه سلطه استعماری بوده است. هر قدر این سلطه استعماری با مقاومت مصمم و گسترده توده ها بیشتر برخورد پیدا می کند زنده انهای عادی و زنده انهای با اعمال شاقه بیشتر شده شکجه ها و رفتارهای رحمانه ترمی گردد. استعمارنویین امریکادراین مورد از استعمار فرانسه بسیار افراط تر گذاشته و نیکسون - نیو از آیزنهاور - دیم یاکنسی خود را بی رحمت تر نشان داده اند.

نیکسون در سال ۱۹۶۹ دستور داد که مناطق وسیع روستایی و کوهستانی آزاد شده از تو تصرف شوند. او برای گسیل میلیونها دهقان به شهرها و سرزمینهای اشغال شده دستور مباران منظم وی وقفه این مناطق را داد. نیکسون - نیو برای مهار جمعیتی که بزور گرد آورده اند و منظور تسریع در استفاده از مزد و ران جنگی رژیم تسرور و وحشت را حاکم گردانده اند. مقصود این است که با تصفیه مبارزان و افراد مشکوک با توقیف همه مخالفان واقعی و احتمالی هرگونه فعالیت میهن پرستانه را فلج کنند. مردم را وحشت زده سازند و آنها را مجبوره قبول رژیم نمایند که واشنگتن با آنها تحمیل می کند. بیشتر مقصود آنست که حتی انقلابیان را ناگزیر کنند آرمان خود را نفی و خدمت آمریکا را آیند.

برای مقاصد فوق یک دستگاه فشار و اختناق مرکب از شبکه بزرگی از زنده انهای عادی و زنده انهای ویژه با اعمال شاقه و بازداشتگاههای مجهز به نظام شکجه بندی و روحی بوجود آمده که با مراقبت متخصصین یا نکی کمک مالی و تکنیکی فراوان آمریکا مدبر شده است. تجربه استعمار فرانسه و ویژه انگلیس با کمک روبرت تروسون (۱) مورد استفاده قرار گرفته و توسعه و ویر آمریکا می متخصص این امور "بهبود" یافته است.

وسعت عمل این دستگاه سرکوب کننده و اختناق چقدر است؟ چگونه عمل میکند؟ چه تعداد دارند انی سیاسی وجود دارد؟ پس از امضاء قرارداد پاریس چه وضعی بوجود آمده است؟ مسئولیت های واشنگتن در این زمینه که امپایند؟ کوشش کتاب حاضر بر این است که با تکیه بر شواهد و پیشمارت های این سئوالات را که برای میلیونها انسان مضطرب در جهان مطرح است پاسخ گوید. ناظران آنچه را که دیده یا شنیده اند و قربانیان رنجهای را که متحمل شده اند بازگو میکنند. شجاعت و رنجهای آنان

۱ - مشاور عالی نیکسون. وی بهمین سبب باین مقام ارتقا یافته است.

میتواند حد اقل در خدمت این باشد که نزد همگان هوشیاری لازم در برابر استعمار
نوین یانکی را برانگیزاند . تا این زمان بخصوص سیمای تهاجمی یانکسی شناخته
شده است باید از چهره سرکوب کننده آن نیز نقاب برداشت . برای شناخت بهتر
لین سیاست استعمار نو در تمامی ابعادش به بمب ها ناپالم و سفر باید وسائل
مورد استفاده در زندانها شکجه ها بد رفتارها و اقدامات وحشت افزارانه را افزود
همچنین به وسعت شکستی که در رویتنام و هند و چین بر او وارد گردید باید توجه کرد .

مه ۱۹۷۳

انتشارات بزبان خارجی -

هانسوی

مقدمه

دلیل ترجمه این کتاب بزرگان فارسی این بود که روشهای عمل پلیسی سیستم سرکوب در رویتنام . در اختیار مبارزین ایرانی قرار گیرد . پلیس از جمله " خدمتین " های این دوران - اگر نگوییم همه دوران ها - است و شناسائی کردن روشهایش در این و آن کشور جهان برای کسانی که بخواهند مبارزه کنند ضروری است . خدمات بسیاری که مبارزان ایرانی در داخل و خارج کشور بخاطر ندانم کاریهای و شناختن روشهای - پلیسها ، دیده اند و می بینند ، ما ایرانیان داشت که مطالعاتی را که درباره این روشها بعمل آمده اند . بتدریج در اختیار مبارزان ایرانی قرار دهیم . امید آنکه در آموزش و تجربه اندوزی مبارزان را بکار آید . همه ببینند ، روشهای ارتجاع و رکورهای مختلف جهان چگونه است بلکه راه های مبارزه با این روشها ساخته و با موفقیت بکار برده شوند

در این مقدمه کوشش میشود بطور مختصر روشهای شبکه و اوضاع زندان و روشهای پلیس در سرکوب مبارزان ایران شرح گردد . البته شیوه های سرکوب خود موضوع تحلیل حدی حدی است تا سازو رهای سرکوب و استثمار مردم کشور مادر رستر شناخته گردند . روشهای این سرکوب ها در فشار و تصویق جسمانی و روانی و هم سرکوب فرهنگی واید تئوریک و هم سرکوب سیاسی را شامل می گردند . اما در این مختصر بحث و اسناد

رژیم پلیسی ایران بدنبال کودتای ضد خلقی ۲۸ مرداد ۳۲ و بدنبال فرمانداری نظامی چند ساله برای جلوگیری از تشکیل هسته های مقاومت مخفی و درعین حال ایجاد جو عدم اعتماد بین مردم نسبت بیکدیگر و رهنهات حاکم ساختن روحیه ضعف و ناتوانی در افراد و گروههاییکه تمایل بمبارزه با حکومت دیکتاتوری داشتند سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) را تشکیل داد . ساواک که شرط مقدم چپاول و سترنج خلق بوسیله امپریالیستهای خارجی و مترجمین داخلی بود . در سال ۳۵ بوجو د آ. د . ساواک در طول سالیان گذشته تابا امروز نقش عمده ای در سرکوب جنبش ملی ایران داشته است و در فاصله ۲۰ سال روشهای مرسوم مخالفان را خوب شناخته است و با اثر بخشی بسیار مخالفان را سرکوب کرده است . ما به تشریح وضع ساواک و نحوه سازماندهی آن نخواهیم پرداخت . در عوض سازماندهی جدید نیروهای پلیس رژیم کودتا که برای مقابله با روشهای جدید تکامل یافته مبارزان ایران طرح ریزی و اجرا شده است . را توضیح خواهیم داد .

سازمان د هی ارگانهای پلیسی رژیم برای سرکوب مبارزه مسلحانه شهری

سازماندهی و وظائف کمیته

اوجگیری مبارزات خلق مادر سال ۵۰ که تکامل شیوه های نوین تاکیکی و سازماندهی پیشرفته ترتیمهای نظامی - سیاسی شهری را ایجاد میکرد . متقابلا ارگانهای پلیسی رژیم و در راس آنها سازمان امنیت و اطلاعات شهرانی را مصمم ساخت که علیرغم همه تضاد های فیما بین . دست بکار ایجاد یک اتحاد نظامی - سازمانی در سطح تمام کادرهای فعال خود بشوند . تدارک این امر در حدود زمستان ۵۰ با ایجاد کمیته مشترک ساواک و شهرانی انجامید . بدیترتیب کیفیت بالای نیروهای ساواک که از تجربه بسیار وسیعتری در زمینه کشف و سرکوب سازمانهای سیاسی و مبارزه مخفی برخوردار بودند . امکان یافت با کمیت و امکانات وسیع اطلاعات شهرانی تلقیق شده و از این جهت بسطح بالاتری از کارائی و گسترش نائل آید . این ارگان (کمیته مشترک) که ظاهرا پیشرفته ترین و متکاملترین نوع سازماندهی پلیسی در مبارزه علیه انقلابیون شهری و محصول آخرین تجربیات جهانی امپریالیسم و جمع بندی مؤسست پلیسی او

در سرکوب خلقهای مبارز می باشد . برنامه و هدف اصلی خود را کشف و امحاء عناصر و اعضای سازمانهای مسلح و مبارز شهری قرار داده است . این برنامه در استراتژی کلی تر سرکوب جنبش انقلابی خلق که در رسالهای اخیر بصورت قهر مسلحانه متجلی شده است . قابل بررسی است

ستاد عمومی کمیته با شرکت اعضای برجسته سازمانهای دولتی و اجرایی تشکیل شده است . هر سازمان مهم دولتی و هریک از نیروهای نظامی یک نماینده در کمیته دارند . مثلا نمایندگی وزارت آموزش و پرورش را در کمیته با اصطلاح ضد خرابکاران شهربانی و ساواک " نبوی نوری " مدیرک سابق فرهنگستان بعهد داشته و با یک سرلشکر نماینده نیروی هوایی در کمیته است .

سازماندهی کمیته بر مبنای تشکیل تیمهای پلیسی کاملا مسلح با تحرك فوق العاده بنام " اکیپها " صورت گرفته است . تا کون نیز در زمینه های تعقیب و هدفهای ضد مردمی خود موفقیت هایی بدست آورده است مرکز فرماندهی کمیته در محل زندان موقت سابق واقع در ساختمان شهربانی کل کشور (پانست پستخانه) قرار دارد و با تعیین وظائف و هدایت و کنترل اکیپها (از طریق بیسیم) آنها را فرماندهی میکند . کمیته تا کون توانسته است حدود ۷۰ اکیپ در جهت هدفهای فوق سازمان دهد که در رهنویست گشت (صبح و بعد از ظهر) حدود ۲۵ تا ۳۰ اکیپ مستمرا بکار مشغول هستند . . . وظائف گشتی ها را میتوان بصورت زیر خلاصه کرد :

- ۱ - حفاظت و کنترل منطقه واگذار شده
- ۲ - مقابله فوری با هرگونه اقدام چریکی در همان منطقه
- ۳ - انجام ماموریتهایی که از طرف مرکز از قبیل بازرسی خانه ها و دستگیری افراد و . . . با کپی محول میگردد . (۱)

پلیس و ارتش

نقش پلیس و ارتش بیشتر در سرکوب تظاهرات وسیع مردم علیه دستگاه حاکمه و با خواسته های صنفی اقشار و طبقات مختلف نمایان میگردد . بطور مثال :

(۱) سازماندهی و تاکیکها . نوشته مجاهدین خلق ایران تابستان ۱۳۵۳ - تکمیل و توزیع از پیام مجاهد . صفحات ۹۴ - ۹۸

چهار

در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان به منظور اعتراض بسفر نیکسون . ایجاد روابط با انگلستان و استقرار پلیس در دانشگاه . دست بتظاهرات میزنند . نیروهای نظامی بلافاصله به کلیه مراکز تجمع دانشگاه حقی کلاسهای درس حمله کرده و سه تن از دانشجویان مبارز دانشگاه تهران : مصطفی بزرگ نیا . شریف رضوی . ناصر قندچی را بضرب گلوله از پای در میآورند

در خرداد ۱۳۳۸ سی هزار کارگر کوره پزخانه یکپارچه و متحد . علیه شرایط اسارتبار زندگی خود . دست با اعتصاب زدند . دکتر اقبال گفته بود که " من هسر اعتصابی را با نیروی مسلح در هم می شکم

از اینرو پس از آغاز اعتصاب . تمام قدرت مسلح دستگاههای پلیس . بمنظور سرکوب کردن اعتصاب کنندگان بحرکت درآمد . درگیر و در این معرکه که در یکسوی آن قوای مسلح ارتش و سمت دیگر مردمی زحمتکش و بی دفاع بودند پنجاه کارگر شهید و ده به بسیاری زیادی مجروح گردیدند . ده ای نیز دستگیر و کج شبکه گاهها کسید شدند .

در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مصادف با ایام سوگواری تاسوعا و عاشورا بود . بد نبال دستگیری آیتالله خمینی و حمایت از مبارزه معظم له در تهران هزاران نفر از مردم در این مراسم شرکت کرده بودند . ناراضایتی و خشم عمیق توده های مردم باعث شد که مراسم مذهبی به تظاهرات بزرگ ویراننده توده ها علیه رژیم شاه و امپریالیسم تبدیل شود توده های مردم چون سیلی پرتوان خیابانهای تهران را گرفته بودند . شاه و رژیم برای حفظ حکومت تنگین خود تمام نیروهای مسلح (ارتش و پلیس) خود را به مقابله مردم آوردند . رگبار مسلسلها در تهران و شهرهای دیگر هزاران نفر را بقتل رساندند نیروهای کمانده وی شاه مردم زحمتکش و رامین را که کفن پوشیده و پیاده بسوی تهران حرکت کرده بودند در میان جاده ورامین به گلوله بستند و ده زیادی از مبارزین ورامین را به قتل رساندند در شهرهای تبریز و مشهد . قم . شیراز نیز صد ها نفر از میهن پرستان ایران در این قتل عام به شهادت رسیدند . (۲)

(۱) نخست وزیر وقت

(۲) درباره ساواک . گفت راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی ص ۲۹ - ۷

هتج

بالاخره باید از کستار کارگران جهان چیت توسط نیروها مسلح ارتش نام برد .

سایر روشهای سرکوب :

دستگاه حاکمه و امپریالیسم روشهای دیگر درازمدتی را برای سرکوب خلق بکار میبرند منجمله سرکوب ایدئولوژیک و فرهنگی و روشهای مختلف کنترل افکار عموموسی و سازمانهای سیاسی .

سرکوب ایدئولوژیک و فرهنگی

کمیته (مشترک شهرانی و ساواک) علاوه بر مبارزه پلیسی - نظامی خود با چریکهای شهری برنامه های سیاسی فرهنگی درازمدتی را هم طرح ریزی کرده و توسط همین نمایندگان بارگانه های اجرایی رژیم ابلاغ می نماید . مانند برنامه های جدید آموزش ابتدائی و متوسطه که از دوره کود کستان تا پایان دبیرستان بااستثنای مغزی و تبلیغ ایدئولوژی رژیم از طریق گنجانیدن مطالب ارتجاعی شاهدستی یا تبلیغ پیشرفتهای مملکت و سرود های شاه پرستانه و . . . در برنامه های آموزشی و نیز گنجانیدن ماده امتحانی " شناخت مملکت " در کنکور دانشگاهها و هم چنین برنامه های فساد پراکی از قبیل کاخهای جوانان و غیره (نکته جالب توجه این که طرحها اساسی کمیته تاکنون توسط وزارت آموزش و پرورش با اجرا درآمد است) . باضافه طرح ایجاد اداره های حفاظت درهرموسسه دولتی یا طرح مسلح ساختن کاخانجات جهت مقابله با اقدامات چریکی یا برنامه های سخنرانی و تبلیغ برای نارگران و کارمندان بعنوان و بهانه های مختلف نیز از اقدامات " کمیته مشترک " بوده است .

از نظر ایدئولوژیک نیز کمیته با برخورد درآوردن برخی از تسلیم شدگان مانند (نیکخواه . دامغانی لاشائی ومرتجعین باصطلاح مذهبی) موضع فعالی گرفته و از طریق تبلیغ ایدئولوژی منحط و فاسد طبقه حاکم در قالبهای خوش آب و رنگ " سیاست مستقل ملی فرهنگ باستانی " و " ایدئولوژی شاهنشاهی " پیشرفت های اقتصادی پنهان رسمی و . . . پشتیبانی برای خود جستجو میکند (۱)

مجاهد شهید رضارضائی در این باره مینویسد :

(۱) سازماندهی و ناکیکها نوشته مجاهدین خلق ایران تابستان ۱۳۵۳ تکتیر و

توزیع از پیام مجاهد ص ۱۱ - ۹۲

فشار و خفقان فراوان است و محیط بشدت پلیسی . دستکاهای تبلیغاتسی
جهنمی که الان سراسر کشور با سیستمهای ماکرو و یوتلوویژ یون و . . . پوشانده اند
گوشه‌ها را کرمیکند . رژیم به يك بسیج همه جانبه فرهنگی . پلیسی و . . . علیه جنبش -
جوانان مادر است زده است . بچه هاحتی از دوران کود کستان یکروز هفته باید در رکلاس
بخشهای سیاسی که در حقیقت - بحثهای شاهی - میباشد شرکت کنند . برنامه آموزش
دانش آموزان نادر انشگاه همه تغییر خواهد کرد و در آنها اصرار روی آموزشهای میهنی
است (۱)

روشهای پیشگیری کننده

سازمان امنیت ایران بعنوان يك سازمان پلیسی سیاسی - مخفی . مناسب
با هر مرحله از رشد و تکامل . جنبش . شیوه های اهریمنی تعقیب و دستگیری خود را تکامل
داده است . یکی از مهمترین برنامه های دراز مدت ساواک در بتواند احتن سازمانهای
سیاسی . طرحی است که بنام طرح " سازمان مادر " معروف است . اکنون توانسته ایم
خطوط اصلی این طرح بزرگ و دراز مدت را که در طی قریب ۱۶ سال (از ۳۴ تا ۵۰)
بهترین نتایج را در کشف و دستگیری گروهها برای سازمان امنیت بپار آورده کشف کنیم
نقاط مبهم و نامشخص هنوز وجود دارد که بایستی چوئی و وقت مبارزین انقلابی بمرور
روشن خواهند شد . آنچه اهمیت دارد این است که راز این حربه بزرگ اکنون از پرده
بیرون افتاده است و مخصوص با سازماندهی جدید نیروهای مبارز مسلح چنین حربه‌ای
بیش از پیش کلد تر میگردد .

ساواک بعد از سرکوب کامل حزب توده و سازمان افسران و در پایان سال ۳۳
کم کم باین فکر افتاد که از عناصر سست عنصر و خائن حزب . برای مقاصد ضد انسانی خود
کمک گرفته و تجربه سیاسی آنها را در خدمت منافع کثیف استعماری قرار دهد . (البته
در آن موقع هنوز ساواک تشکیل نشده بود و فرمانداری نظامی کار ساواک را میگرد) این
نقشه بعد ابا فکر دیگری تکمیل شد . باین معنی که ساواک . به عده ای از عناصر خود
فروخته و خائن که مخفیانه خود را در خدمت پلیس گذاشته بودند . اجازه داد که هم
چنان بفعالیت سیاسی مخفی خود ادامه دهند تا از این طریق شبکه های خود را در

(۱) از زندگی انقلابیون در سن یکیریم . یاد نامه محاهد شهید رضا رضائی ضمیمه جنگ
از انتشارات سازمان محاهدین خلق ایران فروردین ۵۳ تکمیل از انتشارات ۱۲ محرم .

ن افشار روشنفکری و گروههای مبارز، بپراکند. در این میان بسیاری از عناصر بسیار
 وقت و کم تجربه نیز جذب این گروههای با اصطلاح سیاست - مخفی شدند. باین
 میب علیزخم افراد بالای این گروهها که عناصر خائن و خود فروخته بودند. افراد صدیق
 داده ای هم وارد این گروهها گردیدند. بخصوص از طریق همین افراد ساده و صدیق
 که این گروهها جلب اعتماد افراد و گروههای دیگر را کرده و اطلاعات لازم را از
 یقی همین افراد بکار رهای خائن بالا و از آنجا با سواک رساندند. این گروهها که
 واقع چیزی جز یک شبکه اطلاعاتی برای پلیس نبودند. توانستند بسرعت شاخکهای
 و در راد میمان روشنفکران و سازمانهای گروههای کوچکتر سیاسی فرو کنند. و آنجا
 عناصر تشکیل دهنده سازمان مادر بیشتر از عناصر حزب توده بودند. عمدتاً توانستند
 ر میمان سازمانهای مارکسیستی نفوذ کنند. عمده ترین این سازمانهای سیاسی که
 هیتاپلیسی بودند عبارت بودند از تشکیلات تهران - ساکا - گروه جریان (۱)

بریکهای فدائی خلق در این باره چنین مینویسند :

تشکیلات تهران نه تنها افراد را بدام خود میانداخت بلکه بوسیله ی افسراد وابسته
 خود از گوشه و کنار اطلاعاتی راجع به گروهها و انقلابیون دیگر نیز جمع آوری میکرد
 طبعاً تمام این اطلاعات بوسیله ی عباس شهریاری در اختیار سازمان امنیت قرار میگرفت
 البته شهریاری عمده ی زیادی از کارمندان سازمان امنیت را نیز در تشکیلات تهران وارد
 زده و در راس کارهای مختلف قرار داده بود و در واقع این سازمان امنیت بود که
 بوسیله عمده ای از کار رهای حزب توده تشکیلات تهران را بوجود آورده بود. هدف
 سازمان امنیت از ایجاد تشکیلات تهران از سوئی جمع کردن عمده ای از عناصر انقلابی
 بی اثر کردن آنها و از سوئی دیگر ایجاد کانونی برای شناسائی سایر گروهها و سازمان
 انقلابی و حتی افراد دارای اندیشه ی سیاسی بود (۲)

(۱) سازماندهی و تاکیکها. نوشته مجاهدین خلق ایران - تابستان ۱۳۵۳

تکثیر و توزیع از پیام مجاهد صفحات ۱۱۵ - ۱۱۷

(۲) اعلام انقلابی عباس شهریاری. مرد هزار چهره ... بوسیله سازمان چریکهای

فدائی خلق صفحات ۱۷ - ۱۸

مهمترین ابزار سرکوب دشمن در رابطه با مبارزین شکنجه میباشد.
در اینجا مواردی از روشهای شکنجه در ایران را ذکر میکنیم.

در باره شکنجه های آریامهری

شکنجه های گوناگون در زندانهای آریامهری رایج است بطور معمول همینکه چریکی اسیر میشود یک برنامه مشت و لگد و فحشهای بسیار رکبک بلافاصله اجرا میشود. این برنامه چه بسا تا چند هفته و هشت ساعتی ادامه دارد. این ناشتایی است و بطور معمول زندانی بارها از هوش می رود که دوباره او را بهوش می آورند. شکنج کار بدین صورت است که اسیر را در اتاق می برند. گرد او را آن افراد قتل در آورده ای ایستاد مانند اسیر را وسط می اندازند و با مشت و لگد بیکدیگر می گیرند. اسیر هم چنان در وسط است خونین و کوفته و چه بسا با اعضای شکسته. چریکها اسم این اتاق را اتاق فوتیال گذارده اند. این عملیات برای شکستن اراده و بهم زدن ذهن چریک انجام میشود. ضد انقلاب بدینسان میخواهد ضمن ایجاد هراس در دل چریک مجموعه پاسخهایی را که چریک برای خدمت با انقلاب از قبل در ذهن ساخته است درهم بریزد.

در آن مرحله اغلب حتی از اسیر هیچگونه پرسشی هم نمیکند. فقط میزنند پس از آن نوبت بازجویی میرسد.

یک بازجویی طولانی و خسته کننده بارها و بارها بازجویان بعزت خستگی عوض میشوند. ولی چریک ثابت است. چریک استراحت خود را در "اتاق فوتیال" کرده است. این بازجویی که بابی خوابی و زجر فراوان آمیخته است بیشتر از آن جهت است که چریک نتواند اندیشه خود را منظم کند بدون اراده سخن گوید. اگر از اینها نتیجه حاصل نشود عملیات بعدی آغاز میشود این عملیات از کشیدن ناخن تانساندن به سر و منقل الکتریکی تا شکستن دست و ماشوک برقی و تا شلاق زدن بگ پا و غیره دنبال میشود.

از نظر خود شکنجه گران و متخصصین "عدل پهلوی" مهمترین و دردناک ترین انواع شکنجه ها همان شلاق زدن کف پا است. این شکنجه بدینسان است که زندانی را بروی تخت خواب آهنی مخصوص دراز کش محکم می بندند بطوریکه فقط دو کف پای اسیر از میان کف تخت بیرون است. شلاق کابل برق است. شکنجه گرد در فرود آوردن کابل بگ پای زندانی تخصص دارد. شلاق زدن آغاز میشود. تعداد ضربات نامعلوم

ست . و نامعلوم تر از آن تعدد اندفعاتی است که زندانی را شامل اینگونه الطاف ملوکا ترار میدهند . وضع کف پامعلوم است زخمها شکفته میشود . خون مردگیهای شديده بوجود میآیند و ورم میکنند راه رفتن بدترین عذاب است و باید راه رفت . چارهای نیست

چریکهای بوده اند که کف پایشان را اثر این شکنجه متجاوز از ده سانت ورم کرده و زخمها شکافته اند . مانند اصفرید بیع زادگان از " مجاهدین خلق " چریکهای بوده اند که تمامی استخوانهای کف پایشان بوضوح آشکار شدند . مانند همایون کتیا از " چریکهای آرمان خلق " و معبد پایمردی کردند

اصفرید بیع زادگان را متجاوز از یکماه شکنجه میکردند نخست بر روی اجاق نشاندند و سپس به پشت خواباندند یکبار برای مدت ده ساعت مداوم او را میسوزاندند . سوختن چندان ادامه یافت تا از پوست و گوشت گذشت و به نخاع رسید . چریک دلاور انقلاب خلق را آستانه فلج قرار گرفت . و همچنان چیزی نگفت و نگفت . او را بهمان وضع در سلول انداختند و در راهرویش بستند زخمهای سوخته چرک کرد و چرکها انباشته شدند تعفن چرک و بوسیدگی سلول را برکرد زندانیان دیگر خفه میشدند اینها نمونه هائو از شکنجه های جسمانی است . شکنجه های دیگری هم هست که " روحی " نام دارد . این شکنجه ها به تنهایی دیگر چندان معمول نیست و بهمرفته در نیمه های شب اوای ناله های مرگ فضای زندان را پرمیکند . بدنبال آن فریاد جیغ های دلهر انگیز که گویای شکنجه دیگران است بهنگاه بیدارباش میزنند . سپس سگی عومیکند . همه چیز خاموش میشود . این فریاد و ناله ها همه دوارند ولی این نوارها از روی واقعیت پر شده اند اینها فریاد ناله یاران شکنجه شده است که از طرف هنرمندان شکنجه چی انقلاب سفید انتخاب شده اند و پخش میشوند (۱)

مهدی رضائی مجاهد شهید در دادگاه درباره شکنجه چنین میگوید :

در خانه از شکنجه صحبت میکنم . این شیوه رفتار همکاران شماست که جوانان انقلابی میهن ما را زیر شکنجه های وحشیانه ردیلانه میگیرند . خود من ۱۵ روز زیر شکنجه بودم و فشار خونم به ۵ رسیده بود و ۲ کیلو لاغر شده بودم . برای آماده کردن من بمنظور شرکت در دادگاه یکماه در بیمارستان بودم . اما اجاق برقی سوزانده اند

(۱) گفتاری درباره شکنجه زندان از مجاهدین خلق ایران بهمن ۱۳۵۰ تکثیر و توزیع

از " مجاهد " شماره ۱۳۵۱ صفحات ۵-۱۳

بطوریکه از راه رفتن عاجز بودم و روی زمین و روی سینه خود حرکت میکردم . مامورین شما (ثابتی) با آلت خودشان در دهان من را ر کردند . آيا شرم نمیکنید . این ماهیت واقعی رژیم است که ما با آن به مبارزه برخاسته ایم . (۲)

حجت الاسلام آقای شیخ حسین غفاری آذرشهری را پس از دستگیری تحت شکنجه های طاقت فرسا قرار میدهند . . . از جمله شکنجه هایی که باور داده بودند این بود که پایهای او را در میان یک روغن زیتون جوشان گذاشته گوشت و پوستش را سوزانند (۲)

هر قدر شخصیت اخلاقی فرد اسیر برجسته تر و روحیه او نیرومند تر باشد عکس العمل بعضی از مامورین نسبت با او شدید تر میشود کوابنکه احیاناً مامورین هم نسبت با او حسن احترام بیشتری میکنند . گرفتن خواب برای مدت طولانی . روانیدن سوزن بزیربناخن فرو بردن . سوزانیدن پشت و منت . پیشانی . پشت پلک چشم با آتش سیگار . آویزان کردن از سقف اتاق . روانیدن موی اسب بمجرای او را ر . همه اینها را با حرکات توهین آمیز دیگر که هر انسان از بیان آنها شرم دارد بهم میآمیزند . حتی گاه پیرمردان را هم بمنظور خوار و خفیف کردن بوسیله نیم بطری و تخم مرغ داغ مورد تجاوز قرار میدهند . عده کسانی که در اثر این اعمال وحشیانه یا زیر شکنجه جان داده یا برای یک عمر معیوب و معلول شده اند کم نیست . (۳)

آقای ایوب و ولو وکیل دعاوی در ریاریس که بایران رفته بود درباره شکنجه چنین میگوید :

"زندانیان سابق از محل شکنجه در زندان اوین بامن حرف زدند و انواع شکنجه ها را که خود دیده بودند برایم برشمردند : "

(۱) متن کامل دفاعیات و متن از سازمان مجاهدین خلق ایران سعید محسن و مهدی رضائی در ادگاه نظامی از انتشارات کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران بهمن ماه ۱۳۵۱ ص ۳۸

(۲) خبرنامه شماره ۳۹ بهمن ماه ۱۳۵۳

(۳) درباره ساواک کفدراسیون جهانی و محصلین و دانشجویان ایرانی ص ۱۱۵

شلاق خوردن بایک شلاق سیعی

میزقلزی که بتدریج داغ میشود وزندانی را روی آن می خوابانند .

سوزاندن بدن باسیگار

اتصال برق به اعضای تناسلی

آویختن از دستهای سقف در حالیکه یک بطری نیمه شکسته در مقدمه زندانی فرو کرده اند

و . . . بمن گفتند که زندانیان را حتی در حضور کسانشان شکنجه میدهند تا مگر آنها را

باقرار آورند . آنها مواردی را که خود شاهد بوده اند برایم گفتند و از جمله اینکه به سه

یک زن در حضور شوهرش تجاوز کردند تا شوهر مجبور به اقرار شود .

و نیز یک بچه ۷ ساله را جلوی چشم پدرش شکنجه شلاق و برق دادند تا پدرش

مجبور به اقرار شود .

یک بچه ۴ ساله را جلوی چشم مادرش به شلاق سیعی بستند و باقیی جراحی

پشت کردن پسر بچه را قطعه قطعه میبردند تا مادر را به حرف زدن وادار کنند (۱)

شکنجه دیگری که در مورد بیشتر دانشجویان بکار برده می شود گرفتن وصیت نامه

و تشکیل جوخه آتش است . پس از آنکه شکنجه های مقدمه مانی تمام میشود دانشجویان

را وادار به نوشتن وصیت نامه می کنند و آنگاه چشم آنان را بسته و در برابر جوخه آتش قرار

می دهند تا آنچه را تمایل دارند از زبان آنان بشنوند . و با اقرار دادن هفت تیر بر روی

شقیقه آنان را وادار به امضای اقراریه از پیش ساخته می نمایند تا در ادگاه های فرمایش

علیه آنان مورد استناد قرار گیرد .

در زندانهای انفرادی قصر نیز شکنجه های وحشتناکی بکار می روند بعنوان

نمونه حمید کریمی را در حال اعتصاب غذا اینچ نفر یگر به صلیب کشیده و در آن حالت

شلاق زده اند و بالاخره با افساری زندانیان شماره ۳ قصر آنان را بر زندان بازگردانده اند .

در باره وضع زندانها

هر چند گاه یکبار از اداره اطلاعات برای جمع آوری و تفتیش کابینائی که در

(۱) گزارش ناظرین بین المللی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران فروردین ۱۳۵۴

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور) ص ۴

۲- خبرنامه شماره ۲۰ بهمن ۱۳۴۹ ص ۹

دوازده

زند اند می آیند و هر چه کتاب علمی قابل استفاده باشد جمع آوری کرده با خود می برند و اکنون در کتابخانه زندان جز چند جلد کتاب بی ارزش چیز دیگری را نمیتوان یافت . پس از یورش وحشیانه پلیس در فروردین ۴۸ غارت و ازین بردن اموال زندانیان شماره ۳ و ۴ قصردیگر اجازه ورود هیچ وسیله ای را بزندان ننید هندی . همه تختخوابها و میز و نیمکت مطالعه و چراغها را برد اند و حتی اجازه نمی دهند در اتاقها از لامپهای پر نور استفاده شود و بعلت کم نور چراغ اکثر زندانیان در چارناراحتی های چشمی میباشند برای هر زندانی بیش از یک فضای ۲۵ سانتی متری وجود ندارد . اغلب اتاقها نمناک هستند . پادرد و کمردرد از بیماری های شایع زندان است و غالباً آنکه هر چند وقت یک مرتبه مانند قوای چنگیز یورش می آورند و تمام بازرسی زندان زندانیان را از اتاقها بیرون میکنند و هر چه را که در لشان می خواهد پاره میکنند یا میکشند و با با خود می برند . پس از این یورش واقعا اتاقها بدنی هستند و چندین روز طول میکشد تا اتاقها بحال اول برگردند و البته هر کس در این با اصطلاح باز بد چیزی را گم کرده است .

برای آزار بیشتر زندانیان سیاسی همیشه چند تن از زندانیان جانی و چاقوکش را در این زندانها نگه میدارند و در صورت لزوم از آنها برای بوجود آوردن حوادث ساختگی و تحریکات از پیش معلوم استفاده مینمایند . در زندانی که هرگز یک تیغه کار پیمدا نمیشود اینها همیشه چند چاقوی ضامن دار همراه دارند که از طرف مقامات زندان در اختیار آنان گذاشته میشود . اینان بیشتر اوقات مست بوده و همیشه مواد مخدر را استعمال میکنند که توسط خود زندانیان با آنها می رسد . هر زندانی که بخواهد در برابر تعدی زندانیان حریفی بزند با انتقام و پاسخ این زندانیان روبرو میشود و این گذشته از آنکه کسی بعد بمناطق بد آب و هوا تبعید شده و در آنجا به بیماریهای گوناگون مبتلا میشود و این عمل در زندان بسیار عادی است .

و حال اندکی بپردازیم بزندانیان و قزل قلعه . موقعیت زندان اوین را کسی بد رستی ندیده زیرا حشم ندانی را هنگام ورود بآن می بیند و ولی خود بازداشتگاه در میان باغ بسیار وسیع باد رختان کهن و انبوه قرار گرفته است تا صدای فریاد شکنجسه شوندگان به بیرون نرسد . در بد و ورود تهویه هایی که در بالای سلولها تعبیه شده جلب توجه میکند و شخص ممکن است فکر کند که این همه برای رفاه حال زندانی است ولی کافیست چند روزی بماند تا دقیقاً منظور از این تهویه های بالای سلولها را دریابد .

از این تهیه ها چند طریق استفاده میشود . بوسیله آنها میتوان هوای بالاتر از صد درجه گرما و هوای چندین درجه زیر صفر را وارد سلولها کرد و این عمل در تمام مدت بازجویی انجام میگردد و تا وقتی که زندانی در رنزد و حاضر یا قرار نگردد ادامه مییابد . دیگر اینکه میتوان هوای مسموم یا میکربهای مختلف و حساب شده را وارد سلول کرد بطوریکه پس از سه ماه زندانی به بیماریهای از قبیل سل . تنگی نفس . سینه پهلوی غیره مبتلا میگردد .

وضع جسمی زندانیانی که در حدود سه ماه در این سلولها بوده اند گواه عینی بر این مدعی است . فایده این روش از نظر سازمان امنیت آن است که یازدهانی از اسرا در محاکمه و از بین میرود و یا در صورت رهائی از آنجا بوجودی علل و بیماری تبدیل میشود که در هر دو حالت بگمان احوال سرسخت و تغییر ناپذیر مبارزه را از میدان بدر میکند . در تمام مدتی که زندانی در این می باشد از نور آفتاب خبری نیست و هوا خوری مطلقا وجود ندارد . صحبت کردن بکلی قدغن است و مجازات کسیکه از دستورات زندانبان (که در ابتدای ورود با او گوشزد میشود) سرپیچی کند گرسنگی - شلاق - و انتقال به سیاه چالهای سرد و کیفی است که بایلهای زیاد در زیر زمین تعبیه کرده اند .

رئیس این زندان شخصی است بنام حسینی (شعبانی) که جثه ای کوتاه و بسیار چاق دارد . ویونی از انسانیت نبرده است بخصوص صدای خنده های او بسیار وحشتناک است . او از جمله شکجه گران زندان نیز میباشد و وحشتناکترین شکجه هارا تمام باخنده و خفیلی خونسرد انجام میدهد و در میان زندانبان معروف است . کسی که از زندان اوین و از دست شکجه گران آن زندان بیرون بیاید خیلی جان سخت بوده است .

در تمام مدتی که زندانی در اوین است هیچگونه خبری از او هیچ کسی نمیدهند . در این زندان ملاقات وجود ندارد و چون همیشه احتمال از بین رفتن و نابودی زندانی در این زندان وجود دارد . هیچگاه قرار بازداشت را برپیت او نمیبرسانند .

شکجه گاه قزل قلعه مرحله دوم این شکجه گاه میباشد اما دستکی از این زندان ندارد . ولی در اینجا وسایل شکجه همان وسایل قدیمی است مانند شلاق دست بند قهانی و خرس (که بجان دخترهای اندازند) و شکجه " شلاق بعد از استهگاه

چهار

و دیگر وسایلی که از قدیم در آن زندان مورد استفاده ماموران شکنجه بوده اند و هنوز وسایل شکنجه آن مانند زندان اوین مدرن نشده اند. آنچه در این زندان (قزل قلعه) بسیار وحشتناک است رطوبت بینهایت زندانها است بطوریکه پس از چند روزیاد رد و کرد رد شروع میشود و چون از گد تا طاق سلولها خیس است تنفس بسیار مشکل و بیماری تنگ نفس در این زندان شیوع دارد. در تمام مدت زمستان فقط در راهروها و زندان یک بخاری کوچک روشن است آنها برای نگهبان زندان و زندانی برای آنکه گرم شود باید همیشه بخود پتو پیچند ۱۶۱ و این پتوها نیز و د بیشتر به هر زندانی نمیدهند و بسیار کثیف و پاره اند.

بازجویی ها همیشه به موقع واکثرانیمه های شب انجام میشوند. بطور معمول پس از بازجویی و در فاصله آن اجازه خوابیدن و استراحت بزندانی داده نمیشود و در صورتیکه از این دستور سرپیچی شود و زندانی بخواهد نگهبان او را با شلاق بیدارخواستاده کرد. هیچ وسیله استحمام جز یک دوش که آنهم سرد است و در یک محوطه وسیع قرار گرفته وجود ندارد و تازه پس از درخواستها و اعتراضات مداوم در صورت رضایت زندانها شاید بتوان موفق بیکبار استحمام در ماه شد. هیچ گونه وسیله مطالعه وجود ندارد بازجوها همیشه سرزده و بی موقع در سلولها سر میزنند و با کلماتی بسیار رکیک و اهانت آمیز باز زندانی رو بر میگویند. غالباً آنجا که میتوانند زندانی را در انفرادی نگه میدارند حتی وقتی که بازجویی هم تمام شده باشد. اکنون نزدیک ۱۱ ماه است که جمشید هر رابعلت اینکه به تمایلات و خواسته های بازجویان امنیت تن در داده در انفرادی نداشتند. هم چنین سیامک لطف الهی را که از طریقش وارد شده بود در مرز دستگیر و مدت ۸ ماه آزار و شکنجه دادند و در انفرادی نگه داشتند و پیشنهاداتی از نوع آنچه به پارسا نژاد شده و آن تن در دادن با و نمودند اما هرگز نپذیرفت و تا این زمان تیر شا بمنگ خورده است و این کاریست که در مورد همه زندانیان اوین انجام میگردد و آنکس قبول نکند بر او همان میروند که بزرگدندانان پر مقاومتی نظیر عباس شیانی میروند که نزدیک بد و سال است در وره زندانش سرآمده اما هنوز زندانی است.

نازکی ها بقل خودشان زندان مدونی ساخته اند که برای آن تبلیغات بسیار برآه انداخته اند و بوق و کرنای زیاد میزنند ولی این زندان " مدرن " برای زندانیها سیاسی " قفسی " بیش نیست. پس از دوران بازجویی و شکنجه وند بدن آفتاب و نسو

پانزده

د رزندان قزل حصار همان وضع د و باره برقرار میشود .

این بار زندانیان را د رسلولهای چهار نفری قل و زنجیر مینمایند و برای پیرون ر آنها باز میکنند و د باره می بندند .

برای مستراح رفتن نگهبان همراهست و د باره برای بازگشت بسلول همینطور د راین زندان نیز از هوای آزاد خبری نیست . د راین زندان اجازه استفاده از هیچ يك از وسائل نمایشی که د و آن وجود د ارد د اده نمیشود .

بدترین نوع ممکن غذا راجیره میدهند و هیچگونه امکان طبخ نیست . د ر حادترین بیماریها باید از همان غذا استفاده کرد . بدین ترتیب پس از مدتی کوتاه همه گرفتار انواع بیماریهای گوارشی میشوند . د ر اینجا فقط از مدرن بودن راحتتر کردن کار زندانبان و تسهیل عملیات پلیسی را بحد اکثر د اراست . ملاقات تلفنی است و پس از آنکه بستگان يك زندانی ۸۰ کیلو متر را طی کردند و بزندان " مدرن " قزل حصار رسیدند حق د ارند فقط حد و د یک ربع ساعت از پشت شیشه با تلفن زندانی خود را " ملاقات " کرده و صحبت نمایند و مطمئن که اوزنده است . د راین تلفن ها همه " صحبت ها کنترل میشوند و کافست تا يك کلمه از وضع رفتار زندانبانان بمیان آید تا سروکار زندانی با چوب صلیب و دستبند میا بندد بیافند . و رور هر نوع کتاب سیاسی و علمی و حتی ادبی کسه کوچکترین اشاره ای علیه ظلم و ستم د ر آن باشد ممنوع است و البته کتابی چون نهج البلاغه اجازه و رور بزندان رانمی یابد .

د ر تبعید گاهها شرایط بسیار سخت و طاقت فرسائی وجود د ارد و هیچ گونه توجهی بزندگی و حیات زندانیان نمیشود .

مشعوف کلا نتری را پس از اینجماه شکبجه د ر زندان اوین بپند و عباس تبعید کردند اوکه به بیماری سل مبتلا بود . مدتها د ر بدترین شرائط آب و هوائی بسر میبرد . بیژن جزنی که بزخم اثنی عشر . د چار بود با حال بد د ر زندان قم بود . سوزنی د ر زندان برازجان مبتلی بملیاتیك و د ر د کمرش د عزیز سردی د ر برازجان بزخم معد مبتلی گشت و د ر آنجا هیچگونه وسیله مد او نبود . حسن ضیا ظریفی د ر اشتر رطوبت زندان رشت د چار رمانیسم شد و سرانجام بعنوان اینکه میخواستند اند فرار کنند همه را شهید کردند . احمد افشار د ر اراك و جویانزاده د ر زاهدان د ر معرض خطر

کوری بودند . ایشان حتی باعینک قادر بخواندن کتاب نبودند . و سرانجام هم بعنوان اینکه میخواستند فرار کنند در زندان آنها را بمسلسل بستند . زرار زاهدیان در چار زخم معده شد . حال عمومی در کمرشهر زاد خوب نبود و از بیماری های گوناگون رنج می برد . پرویز حکمت جوید در مهره های پشت مبتلی گشت و بر اثر انواع شکجه ها از پسا در آمد و علی خاوری بینائیش را از دست داده است . . .

مقامات امنیتی و پلیسی شرط انتقال همه زندانیان را از زندانهای تبعید بزندان های اصلی نوشتن " تنفرنامه و تائید رژیم " قرار داده اند (۱) در زندان شیراز زندانیان سیاسی را در شرایط فوق العاده بد و کسند های قرار داده اند و در زیر زمینهای مرطوب فاقد هوا و روشنائی بود و سه به سه حبس کرده اند . آنها را فقط روزی یکبار برای قضائی حاجت بیرون میبرند . ۱۴ نفر از جمله تشدید از مجتهدین و آقای عباس حجری یکی از باقی مانده های شبکه نظامی سابق که مرد بسیار محبوس و محترم و مریض احوالی است و اکنون بیست و یک سال زندان را میگذراند در وضعی قرار داده اند که چند بار با شکستن شیشه پنجره ها دست بخود کشی زده اند . همگی مریض و ناجور هستند . روزانه در طرفهای کفیی که محتوی چیز غیر ماکولی است مثل حیوانات بعنوان غذا جلوی آنها میگذرانند . آقای طاهر آقا احمد زاده به مسمومیت شدید مبتلا و ناگزیر به بیمارستان منتقل شدند و خطر جانی همگی خصوصا اشخاص مسن تر را تهدید میکند . با انتصاب سرهنگ سیاسی پور معروف به ریاست زندانهای تجدید وضع عمومی در همه زندانهای کشور نسبت به زندانهای سیاسی بوجود آمده حتی در تهران که در معرض آمد و رفت و اطلاع هزاران نفر است سختگیری شدیدی آغاز شده که وسایل زندگی را از زندانیهای سیاسی گرفته ملاقات ها کم و محدود و تحریکات پلیس افزایش یافته . هفته قبل در شماره ۳ قصر یک نفر زندانی را بی مقدمه به بند ۸ صد میکنند و مامورین با باتون بسراو میریزند زندانی ها در اخل با خبر میشوند اعتراض میکنند عده کیری کاند و با باتون و تجهیزات بسراو زندانیهای بی دفاع می ریزند و شدیدا آنها را مضروب میکنند که از جمله در کمرشیانی و بیژن جزنی سخت مضروب و مسدوم میشوند .

زندانیان باین هم اکتفا نمیکنند و نفر اخیر را به زندان مجرد میفرستند آنها در آنجا دست با اعتصاب غذا میزنند و سپس دانه اعتصاب بد اخل زندان میکند که

زندانیان ناچار به برگرداندن آنها میگردند .

در شیراز مامورین بزندانیان ریخته و زندانیان را به شدت کتک زدند . زخمی و مجروح کردند . اکنون هر روز نفر از آنها در یک سلول بسر میبرند

احمد زاده و مهندس عزت الله سجایی و مهندس شید در شیراز در سلول انفرادی بوده و حق ملاقات ندارند .

وقتی یک نفر زندانی بامام رضوی را از زندان مرکز بیرون میبرد . زندانیان برای او کتک میزنند و بعد افسری بنام نوجوان به رضوی کسید و ای چنان میزند که پرده گوش رضوی پاره میشود . شیراز مدتی قبل زد و خوردی بین زندانیان سیاسی عادل آباد و مامورین رخ میداد که در نتیجه یک زندانی سیاسی کشته و دویلیس نابینا میشوند . (۱)

روشهایی که پلیس برای شناختن و بدام انداختن مبارزین بکار میبرد .

در این قسمت روشهای مختلف پلیس را برای بدام انداختن مبارزین ذکر میکنیم . بطور کلی این روشها را میتوان بدو دسته تقسیم نمود . البته این نحوه تقسیم بشدنی باین خاطر است که نظمی مطالب داده باشیم و گرنه آنها را نمیتوان از هم جدا نمود . دسته اول را روشهای مستقیم مینامیم یعنی روشهایی که پلیس در حالت مستقیم در آنها وارد . دسته دوم روشهای غیر مستقیم است و آن روشهایی هستند که از نقیضات ضعف مبارزین و ایجاد فضای پلیسی و جوترس و رجامعه نانی میشوند .

روشهای مستقیم

۱- گروههای گشتی و تجسمی شهری - (منطقه گردی) گروههای گشتی ساواک با ماشینهای شخصی مختلف مخصوصا با ماشین پیکان سفید که عموما باراننده و دارای چهار سرنشین هستند . این گروهها در خیابانهای تهران و مراکز استانها به وسیله نقلیههای که مشکوک بشوند . آنها متوقف و بازرسی و کنترل مینمایند .

۲- کنترل های موضعی ناگهانی شهری باین معنی که در یک ساعت معین در روز یا در شب (روزها معمولا صبح زود و شبها تا حدودی در بوقت) در چهار راه مهم بطور همزمان به وسیله افراد پلیس یا ساواک کلیه موتور سوارها . اتومبیلها و حتی گاهی

۱- وقت‌عابرین رامتوقف و بازرسی مینمایند .

۳- کنترل‌های اتفاقی یا منظم خارج شهری . این کنترل‌های اتفاقی ازمانسینهای شخصی و مسافری بوسیله پلیس راه در محل پاسگاههای مربوط به بهانه یافتن مواد مخدر یا اشیاء قاچاق صورت میگیرد .

۴- جدیدترین تاکیک دستگاه برای استفاده از تصادف و شانس هجومهای ناگهانی بخانه و محل کار افرادی است که اذگذاشته در ارای سابقه مبارزه و مخالفت با رژیم هستند . باین امید که بعد از آنکه واسناد جدیدی دست یابد و سرنخی بدست آورد .

۵- مزدوران امنیتی گاه و بیگاه به کنترل نامه ها و مکاتبات پستی پرداخته و چنانچه مطالب سیاسی یا عقیدتی و یا مطالب مهم و رموزی در آن باشد به تعقیب و احیاناً دستگیری و بازجویی طرفین مکاتبه میپردازند . علاوه بر این گاه و بیگاه و یا برای مدت کوتاهی مکاتبات پستی و ارتباطات تلفن مبارزین شناخته شده و یا افرادی که ساواک بطریقی از آنها گزارش در جهت مبارزه دریافت مینماید مورد کنترل قرار میگیرد . تلفن بیشتر کار ساواک کمک می کند . به مکالمات تلفنی رغبت بیشتری اظهار می شود و یا استفاده از همین ضعف ساواک موفق می شود مبارزان و محل قرارگاهشان را کشف کند . بسیاری از گروه های مخفی از طریق تلفن کورفته اند .

۶- شیوه رخنه از خارج . این شیوه یکی از قدیمیترین و معمولی ترین طریقه نفوذ در گروههای و سازمانهای سیاسی و انقلابی است . در این شیوه سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و سازمان دست پرورده آنها ساواک عوامل زیرک‌تریت شده خود را در نقش یک مبارز فعال و حتی افراطی و در بعضی موارد صاحب‌تئوری و تسلط کامل به ایدئولوژی معین در محافل و مجامع روشنفکری و مذهبی بازمین و گرایش های مبارزه بصورت شکارهای مناسبی در سطوح مختلف و قشرهای متعدد اجتماع رها میسازند و با پیاپی حوادث و وقایع به تدریجی از افراد ساده یا اعضا بی ملاحظه یک گروه و سازمان سیاسی و انقلابی بسر خورد نموده و خود را در آن وارد سازند . ساواک اینگونه مأموران خود را " کارهای رهبری " میخواند . در این شیوه که ساواک بدان توجه و وابستگی زیادی دارد از طریق خریدن مبارزین اسیر و گرفتن تعهد همکاری از آنها صورت میگیرد و لذت ابعض اینکه در یک مبارز اسیر تزلزل یا نقطه ضعفی مشاهده کنند از این نقطه ضعف وارد شده و برای فریب و و گرفتن قول همکاری به حربه تهدید و تطمیع متوسل میشوند . . . چون اینگونه افراد دارای سنا

مبارزه و زندان و آگاهی سیاسی و تشکیلاتی هستند بمسئولیت خواهند توانست از — ساد
سایر افراد مبارز را جلب نموده و در یک تشکیلات رخنه نمایند .

۷- شیوه تشکیل گروههای ساواکی در این شیوه ساواک بجای اینکه بانتظار تشکیل
و پیدایش گروهها و کوشش برای رخنه و کشف آنها باشد خود بکمک عوامل ورزیده و
تربیت شده ای به تشکیل گروههای سیاسی و انقلابی نما اقدام مینماید تا بدین وسیله
امکانات بالقوه مبارزه و نیروهای هواداران انقلاب را جذب و سازمانهای اصیل را از بین
و یاری آنان محروم سازد . همنانچون در همدسته مرکزی هیئت و موسس این گروه یک یسا
چند نفر از عناصر و عوامل ساواک وجود دارد که با آن در رابطه مستقیم هستند . از طریق
افراد کار رهای پائین آن به جمع آوری اطلاعات و گزارش در مورد سایر افراد مستعد زمینه
وجود مبارزه در مردم میرد ازند . این گروه چون در جنگ ساواک است . از آن خطری
احساس نمیکند و تنها در لحظه ای اقدام به دستگیری افراد اصیل و صادق آن مینمایند
که کند رهبری و ته و توی قضیه در خطر آفتابی شدن و در معرض احساس آگاهی عمومی
اعضا قرار گیرد (۱) . نمونه این مورد . تشکیلات تهران است که قبلاً کرشد .

در رابطه بانفوذ ساواک در میان سازمانها و گروههای مبارز در یکی از اسناد بدست
آمده از مرکز ساواک در ژنو چنین نوشته شده :

..... در این مورد لازم به توضیح نیست که کسب اطلاع از اینگونه فعالیت ها و
اقدامات مستلزم در اربودن منابع ممتاز و ورزیده است و لزوماً باید یا در آورگر در منابع
آن نمایندگی حتی آنها را نیز که در حد بالاتر و بهتری هستند تا بحال توانسته اند در
گروه فعالین مخفی نفوذ نمایند . چه گروههای مزبور طبق تعلیمات و دستورات کساد
گرداننده اعضا فعال و شناخته شده گفت راسیون رابطه و رکی کمتر رجریان فعالیتها
خود که ضمانت ر حاشیه گفت راسیون صورت میدهد و مدخله میدهند با این ترتیب منابعی
که در حال حاضر در خارج کشور با ساواک همکاری دارند در سطح فعالیتها آشکار قرار
دارند و قادر بر تأمین نیازمندیها و اجرای طرحهای ساواک نمی باشند بهمین جهت نمایند

(۱) اصول مخفیکاری فن مبارزه با پلیس سازمان مجاهدین خلق ایران تکمیل توزیع
از پیام مجاهد ص ۴۴ — ۵۰

کیا میبایست در انجام و اجرای طرحی که بتوان در آن از افراد مورد نظر سازمانهای مزبور که دارای جهان بینی و مطالباتی در زمینه مکبهای سیاسی باشند استفاده کرده و مرحله عمل در آورد بدیهی است پرورش و تعلیم دادن این افراد که بعنوان منبع روی آنان کار میشود مستلزم وقت و بررسی بیشتری میباشد (۱)

در زمینه مبارزها کفد راسیون در انشجویان ایرانی در خارج از کشور گزارشی رسید که مورد تأیید و تصویب تیمسار ریاست ساواک واقع گردیده است با اعلام موارد مندرج در گزارش مزبور شرح ویرخواهشمند است دستور فرمائید در اجرای آن اقدامات لازم معمول دارند .

۱- استخدام هرچه بیشتر منابع مفید و نفوذ دار آنان در رده های مختلف کفد راسیون و بویژه در بین تشکیلات سیاسی خارج از کشور بمنظور کسب اطلاعات لازم از هرگونه فعالیتی که علیه کشور و رژیم شاهنشاهی ایران در خارج از کشور انجام میشود و شناسائی کامل عاملین اینگونه فعالیت ها و حتی الامکان بدست گرفتن مسئولیت هائی در کفد راسیون ۲- اجرای طرحهای ویژه عملیاتی مانند دستبرد و سانسوریه منظور بدست آوردن مدارک و اطلاعات خاص و حائز اهمیت .

۳- ایجاد انشعاب و تقویت اختلافات موجود بین سازمانهای مختلف سیاسی و گردانندگان کفد راسیون به منظور تضعیف نیروی محرکه آن .

۴- انجام اقدامات و خنثی گری به طرق مختلف مانند انتشار نشریات و اعلامیه های آشکار و پنهانی که بطور غیر مستقیم یا مستقیم در خنثی کردن اثرات تبلیغات مختلف در خارج از کشور موثر باشد (۲)

۸- دشمن تازگی شیوه دیگری را بمورد آزمایش گذاشته است . باین ترتیب که وقتی در یک فرد مخفی را بدست آورد مثلا قرار او را کشف کرد و یا خانه اش را پیدا نمود بنا بمورد با بسیج وسیع امکاناتش سعی میکند فرد را حتی الامکان تایک در دیگر تعقیب کند بطور کلی پلیس و برخورد با عناصر مخفی سعی دارد که در اولین فرصت مناسب آنها را بدست بیاورد و بدین ترتیب در حالیکه این شتاب را بدست می آید اختن عناصر علنی ندارد و صبر میکند تا از طریق آنها به عناصر مخفی دست یابد .

۹- پلیس برای بدست آوردن اختن عناصر مخفی نیروهای خود را بسیج میکند شهرانی بویژه در این مورد از تجربه و کار و امکانات فراوانی برخوردار است . شیوه های پلیسی را این مورد عبارتند از کنترل کلیه نقاط و کلیه افرادی که امکان تماس فرد مخفی با آنها

وجود دارد . خانواده . فامیل . دوستان و همکاران اداری و شغلی بهترین زنجیرها برای رسیدن به عناصر مخفی هستند .

۱۰- رفتن سرقرارهای لورفته - اکیبهای گشتی در سرقرارگاه لاستار کرده و بهیج وجه در ترکیبهای اکیبی حرکت نمی کنند چند نفر را ابتدا اوانتها و در مسیر قرار ایستاده ضمن نگاه کردن باطراف بلند . بلند صحبت میکنند . گاهی نمازها هاو خانه های محل قرار نیز وسیله افراد عمل کنند و اشغال میشوند . درهای باز و افرادی که هر چند وقت یکبار از آن سرک میکشند . این خانه ها را مشخص می سازند نکته قابل توجه اینکه قبلا اعضای تیمها خود را بخوبی با محیط منطبق میکنند . مثلاً سر قرار اسد الله مفتاحی چند نفر خود را بشک چوب در آورده و همراه با مقداری گوسفند به محل قرار که نزدیک کشتارگاه بود رفتند و یاد سر قرار دیگری که در جنوب شهر بود مسلسل خود را در لنگسی قرار داده بودند . (۳)

۱۱- ورود پنهانی بمنازل مبارزین (احتمالاً این عمل بیشتر در مورد مبارزین خارج کشور انجام میگردد) کتاب پاره ای از اسناد ساواک چنین می نویسد : ورود پنهانی بمنازل اشخاص بایستی با داشتن طرح عملیاتی (اطلاعات کامل از سوره محل سکونت وی موقع ترک منزل و مراجعت . راههای خروج اضطراری در صورت وقوع حوادث پیش بینی نشده و غیره . علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید چنانچه در آینده قصد دستبرد بمحل یا منزل شخصی مورد نظر بود طرح آنرا دقیقاً تهیه و مرکز ارسال تاپس از تصویب و ابلاغ آن بمورد اجرا گذاشته شود (۴)

پاورقی از صفحه قبل

(۱) پاره ای از اسناد ساواک - گفت راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در سامبر ۱۹۷۶ صفحات ۴۳-۴۴

(۲) پاره ای از اسناد ساواک - گفت راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی - در سامبر ۱۹۷۶ ص ۶۶

(۳) سازماندهی و تاکیک ها نوشته مجاهدین خلق ایران تابستان ۱۳۵۳ تکمیل و توزیع از پیام مجاهد صفحات ۳۶-۳۸-۱۰۲

(۴) پاره ای از اسناد ساواک گفت راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در سامبر ۱۹۷۶ ص ۵۷

دشمن با استفاده از نقاط ضعف مبارزین و ایجاد فضای پلیسی و ترس در جامعه مرفق دریدام انداختن مبارزین و کشف اسرار میگرد. در این قسمت بخشی از این مطالب را ذکر میکنیم.

رژیم در تبلیغات خود پیوسته کوشش در اردو بازرگ نمائی قدرت سازمانهای پلیسی و امنیتی خود کابوس پلیسی را بر افکار روانه ها مردم ساد و دل حاکم سازد تا باین ترتیب بر شدت سوءظن ها و گسترش جو عدم اعتماد کمک نماید. میخواهد وضعی بوجود آورد که به مردم بقبولاند که پلیس و ساواک بر همه حوادث آگاه و مسلط بر فعالیت های مخالفین میباشند. منباب مثال پاره ای از دیروماد رهای مبارزین که بعلمت سادگی سیاسی ویا تحت تاثیر علاقه شدید به فرزند ان خود و از همه مهتر بعلمت آگاهی نداشتن بمساهیت جنایتکارانه رژیم در علم، باند ازه یک مامور امنیتی به لو دادن فرزند ان خود کمک نموده اند و بر اساس همین خصوصیات عده ای از پدر و مادرهاست که مقام امنیتی در مصاحبه ها تلویز یونی از خانواده هاتقاضا میکند "چنانچه فرزند انتان بر اه های مبارزه کسیده شوند برای نجات آنها از مجازات های سنگین ما را از فعالیت های آنها مطلع سازید" و سباز بهمین علت است که شهر بانی رژیم در این اواخر مرکزی برای هدایت و اندرز جوانان درست کرد و از خانواده هاتقاضا نمود چنانچه فرزند ان آنها "انحرافات یا کج رویهای" پیدا نمایند آنها را مطلع سازند. (۱)

بطور کلی کوشش رژیم بر این است که از همه مردم جاسوس بسازد و سیستم پلیسی را در همه جا رواج دهد و اینکه چگونه در یکتاتوری و فاشیسم موجب ایجاد روحیه پلیسی در افراد جامعه میگردد خود موضوع بحث مهم جداگانه ایست.

کجنگاری بیش از حد افراد خانواده نسبت بهمند یگر - کجنگاری در استان در مورد همد یگرو اصولا روحیه جاسوسی داشتن در مورد همه چیز و همه کس.

آخرین مبحث این قسمت مربوط به نحوه رفتار و نقاط ضعف مبارزین میباشد که به پلیس در کشف اسرار مبارزین کمک میکند. در اینجا بطور خلاصه موارد چند ی از آنرا ذکر میکنیم. در مورد اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب کیش شخصیت نوشته ابوالحسن

لعه

۱- تظاهرات خارجی و نصب عکس شخصیت های سیاسی و انقلابی . بحث کردن یا مطا
نوشته و کتاب سیاسی واید تلوویزیکی در محل کار- کلاس درس . آسایشگاه سربازی داخل
اتوبوس شهری یا مسافری برای يك مبارزه بنحوی در مبارزه مخفی شرکت دارد و ساد
مرحله خود سازی و آماده کردن خود برای شرکت در مبارزه مسلحانه است نمونه های
ساده ای از تظاهرات خارجی است که هریک بنوع خود میتواند نشانه آشکاری را برای
جلب توجه و سوء ظن دشمن یا اطرافیان فراهم سازد . هر نوع تظاهرات خارجی در محیط
های اجتماعی در حکم گناه کبیره ای است که احتمالاً به لورفتن خود و دوستان همفکر
منجر خواهد گردید . اگر شما با تظاهرات خارجی خود به مأمورین امنیتی هشدارند هستید
بمخلاف ادعای رژیم تمامی آنها فاقد شعور و هوشیاری لازم برای شناخت يك مبارز
هستند . بسیاری از لورفتن ها و دستگیری ها را بجای آنکه بحساب هوشیاری و قدرت
پلیس بگذاشتیم باید بحساب سادگی و عدم رعایت اصول امنیتی و اشتباهات تاکتیکی
از طرف خودمان بگذاشتیم صحبت کردن با صدای بلند در باره مسائل سیاسی
و عقیدتی در خیابانهای پر جمعیت و مسیر شلوغ کوهستان عادت می مذموم و غیر تشکیلاتی
است . در محیط های اجتماعی باید با داشتن ظرفیت و حوصله لازم از شرکت در بحث های
چند نفری و خصوصاً با افراد ناشناخته خود داری نمود . بعضی افراد مبارز بعزت ندانستن
ظرفیت لازم و کنترل بر احساسات خود با شنیدن عقیده مخالفی در جمع همکاران یا
همکلاسها و اجتماعات مشابهی به بحث های سیاسی و عقیدتی کشیده میشوند و افکار
و عقاید خود را در يك محیط ناشناخته یا مشکوک افشا مینمایند و این خود یکی از جنبه های
تظاهرات خارجی و خطرناکترین ضعف تشکیلاتی يك مبارز است .

۲- عادی بودن . . . در شرایطی که دوست و دشمن نسبت با افراد مبارز و چریک های
از جان گذشته دارای حساسیت و کجگویی هستند يك مبارز انقلابی برای اینکه همچنان
ناشناخته بماند و کوچکترین سوء ظن و توجه اطرافیان را بسوی خود جلب نکند باید
تمام اعمال و رفتارش در محیط عادی و طبیعی باشد . يك انسان مبارز در حالیکه در روش
سرشار از خشم و نفرت و کینه نسبت بر رژیم حاکم و روابط ضد انسانی اجتماع کوونی است
اما از نظر ظاهر با محیط اطرافش باید هماهنگ باشد . برای نمونه اگر در اداره ای کار
میکند که دیگران بالباسهای اطوخته و کراوات و ظاهر آراسته هستند او نباید بالباسهای

ساده و باصطلاح در رویشی و محل کار حاضر شود . (۱)

۳- اجتناب از پرگوئی . پرگوئی مخصوصا اگر بصورت يك عادت درآمده باشد خطرناکتر دشمن مخفی کاری است

۴- سرنگهداری . فرد مبارز مجاز نیست کوچکترین اطلاعی را در باره موجودیت یا فعالیت های گروهش هرچند هم بظا شربی اهمیت باشد به نزد یکمین دوست مورد اطمینان یا حتی برادر خود در میان بگذارد چه بسا بر همین منوال دوست یا برادر مورد اعتماد . بدوست یا دوستان مورد اعتماد خودش همین اسرار و اطلاعات را در میان می گذارد . در نتیجه بعد از مدت کوتاهی این اطلاعات در سطح وسیعی پخش و پخش می شود . زیاده از موجودیت یا فعالیت های يك گروه مخفی آگاهی خواهند یافت .

۵- دقت در رفتار له یا توزیع کتاب نشریه و اعلامیه - اعلامیه یا نشریه باید تنها به کسانی در که اصالت و ماهیت آنها برای ما کاملا شناخته شده و صد درصد مورد اعتماد و محل اطمینان باشند . بر دامنه توزیع و انتشار نشریه باید کنترل داشت باین معنی بکسانی که نشریه را در می شود باید مسیر و حدود انتشار آنرا روشن و تاکید نمائیم و بر آن گسترش داشته باشیم .

۶- سبکبازی - یعنی که جز در مواقع احتیاج و بانبودن امکانات مناسب تر از حمل یا نگهداری مدارک و لوازمی که دلالت بر شرکت يك فرد در مبارزه دارد باید خود را بی نمود .
۷- رد و اثر بجان گذاشتن . منظور این است که در کلیه اقدامات و فعالیت های مبارزاتی همواره باید باین فکر بود و طوری عمل نمود که در صورت دستگیری یا تعقیب پلیس اثری از اعمال و ارتباطات خود با دیگران یا محل اختفای خود و سایرین بجان گذاشت و پاپا ک کردن کلیه رد ها . پلیس را گیج و سردرگم ساخت . برای رعایت این مطلب بدو گزینگان ذیل میبرد ازیم :

(۱) نمونه دیگری را نیز بعنوان مثال میتوان آورد تا معلوم شود که حساسیت پلیس تا چه حد میباشد . يك مهندس ایرانی پس از اتمام تحصیلات در خارج کشور به وطن بازگشته و ناآرامی درآمد نسبتا زیاد مشغول بکار میشود . ولی طبق عادت معمول در فرنگ . يك خانه يك اتاق گرفته و زندگی ساده ای داشت . و سرکار هم بالباس های ساده ای که معمولان دانشجویان در خارج کشور بر تن دارند میپوشید . پس از مدتی از طرف سازمان امنیت

بیست و پنج

الف - از نگهداری عکسهای دوستان خود . خصوصاً دوستان همفکر مبارز اجتناب نمائید .

ب - از داشتن و نگهداری دفترچه تلفن و یادداشت کردن شماره تلفن با آدرس دوستان و نزدیکان و قرار ملاقات جدا خود داری نمائید .

ج - از نگهداری نامه های دوستان و نزدیکان خود داری نمائید .

د - بر روی کتابهایی که مطالعه میکنید حتی الامکان از هر نوع حاشیه نویسی یا خط کشیدن در زیر مطالب مهم و مورد نظر تان اجتناب نمائید . . . زیرا وسیله مناسبی برای معرفی نقطه نظر ها و عقاید سیاسی و عقیدتی شما به دیگران و بیس خواهد بود .
ه - کوشش نمائید اعضا خانواده از اسامی دوستان همفکر و تشکیلاتی . . . مخصوصاً از موضوعات و ارتباطات تشکیلاتی آنها با شما آگاهی پیدا ننمایند .

۸ - برای شناختن افراد از شب بزرگی اجتناب کنید و به عامل زمان توجه کنید . شناختن کامل یک فرد با تمام جنبه های مثبت و منفی و خصوصیات جالب و نقاط ضعف وی در یک دور طولانی ممکن میشود و محتاج به زمان است . با گذشت زمان و دید ایش شرایط گوناگون است که جنبه های تاریک و مبهم شخصیت یک فرد آشکار میگردد .

۹ - پرهیز از معیارها و قضاوت های قالبی و تعصبی . بسیاری از قضاوت های قالبی در شناسا و اعتماد و اطمینان نسبت به افراد . خطرهای عظیم و جبران ناپذیر به بار خواهد آورد .
باین معنی که فعلاً زندان رفتن یا زندانی بودن . معیار و ملاک منحصر فرد و بشرط کافی برای اعتماد و اطمینان با افراد تلقی و تصور گردد . یا اینکه سوابق مبارزه در گذشته و شرکت در چند اعتصاب و تظاهرات در دوره دانشجویی . بعد از گذشت چندین سال ملاک شایستگی و اعتماد نسبت به یک فرد واقع گردد . یک نمونه ساده دیگر از اینگونه معیارهای قالبی . معیار روابط خانوادگی است . مثلاً چون فلانی مبارز مومن و قرص و محکم است پس برادر او هم مبارز قابل اعتماد است و . . .

قضاوت های تعصب آمیز و از روی عاطفه باند از قضاوت های قالبی نیز موجب شناسا

— احضار میشود . از او سؤال میکنند بچه دلیل شما که دارای درآمد خوبی هستید در یک خانه یک اتاقه در یک محله متوسط شهر زندگی میکنید . و اینکه پولهای خود را چگونه خرج میکنید ؟ و سئوالاتی از این قبیل و به همین خاطر شخص را مدت — بکاه بازداشت میکنند .

های سطحی و اعتماد های زود رس و منسجید خواهد کرد. بد. برای نمونه بارها پدید شده که برخی مبارزین مذهبی ملاک و معیار قضاوت و اعتماد شان با افراد ناشناخته فقط نماز خواندن یا صرفاً حضور و شوکت در جلسات دینی و شرکت در تظاهرات و از ایمن قبیل مسائل است. اینگونه قضاوت های از روی عاطفه موجب خواهد شد که عوامل رژیم بسان گی در صفوف و دستجات مذهبی و گروه های سیاسی رخنه نمایند. همچنین در موارد متعددی ملاحظه شده که بعضی از عوامل رژیم با تظاهر مطالعه کتاب های مارکسیستی و داشتن افکار چپ براحتی توانسته اند اعتماد و اطمینان بعضی از مبارزین مارکسیست را جلب نمایند.

۱۰- پرهیز از وسواس و سوء ظن های بیمورد - رژیم در تبلیغات خود پیوسته کوشش دارد با بزرگ نمایی قدرت سازها، های پلیسی و امنیتی خود - کابوس پلیسی را بر افکار و آرزوهای مردم ساده دل حاکم سازد تا باین ترتیب بر شدت سوء ظن ها و گسترش جو عدم اعتماد کمک نماید. در این جا وظیفه یک مبارز اینست که نه تنها خود از هر نوع ساده اندیشی و سوء ظن های عجولانه نسبت با افراد برخوردار است. یک مبارز آگاه در عین اینکه به گزارشات و نظرات دیگران در مورد افراد مشکوک و اقدامات آنها نباید کم بهاد دهد در عین حال باید با برخورداری از سعه صدر و حوصله و ظرفیت انقلابی از پذیرفتن و انتشار قضاوت های سطحی و عجولانه اجتناب نموده و علیه گسترش محیط عدم اعتماد و روحیه شکاکیگری دشمن کار و فعالیت است مبارزه نماید (۱)

۱۱- لوداد غیر مستقیم یکدیگر - غالباً گروه های سیاسی حرف زن از "گروه های دیگر" را عیب نمیدانند و نوشتن و اظهار اطلاعات درباره آنها را مایه فخر و نشانه توانمندی خویش نیز فرض می کنند غافل از آنکه نه تنها بدشمن اطلاعات دقیقتری میدهند بلکه خود را نیز در معرض لو رفتن قرار میدهند زیرا همین اطلاعاتی که اظهار می کنند نشانه ارتباط گروه ها با یکدیگرند و بنابراین سواوال بار خنده در یک گروه میتواند از شبکه اطلاعاتی گروه های که نزد یکدیگر فعالیت می کنند مفت و مجانی بسود خود استفاده نماید. بنظر میرسد این وسیله کار آمدترین وسیله مورد استفاده سواوک باشد و بیشتر از همه

(۱) اصول مخفی کاری فن مبارزه با پلیس - سازمان مجاهدین خلق ایران تکثیر و توزیع از پیام مجاهد.

وسائل دیگر خطرناک است .

در پایان باید اضافه نمود که رژیم و دستگاه پلیسی و امنیتی آن همه کوشش خود را برای شناختن مبارزین و جمع آوری اطلاعات بمنصوب و هم شکستن مبارزات بکار می برد . مادر اینجانبخشی از اسناد خود سازمان امنیت را در این رابطه می آوریم تا مبارزین در باره راه های مقابله و خنثی کردن فعالیتهای سازمان امنیت فکرو تامل نمایند

در مورد سازمانهای سیاسی مختلف خارج از کشور

چنین میخوانیم :

در صورتیکه گروههای سیاسی که کم و بیش سازمان یافته هستند بر اساس طرح ها و روشی سیاسی ویژه ای که دارند فعالیت های مخفی خود را در نهایت پنهانکاری انجام و چنانچه اقدامات و تصمیمات آنان بموقع کشف و خنثی نشود . خطرات جدی امنیت کشور را تهدید خواهد کرد . ازسوی دیگر منظور مبارزه و خنثی کردن اقدامات ضد امنیتی بایستی قبلاً اطلاعات لازم را کسب و موقع از آن بهره برداری نمود لذا بهمین منظور طرح تلاش جمع آوری اطلاعاتی سال ۱۳۰۵ که روشنگر نیازمندیهای اطلاعاتی امنیت داخلی است بشرح پیوست اعلام میگردد (۱) اطلاعات مورد نظر از این قبیل است :

الف - شناسائی هدف سازمان مذکور - تاکتیک خط مشی . محل آموزش اعضا و نحوه آموزش حدود و وسعت اقدامات و فعالیت ها - روش های تربیت کادر - نحوه جلب و اعصاب جدید عقرب میزان تبلیغات و روشهای تبلیغاتی و وسائلی که در تبلیغات از آنها استفاده میشود . *

ب - اختلافات داخلی . دوستی ها و دشمنی ها و انشعابات سازمان و هم چنین موارد همکاری و اختلافات با سایر سازمانهای سیاسی و غیر سیاسی اعم از ایرانی و خارجی .

پ - اساسی هیئت رهبری یا تعیین سمت - نام مستعار - میزان تحصیلات - قدرت ابتکار آدرس محل کار و سکونت . وضع مالی . وضع خانوادگی - وابستگی سیاسی قبلی و فعلی با احزاب و دستگاه های سیاسی مختلف خارجی - نقاط ضعف و قوت -

(۲) پاره ای از اسناد ساواک . گفتار سیون جهانی محصلین دانشجویان ایرانی

خصایل فردی نظیر (روحیه انقلابی . محافظه کاری . جسارت . ورزیدگی و ناتوانی
و عدم آگاهی قدرت رهبری . نفوذ روی افراد داشتن . فرمانبرداری کورکورانه و غیره)
علاوه بر این روشها - ساواک با بسط دامنه کنترل خود به همه جنبه های زندگانی
اجتماعی قدرت اعمال فشار خویش را بر مردم افزایش داده است . امروزه اغلب امور
زندگانی از ازدواج تا مجلس فاتحه و از استخدام و نوع کار (خصوصاً در مورد درس خوانده
های مخالف) تا محل زندگانی و . . . در قلمرو عمل سازمان امنیت قرار گرفته است . وقتی
بر اینها حکومت بروسایل تبلیغاتی و سازماندهی رانیز یفزائیم . متوجه سازماندهی
مذوف رسمی کردن انسان می شویم . این انسان خود پلیس و مامور سازماندهی است
و البته از رخنه " افکار مزاحم " در ذهن با وسواس تمام جلوگیری می کند . این انسان
عرصه فعالیت غیر از تخریب خویش ندارد (۱)

۱- برای اطلاع بیشتر تفصیلی از اینگونه فعالیت‌های ساواک نگاه کنید به فصل سوم کتاب
Pétrole et violence sous la direction de Paul
Vieille et Abol Hassen Banisadr, Ed. Anthropos,
Paris 1974.

د ستگاه فشارواختناق

پلیس

يك شبکه پلیس سرکوب کننده و متجاوز د رگلیه سطوح ویتنام جنوبی عمل میکند . بیش از ۱۲۰۰ سرویس نظامی و غیرنظامی مجازند که به د ستگیری افراد مبادرت نمایند . ولسی همانگونه که يك سناتور ویتنامی خاطرنشان کرده است " هرویتنامی که تفنگ د ر دست داشته باشد میتواند اشخاصی را توقیف کند " . با اینکه شبکه پلیس ملی شامل شاخه های نظامی و غیرنظامی است ولی از نقطه نظر مقاصد و طرز کار تفاوت چندانی بین آنها وجود ندارد . از سال ۱۹۷۱ پلیس از سرویس های غیرنظامی جدا گشت تا يك فرماندهی نظامی جدا گانه تشکیل دهد . رئیس آن يك افسر ارتشی است که مستقیماً با تیوونه با يك وزیر ارتباط دارد . ترکیب پلیس شخصی (غیرنظامی) و طرز کار نظامی آن باز تاب نظریات روبرت تومپسون مشاوره عالی نیکسون د مسئله سرکوبی و ضد اغتشاش است . این ترکیب و خصوصیت د ر خدمت مقاصد آژانس بین المللی توسعه ایالات متحده که اکثر فعالیت های پلیس سایگون را از حیث مالی تا مین میکند نیز قرار دارد .

پلیس ملی

پلیس ملی بزرگترین سازمان پلیس ویتنام جنوبی را تشکیل میدهد . تعداد کارکنان آن از ۱۶ هزار فرد رسال ۱۹۶۳ به ۱۲۰ هزار د رسال ۱۹۷۳ رسیده و بیش بینی میشود تعداد آن باز هم افزایش یابد . شعب آن د تمام توأحی ویتنام جنوبی وجود دارد . توسعه و تکامل پلیس ملی نتیجه ده سال برنامه ریزی توصیه های تکنیکی و کمک های مالی امریکائی ها است . کمک اقتصادی ایالات متحده طی چهار سال اخیر منظمأ افزایش یافته است . به یمن کمک امریکا پلیس ملی توانسته است فنون نظارت را که د درجاشکلی مستبدانه بخود می گیرد بدست آورد . قدرت آن د حال حاضر د حد تعیین هویت همه ساکنان د ارای بیش از ده سال سن و تشکیل پرونده و بازجویی از اکثر افراد د ستگیر شده است .

پلیس ویژه

این پلیس یکی از شاخه های پلیس ملی است که مسئول از بین بردن کار رها جبهه آزادی بخش ملی (F.N.L) و سرکوبی هر گونه جنبش صلح جو یا نه و بیطرفانه است . این پلیس ویژه بخاطر رخنه د ر گروه های مخالفین و شکجه افراد مشکوک د ستگیر شده مورد نفرت و ترس مردم است . د ستگیریهای دسته جمعی سال ۱۹۷۲ توسط این

پلیس انجام گرفت .

پلیس فعال

این سرویس که براساس برنامه اداری پلیس ملی بوجود آمده دستورهای مستقیمی از د فتر ریاست جمهوری سیاه روی ستاد ارتش سایگون و قوای ویژه آمریکا دریافت می کند . ۴۰ سرویس ایالتی در خدمت است . در سایگون حدود ۸ سرویس وجود دارد که هر کدام دارای ۸۰ تا ۱۲۰ کارمند می باشد . البته بدون بحساب آوردن کارکنان ۲۰۰ تا ۳۰۰ دفتر کار و مأمورین گزارش .

پلیس انتظامی

این شاخه دیگری از پلیس ملی است که مسئول کمک به سرکوبی مظاهرات ، اغتشاشات و شورش ... می باشد .

نیروهای روستائی پلیس ملی

این نیروها واحدی از پلیس شبه نظامی اند که بدو امور مبارزه با ریشخه های ویتکنده در مناطق روستائی ویتنام جنوبی بودند^۱ . بنا بقول فرم مانده می نظامی آمریکا این يك تحرك نسبتا تازه و مهم پلیس علیه اغتشاش است^۲ تجهیزات آن شامل تانك و توپخانه است و مشابه ارتش سایگون می باشد .

این نیروها کمک هادی اساسی خود را از هتنگاون دریافت میکنند . افراد آن در حال حاضر بالغ بر ۲۵ هزار نفر می گردند .

پلیس رسمی سایگون

کارکنان آن بدو دسته تقسیم می گردند : پلیس رسمی و پلیس شخصی افراد آن دارای همه گونه صلاحیت برای توقیف افراد می باشند . این اختیار منشا در آمد نک غیرقانونی برای این پلیس شده است . زیرا هنگامیکه افراد بیگناه ولی ثروتمند (تجار صاحبان رستوران) دستگیر میشوند مجبورند برای آزاد شدن مبلغ زیادی بپردازند .

د فتر امنیت نظامی

يك د فتر امنیت نظامی در هر واحد ارتش مستقر شده و حوزه عمل آن تا اطراف تأسیسات نظامی گسترش یافته است . این واحد ها با د فتر ریاست امنیت نظامی که

۱- گزارش بیست و دوم کمیسیون مجلس نمایندگان در مورد اغتال دولت ۱۷ اکتبر ۱۹۷۲

۲- کتابچه نظامی برای استفاده در ویتنام جنوبی اداره ارتش جزوه ۵۵ ص ۴۱۴

در موارد بسیار مستقیم‌تر، راجع به امنیت داخلی، بویژه در مورد دستگیری روزنامه نگاران و دانشجویان در خانت در ارد همکاری میکند. در قترامنیت نظامی مجاز است علیه روشنفکران صلح طلب که به لحاظ نوشته‌های اظهاراتشان در ملا عام مخالف سیستم نظامی (میلیتاریسم) شمرده شده‌اند عمل کند.

سرویس مخفی

سرویس مخفی که مستقیماً از تیو در ستور میگیرد در همه بخشهای جامعه اقدام در دستگیری و اعدام افراد می نماید. این سرویس از جانیان مزدوری که از میان پست ترین افسران شهرهای گوناگون استخدام شده‌اند استفاده میکند. به موجب افکار عمومی سایگون سرویس مخفی مسئول تعدی علیه مخالفان آشکار رژیم است.

سرویس مرکزی جاسوسی

اداره این سرویس به عهد متخصصان آمریکائی است و بطور مخفی عمل میکند در حال حاضر بمتابه یک سازمان مختلط آمریکائی - ویتنامی مشغول بکار است. سازمان سیا بر آن نظارت دارد و عملیات سرویس پلیس فعال در قترامنیت نظامی و در قتر جاسوسی ستاد کل ارتش را هم آهنگ می نماید. سرویس مرکزی جاسوسی اداره مرکزی مأموران مخفی و مأموران در ویتنام نیز می باشد.

برنامه نظارت بر درآمد ها

همه این شاخه های پلیس ملی از یک برنامه عمومی نظارت بر درآمد ها استفاده می کند. این برنامه با تکنولوژی آمریکائی تنسيق یافته و هدفش تنظیم حرکت جمعیت و کالاهای مصرفی و گردن جریان اخبار و آذوقه است. برای نظارت بر جمعیت یک اکپ قوی و مدرن ترین روشها بکار گرفته شده اند. در چهارچوب این برنامه یک برنامه عمومی شناسائی و ثبت احوال برای تعیین و ثبت اوراق هویت هریک از ساکنان بیش از ۱ سال بوجود آمده است. این برنامه موفق شده تقریباً تمام ویتنامی ها را طبقه بندی کرده و آمار و اسناد مربوطه را در اختیار "بانکی که مهارت در جمع آوری اطلاعات است" قرار دهد. این بانک توسط عناصر و افسرانی که از قبیل بکیده شده‌اند نظارت و اداره میشود. پرونده هر فرد شامل یک

۱ - رچارد پولاک - امنیت عمومی در ویتنام : قوای مزدور جدید، ژوئیه

۱۹۷۲ ص ۴

۲ - مرکز اسناد ویتنام کهنج ماساچوست ایالات متحده آمریکا. مارس. آوریل

طرز کار نیروهای فشار و اختناق

قوانین فاشیستی

رژیم سایگون برای درهم شکستن تمام مخالفین خود بر قوانینی تکیه دارد که در هیچ کشور دیگری نظر آن یافت نمیشود. هدف از این قوانین گذاشتن سرپوش قانونی بر روی این عملیات است. در واقع عملیات فشار و اختناق بطریق کاملاً استبدادی و خود کامه انجام میشود. و این بمعنای ترور محض است.

حکومت ویتنام جنوبی و مشاوران آمریکائیش وعده صریح داده اند که همه دستگیریهایی قانونی باشد ولی اعمالی که برای آنها مجازات تعیین گردیده قوانین مربوط به دلائل اثبات جرم و نیز مقررات مربوط به دادرسی و محاکمات نشان میدهند که این امور به نحوی تنظیم شده که بدستگاه اداری اجازه میدهد هرکسی را که مطابق میلش نیست بزند ان بیاند ازند.

قوانین بوسیله قوه مجریه با موافقت قوه مقننه توشیح و منتشر میشوند ولی اغلب بی نظمی هائی در آن مشاهده شده است.

موافقت قوه مقننه با کلیه مصوبات قوه مجریه باین قوه "قدرتی نامحدود" (هنساقول یک روزنامه) در امور دفاع امنیت اقتصاد و مسائل مالی می دهد. این قوانین پس از آتش بس و بر غیبت مخالفین^۱ طرح هادریک جلسه مخصوص توسط سنا بتصویب^۲ رسیده قانون شماره ۹۳ - امرال - ست

ماده ۱ - هر فرد حزب یا اتحادیه یا انجمنی که بخولهد در تحت هر شکلی بطور مستقیم یا غیر مستقیم بی طرفی نسبت به کمونیسیم یا طرفداری از آن را ترویج کند غیر قانونی شناخته میشود.

ماده ۲ - هر کس که دست با اعمال تبلیغاتی بنفع بی طرفی زند بمثابة طرفدار کمونیسم شناخته خواهد شد. این گونه اعمال مشابه اعمالی است که امنیت عمومی را بخطر میاندازند (یادداشت مترجم: بموجب ماده ۱۱ اصلاحی پاراگراف ۳ قانون جزای ویتنام جنوبی هرگونه صدمه بامنیت عمومی مستوجب حد اکثره سال زندان است.)

قانون شماره ۶۵ - ۴

ماده ۱۶ - هر فردیکه با سازمان دادن متینک یا تظاهرات مردم رابه منظور اغتشاش

انگلیز پروان و وان لیوسرک اثر کرده ص ۱

در امنیت دولت تحریک نماید ، به حبس دائم یا حبس دائم با اعمال شاقه محکوم میشود .

ماده ۱۷ - هر فردی که مرتکب عملی گردد که هدفش از بین بردن روحیه ضد کمونیستی ملت یا صدمه زدن به مبارزه مردم و نیروهای مسلح باشد ، به کار اجباری موقت محکوم میشود .

قانون شماره ۱۸ / ۶۴

ماده ۱ - در حالات اضطراری و از تاریخ انتشار این قانون اقدامات زیر اعمال خواهند شد .

- هر فردی که برای امنیت ملی خطرناک تشخیص داده شود زندانی شده و یا تحت نظر قرار خواهد گرفت .

قانون شماره ۶۶ - ۰۰۴

ماده ۱۹ - هر فردیکه برای دفاع ملی یا امنیت عمومی خطرناک تشخیص داده شود بمدت حد اکثر دو سال زندانی شده ، در محل اقامت خویش تحت نظر قرار گرفته یا اجازه اقامت در بعضی مناطق را نخواهد داشت .

ماده ۲۲ - کسانی که بصورت گروه های پیش از دوفرد به قوای دولتی حمله نموده ، در مقابلشان مقاومت کرده ، یا در حین انجام وظیفه مانع آنها شوند به مجازات مرگ محکوم میگردد .

کشتن محاجم در حالت قانونی دفاع از خود مجسمه میشود .

هرچند این قوانین به مسئولان امر اجازه میدهند هر شخصی که بطور فعال یا بوسیله بیان با سیاست رسمی مخالف باشد دستگیر نمایند ، معذک رژیم سایگون قانون دیگری که بآن قدرت باز هم گسترده تری را واگذار میکند ، تصویب و انتشار داده است ، این قانون در ویتنام بنام قانون ۳۰۰ تتری (توقیف اداری) معروف شده است و در این مورد رأی محکمه لازم نیست زیرا رأی که در مورد حکم توقیف صادر میشود بدوین مراجعه بدادگاه صورت میگردد .

توقیف

بسادگی نمیتوان گفت چندتن از افراد دستگیر شده واقعاً روابطی با کمونیست ها داشته اند و چندتن مخالف حکومت تپوتونده اند ، زیرا بنظر میآید پلیس هیچ تمایزی بین ایندو قائل نیست دسته دیگری نیز در بین

آمریکائی در مناطق با اصطلاح مطمئن به دستگیری هزاران نفر که مشکوک به داشتن "علاقه نسبت به کمونیست ها" بودند . اقدام می کردند . حمله بهار ترس رژیم و اغتشاشات مخالفین حکومت افزایش می داد .

در ۲۶ ماه مه سال ۱۹۷۲ اتحادیه دانشجویان بودایی در سایهگون دستگیری و زندانی نمودن رهبران بسیاری از سازمانهای دانشجویی و گروههای مبارز برای برقراری حقوق مدنی در ویتنام . را اعلام کرد .
والدین مبارزان شناخته شده تحت مراقبت قرار گرفته یا بمثابه گروگان دستگیر شده بودند .

تام فوکس خبر نگار قبلی بیوروک تایمز که مدتی طولانی ناظر جنگ در ویتنام بوده . این سرکوبی را چنین توصیف کرده است :
تقریباً تمام اشخاصی که بخاطر انتقادات شدیدشان بحکومت تئو شناخته شده اند و از معروفیت جهانی برخوردار نیستند . در این هفته های اخیر مورد شکجه پلیس ملی قرار گرفته اند .

تنهادر شهر هوئه بیش از ۱۰۰۰ نفر دستگیر شده و بسیاری از آنها بر جزیره کن سون تبعید شده اند . در این جزیره کسانی که حکومت های حمایت شده توسط فرانسویها و آمریکائیها را مورد انتقاد قرار داده اند . دهها سال زندانی شده اند . پلیس در میان "مظنونان سیاسی" زنان و کودکان را نیز توقیف کرده و به کن سون فرستاده است .

هوانگ دوک نها منشی مطبوعاتی تئو اخیراً صریحاً اعلام کرده که "ما همه دانشجویان هوئه را دستگیر کرده ایم .

در بسیاری موارد اشخاص تنها باین دلیل که والدینشان در جبهه آزادی بخش ملی (ف ن ل) بوده یا در ویتنام شمالی زندگی میکردند . دستگیر شده اند . بنابر قول یکی از نمایندگان ایالت دلتا . پلیس بد هکده ها هجوم برد افراد ۸ ساله ای را که سالها بود محل اقامت خویش را ترک نکرده بودند . دستگیر و در سلولهای تنگی زندانی کرده است . حتی که خداایان و افسران ارتش نیز دستگیر شده تحت نظارت قرار گرفته اند .

علت این دستگیریها "که داشتن علاقه نسبت به کمونیست هاست" به اینجا مختلف تفسیر میشود . این وضع شامل حال تمام مخالفان سیاسی رژیم تئو بورژوازی کسانی که اعتبار و نفوذی در میان توده ها دارند . میشود .

در میان اشخاص دستگیر شده . رهبران سازمانهای دانشجویی . رهبران مذهبی و نویسندگان روزنامه ها بچشم میخورند .

در ایالت لونگ اکسین که زیر نفوذ فرقه مذهبی هوا هوا است چند صد دانشجویی برای اعتراض به تصویب قانونیکه بموجب آن اکثریت آنهاست بایست رفتن به سریازی ثبت نام کنند . متینگی ترتیب دارند . پلیس علی رغم شعارهای ضد آمریکائی " دانشجویان و خلق بخاطر منافع امپریالیست ها نخواهند مرد " . در حالت نکرده باوجود این خبر رسید که سازمان دهندگان متینک دستگیر شده اند .

بنظری آید سایر دستگیری رهبران دانشجویی هیچ ارتباطی با تظاهرات انداخته است . يك كميشن كاتوليك سايگون عقیده داشت که حداقل ۹ رهبر مجلس جنبش جوانان کارگر مسیحی بازداشت شده و ۶ نفر دیگر ناپدید شده اند . در چنین مواردی پلیس بندرت اطلاعاتی درباره هویت قربانیان بدست میدهد .

دستگیری و بازجویی

زندانی پس از دستگیر شدن باید با خطرات بیشتری مواجهه کرد . داشتن يك پرونده شخصی منحرف کننده . زیان کمتری به شخص میرساند . معذالك مجازات چنین مواردی میتواند بسیار سنگین باشد .

سیستم قضائی کهنه و بویژه غیر قاطع ویتنام جنوبی چنان است که شخص ممکن است سالها بدون محاکمه در زندان باقی بماند . در حالیکه پرونده اش در میان انبوه آرشیه های خاک خورده ایکه مشخص کننده بوروکراسی ملی است . گم شده باشد . ۲ معذالك پلیس معمولاً برای بازداشت افراد دلالی چند ارائه میدهد . پیش از آنکه حکومت اتهامات کسی را تعیین کند . ممکن است وی تا ۴۶ روز بصورت بازداشت نگاه داشته شود . هرچند اکثریت افراد مورد سوءظن در مراکز بازداشت ایالتی نگاه داشته میشوند ولی امکان زیادی وجود دارد که بعضی مواقع در مرحله پیش از محاکمه افراد به مراکز بازجویی ایالتی برده شوند . این مراکز نسبت به مراکز بازداشت . در درجه دوم اهمیت قرار دارند . چون اعترافات امضاء شده . مدرك اصلی را در هنگام محاکمات تشکیل میدهد . شخص مظنون در مرکز بازجویی رسماً مورد اولین شکجه هافرار میگردد . (برای بدست آوردن اطلاعاتی که دارای ارزش نظامی فوری هستند . ممکن است زندانیان دستگیر شده توسط واحد های نظامی در همان میان

۱- كيك به تيوسل آن تو و مارلين مكاب مك ناپ نارميك - سپتامبر ۷۲

۲- نيويورك تايمز ۱۲ ژوئن ۷۲

کمیته‌ها می‌توانند و رایازد است اداری کنند این نوع بازداشت احتیاط در مقابل خطری است که امنیت دولت را تهدید میکند چنانچه شخص مورد نظر باز هم به سرای امنیت ملی بمثابة خطری بشمار آید مقررات تجدید بازداشت اداری را بعد از دو سال دیگر تجویز میکند. توقیف بنابه ماهیتش به محاکم قضائی مربوط نبوده و اداری است لازم نیست دلیلی مبنی بر تجاوز متهم نسبت به مقررات ملکیتی ارائه شود. بلکه همین قدر که دلیلی باشد که بتوان تصور کرد مظنون مضر بحال امنیت ملی است. کافی خواهد بود.

علیه تصمیم بازداشت اداری به هیچ مرجع قضائی نمیتوان مراجعه کرد. مدت در محل بازداشت توسط نظامنامه های اداری حکومت ویتنام تنظیم شده اند. قواعدی که مدارک لازم برای اعلام بازداشت راتعین کرده باشد. وجود ندارد و ضوابط موجود در یک ایالت نسبت به ایالت دیگر میتوانند بسیار متفاوت باشند.

بنابه شرایط خالص هر ایالت و نحوه عمل شخص دستگیر شده در زیر بنای ویت کنگ است که هر کمیته "تهید برای امنیت ملی" راتعین میکند. این عمل بوسیله دوجنبه اداری و سیاسی واقعیات زندگی را در هر ایالت منعکس میسازد.

بنابعد تعریف کمیته های امنیت ایالتی ابزار ^{سیاسی} وجود و برحسب واقعیات سیاسی زندگی هر ایالت تنظیم شده اند. وجود غیر قضائی و خارج از مقررات قانون اساسی این کمیته ها بر روی "حق باقیماندن حکومت" استوار است. طبیعت این کمیته ها و طرز کار منحصر سیاسی شان یک سیاست "مستدام دخالت" رابه تمام کارکنان و آژانس های آمریکائی دیکته میکند. ۱

حکومت ویتنام جنوبی از طریق دادگاههای نظامی و کمیته های ایالتی امنیتی تقریباً هرکسی را که بخواهد میتواند زندانی نماید. "شکل قانونی که بنسبت در طول تاریخ ویتنام جنوبی مشاهده شده. پس از آغاز حمله دشمن کاملاً فراموش شده است. با اینکه حکومت در این مورد هیچ گونه اظهار نکرده است ولی قوانینی که حقوق متهم رعایت میکنند عملاً معلق شده اند." ۲

مراکز بازجوستی

زندانیان سیمرغ به مراکز بازجوستی ایالتی

۱- آرشیو کنگره ۲۲ آوریل ۷۱ ص ۱- ۱۳۳۰

۲- نیوسورک تایمز ۱۳ اوت ۷۱

فرستاده میشوند . يك كارمند سابق كردس بنام **تسودور جكسى** به كنگره گزارش داده است كه مراکز بازجوئى اىالتى به شكجه دادن افراد متهم به عضویت ويت كنگ . در بازداشتگاه هاشمهرت دارند

پيرمرد ثروتمندى راكه در سايگون ميشناختم با اتهام جاسوسى براى كمونيستهار ستگير شد . دوافسر آمرىكائى كه اين شخص را بخوبى ميشناختند بعد امحرمانه بمن گفتند كه آنها نيز ذكر ميكردند كه اين پيرمرد يك ويت كنگ حقيقى بود . آنها همچنين بمن گفتند كه پيرمرد بلافاصله پس از دستگيرى حاضر به اعتراف بود . ولى با اين حال بطور وحشيانه اى شكجه شد زيراجريان بازجوئى بطور عادى باشكجه دادن زندانيان همراه است . ۱

بنابه بمقاله ايكه توسط مخبر نيويورك تايمز بنام **سپيدنى شنبرك** در اوت ۱۹۷۲ منتشر شد اسنادى كه مخفيانه از زندانيان ویتنام جنوبى خارج شده و نيز مصاحبه هاى زيادى كه بازندان ايتيان قدیمی صورت گرفته . تابلوئى از شكجه هاى معمول حكومت سايگون را در مورد زندانيان ترسيم کرده اند . ۲۰۰۰ مقاله نمونه اى از صحبت هاى زندانيان را بدست ميدهد .

نگوین تسى يى رايك باطوم چوبى بعد بيهوشى كك زدند هنگاميكه بهوش آمد . وى را مجبور كردند لخت در برابر ۱۰ شكجه گر بایستند و آنها پستانهايش را با سيگار سوزانند .

صورت تيسن دين بان آنچنان مورد ضربت قرار گرفته بود كه چشمهايش بسته شده و چرك كرده بود . پليس زير ناخن هايش سنجاق فرو كسره سينه و كف پاهايش را آتذر زدند كه ديگر نتواند راه ببرد .

وتنى باس تسويت را كك زده و در زير نور خيره كنده اى از آويزانش كردند . سپس وى را به سلول كوچكى كه تانيه پر از آب بودند اختند . در آنجا موشها و حشرات بر ديش ميخيزدند . ۳

سپيدنى شنبرك اظهار ميدارد كه امور ذكر شده بهمين هاختم نمیشوند :

اظهارات سه گانه بالا مطابق است با اظهارات نقل شده در اسناد ديگر و با مصاحبه اى درباره نحوه رفتار با ميليونها دانشجو . كارگر . دهقان . زن . — كوك دستگير شده توسط پليس ملى و ساير اولياى امور نظامى طى عطيات تصفيه اى

۱ — گزارش درباره كك امرىكا ۷۱

۲ — نيويورك تايمز ۳ اوت ۷۲

۳ — نيويورك تايمز ۱۲ اوت ۷۲

بگویند . باید آنقدر زردشان تابگویند آری . ۱

در اینجانب حکومت سایگون تنهایست . با اینکه ارقامی درباره اینک حفظ و نگاهداری از این مراکز بازجویی چقدر برای مالیات دهندگان آمریکائی تمام میشود . درست نیست . ولی سفیر ایالات متحده کلبی قبول دارد که این مراکز توسط آمریکائیها کمک و حمایت میشوند . ۲

بنابه اظهارات تئودور جاکسون آمریکائی هانیز در فعالیتهای مراکز بازجویی ایالتی شرکت دارند . این مراکز با همکاران "سیا" می خود نیز اغلب با مشاورین پلیس ای در رابطه هستند . منتهی در تمام موارد مثلاً سال گذشته . مشاور علی رتبه امور پلیس در گروه مشاورین ای در شهر دانساگ بمن گفتند بود که پس از بازدید یکی از مراکز بازجویی ایالتی دیگر قبول نکردند بودها بدرون این مراکز بگردند زیرا در آنجا "جنایات جنگ صورت گرفته اند" . ۳

يك سياست ترور سيستماتيک :

تعمد

در دستگاه سرکوب کننده و متنام جنوبی تنها اعضای سازمانهای مخالفین را دستگیر کرده بلکه به تمام مردم حمله میکند . مردمی که رژیم ناتوان از جلب حمایت یا خنثی کردن آنهاست ؟ باین ترتیب تبعید اسلحه ایست برای ریشه کن کردن مردمی که روز بروز بیشتر در اردوگاه فراریان جمع میشوند . اردوگاهی که در آن امکان کار برایشان نبوده . از خانواده خود جدا افتاده و توسط پلیس که کاملاً سرسپرده سایگون است . مراقبت میشوند . رژیم تیو با ادامه سیاست "دهکده های استراتژیکی" — دریم مردم را در يك طویل حقیقی جاداده است . این سیاست تبعید باتشد یسد جنگ در جنوب تقویت شده است و بخصوص به ایالات مرکزی و شرقی نیز کشیده شده است . بهمین گونه هنگام حمله فاپل به کوانگ تری کادرهای دهات مرکز و متنام تقریباً ۱۵۰۰ نفر برای "تنظیم امور شان" احضار کردند و بمحض ورود — این احساس . آنها را بازداشت و به جزیره کن سون تبعید کردند نگهبان زندان بخاطر چهره ها و پیرهای کم معلوم نبود بچه مجوزی دستگیر شد مانند این خبر را به رؤسای دینی گزارش داد تا آنها در این امر دخالت کنند . به افراد دستگیر شده

۱- نیویورک تایمز ۱۳ اوت ۷۲

۲- گزارش درباره کمک امریکا ۷۱

۳- رجوع کنید به اثر ذکر شده ص ۲۵۲

ها گفته بودند که آنها مشکوک به داشتن تماس با دشمن بوده اند . گشتی آنها در ماه مه به کن سون رسید و آنها هنوز در آنجا هستند .

تنها در ماه آوریل ۱۹۷۲ ۵۰۰ نفر از ساکنان ایالت د تو آتین ، اکثر اکاتولیک هستند به کن سون تبعید گشته اند (لوموند ۱۰ ژانویه ۱۹۷۳ . اظهارات نگو کنگ دوک) بنابه نامه اتحادیه میهن پرستان ویتنامی مقیم ناد (در اواخر اکتبر ۱۹۷۲) تبعید بودائی ها ، روشنفکران دانشجویان ، کن سون بدون انجام هیچ گونه محاکمه بسیار زیاد بوده است : در ماه هر هفته ۵۰۰ الی ۵۰۰ بازداشت انجام گرفته است .

بطور کلی اطلاعی درباره افراد ناپدید شده در دست نیست و سرویس های مختلف پلیس والدینی را که بدنبال خبرهایی از فرزندان شان هستند به یگه یگر حواله می کنند . باین ترتیب گوناگونی سرویس های پلیس بهترین سرویس سرکوب بوده و به نهائی و مخفی بودن اموری میگذرند کمک میکند .

سرکوب سیاسی مخالفین در وهله اول ؟

ولی این سرکوب همه جایی انتخابی نیز میباشد . قطارت بزرگم کافی نیست پراپوزیه پس از حمله ت ۱۹۶۸ تیودر مقابل جنبش های حقیقی مخالفین که منتشر و بخصوص در میان محافل جدید وسعت یافته است ۱۰ افرادی که پس از همه هدف سرکوب هستند از محصلین مدارس متوسطه دانشجویانی که خدمت جباری نظام را رد میکنند . بودائی ها . کاتولیک ها - که سابقا یکی از مطمئن ترین حامیان رژیم بوده و امروز تعداد زیادی از آنها جز مخالفین هستند - روشنفکران سانیید انشگاه . وکلا . سیاستمداران که آنها نیز هر روز بیش از پیش جز مخالفین قرار میگیرند . پس از اینکه در اکتبر ۱۹۷۱ تیودر انتخابات خود را بطرز مضحکی گاندید ای واحد ریاست جمهوری نمود ، بازداشت و دستگیری در محافل مذکور بیشتر شده و پس از حمله بهار ۱۹۷۲ ، فآپ ل اخذ رای بمنظور کسب قدرت های ویژه . بطور منظم انجام میگیرند .

سایگون - زندانیان - جبهه هم بستگی هند و چین

سند شماره ۶ سه ماه اول ۱۹۷۳ س ۲۰ - ۲۲

تعداد زندانیان سیاسی ؟

تیودر همکاران نزدیکش بارها اظهار داشته اند که زندانی سیاسی در زندان هایشان وجود ندارد . تیو به یک خبرنگار فرانسوی که با وی مصاحبه کرده است

گفت " نمیتوانم رقم صحیح (زندانیان) را بشمارم هم ولی میتوانم بگویم که در اینجا زندانی سیاسی وجود ندارد " بلکه فقط مأموران کمونیست جاسوسان کسانی که مین گذاری کرده و نارنج را باب میکنند وجود دارد " (نول ابسرواتور ۲ آوریل ۱۹۷۳) . این حدائق اقرار تغییر شکل داده شده است . هر کسی که توسط پلیس سایگون مارک " کمونیست " یا " طرفدار کمونیست " بخورد میتواند بازداشت . شکجه - زندانی و تبعید شود .

دادن رقم صحیح زندانیان سیاسی بسیار مشکل است زیرا یکی از سلاحهای اصلی رژیم تئو محرمانه نگاه داشتن آن است . نتایج این مخفی کاری یاسیمستم طبقه بندی کامل ادبخواهی که توسط آمریکاییها در سال ۱۹۶۶ برقرار گردیده و بوضوح توسط الکساندر کاسلا بیان شده است م وخیم گشته اند . (لوموند ۹ دسامبر ۱۹۷۲) .

در یک نبرد خلقی که در آن مبارزان اغلب بدون لباس متحد الشکل (اونیفورم) بوده و چریکها در میان مردم زندگی میکنند . چگونه میتوان یک اسیر سیاسی را از یک زندانی جنگ تمیز داد ؟ زندانیانی که طی عملیات و یا حمله ای دستگیر شده اند ابتدا به مراکز توزیع برده شده و در آنجا اولین بازجویی ها صورت میگیرد . کسانی که " باقی میمانند " (تا هنگامیکه از آنها بازجویی نشود . آنها هیچ حقی نداشته و بازجویی اغلب شکجه است) اگر آزاد نشوند (آزادی امری نادر است) موقتاً در دسته زندانیان جنگی و عادی قرار میگیرند . کاسلا مینویسد " طبقه بندی کامل ادبخواهی است . بنابه میل باز پرس یک زندانی ممکن است هم بمثابة زندانیان - جنگی طبقه بندی شود و هم ممکن است در ردیف زندانیان عادی قرار بگیرد . " زندانیان پس از اینکه چند ماه بطور پنهانی در یکی از " مرکز بازجویی مرکب " که با جلسات بازپرسی مکرر همراه است . نگاه داشته شدند برای بار دوم طبقه بندی میگردند . تنها در این هنگام است که باقی مانده های افسوس یکی از ۶ اردوگاه زندانیان جنگی یا بطرف زندانهای عادی رهسپار میشوند و یا اینکه " خطرناک ترین " شان دوباره در سایگون مورد بازجویی قرار میگیرند . تمیز زندانیان جنگی از اسرای عادی در مورد قربانیان شهروانهای امنیت ایالتی . قربانیان سرویس اطلاعاتی گوناگون و قربانیان پلیس هایی که حق دستگیری هر شخص مشکوکی را برای یک دوره نامعین در واقع دارند بسیار آسان است ؛ افراد دستگیر شده هیچ گونه " شانس " برای قرار گرفتن در ردیف زندانیان جنگی ندارند .

ولی برای حکومت نسبتاً آسان است که آنها را بمتابه زندانیان عادی ملاحظه نماید. در واقع چگونه میتوان یک زندانی سیاسی را بد رستی از یک زندانی غیر سیاسی تمیز داد؟

در شهرها که کاملاً و تماماً توسط پلیس محاصره گشته و هر منزل تحت مراقبت است و هرگونه مخالفتی ممنوع اعلام شده. جرم عادی میتواند شکلی از مخالفت سیاسی با رژیم را نشان دهد.

باقی مطلب اینکه بنظر میآید که کار تیو قلب واقعیت یعنی تبدیل منظم فیش های سیاسی به فیش های عادی و غیر سیاسی است. این کاری است که در زندان مرکزی شی هوآ در سایگون انجام گرفته است.

شاید بگویند که شناختن محکومین سیاسی از روی ارقام ممکن است آسان تر باشد؟ بنا بقول نیز ویک (دومین هفته دسامبر ۱۹۷۲) آنها تقریباً ۵۰۰۰ نفرند همانطور که این روزنامه خاطر نشان میکند این رقم فقط بدلیل تقلب ها و پنهانکاری پهای تیو گول زننده نیست. بلکه بخصوص باین خاطر غیر صحیح است که مفهوم محکوم هیچ معنائی در سایگون ندارد. از طرف دیگر بسیاری از محکومین پس از پایان محکومیتشان باز هم در زندان نگاه داشته شده اند. اشخاص ترسیده باز هم رهسپار زندان میگردند. این عمل در باره رهبران ویتنام جنوبی انجام شده است. (لوموند فوریه ۱۹۷۳). از طرف دیگر و بخصوص زندانها پر از مردمی هستند که هیچگاه محاکمه نشده اند. و این موضوع کاملاً "قانونی" است. پیش از تصویب قوانین ۱۹۷۲ ماده ۹ قانون ۱۵ فوریه ۱۹۶۶. پیش بینی میکرد که برطبق تصمیم اداری هرکسی ممکن است برای مدت دو سال قابل تعدیل بصورت بازداشت نگاه داشته میشود.

پس چگونه بر تعداد زندانیان سیاسی واقف شویم؟ در این مورد چند امر

مسلم است:

۱- در اکثر موارد غیر ممکن است کاملاً زندانیان جنگی را از زندانیان سیاسی و

اینهارا از زندانیان عادی تمیز داد.

۲- در ویتنام جنوبی تعداد زندانها بسیار است. علاوه بر ۶ اردوگاه زندانیان

جنگی. تبعیدگاهها که از استعمار فرانسه به ارث رسیده اند (جزیره پولوکند

امروزه کن سن نامیده میشود. واقع در جنوب دلتای مکتک

زندانهای فولک ۱ در جنوب کامبوج نیز در حال حاضر بآن افزوده شده

است .) در سایگون و سایر ایالات چند صد زندان بزرگ (بعضی از این زندانها اختصاصی هستند . مثل تودوک برای زنان) و چند صد زندان کوچک مشتمل بر زندانهای بخش . کمیسریاهای پلیس . مراکز بازداشت برای خانواده ها و غیره وجود دارد . محل آنها بیشتر غیر معلوم بوده و در اختفای نیمه کامل هرگونه جنایتی در آنها امکان پذیر است .

— افزایش ناگهانی بودجه زندانها در تیبو توسط آمریکا در سال ۱۹۷۲ از جانب دوسازمان : کوروس ، که پس از حمله تات سال ۱۹۶۸ مشغول سامه پیشرفت و تقویت زندانهاست و اایدی که مشغول تسهیل امنیت زندانهاست نیز مشغول قرار دادن مشاوران تکنیکی در اختیار بود برای کمک و نظارت بر انتقال جمعیت و جذب افراد جدید است . هزینه مالی که در سال (۱۹۷۱) ۲۶۷۰۰۰ دلار بوده به ۶۲۷۴۰۰ دلار در سال ۱۹۷۲ رسیده است .

یعنی که این مبلغ بیش از دو برابر شده است .

— بودجه دستگیری در رژیم تیبو در سال ۱۹۷۳ برای ۴۰۰۰۰۰ نفر زندانی پیش بینی شده و سهم آن با این افزایش محسوس ۱۸/۵٪ بودجه است . — در سال ۱۹۷۲ سرکوبی در رابطه با مخالفین روز افزون نیروهای جدید مذهبی و سیاسی بارزیم . با دستگیریهای وسیع در مناطقی که تیبو میترسید توسط حمله نیروهای مسلح آزادی بخش خلق و آزاد بشوند و نیز در رابطه با قوانینی که تصویب سپس اجرا گردیدند ، دو برابر شده است .

بالاخره باید . (موردی را که تیبو در ۲۲ ژانویه ۱۹۷۳ — چند روز پیش از مضای قرارداد هادسته بندی و در روزنامه 'تیین سانگ' — روزنامه رسمی سایگون — منتشر کرده است ، یادآوری کنیم :

" در اقدام زیر باید بلافاصله پس از آتش بس اعمال گردند :

— نیروهای پلیس و نظامیان مجازند افرادی که مردم را وادار به تظاهرات — زند و نیز افرادی که موجب اغتشاشات بوده یا هرکسی که ششصد یگری را تحریک به ، نباله روی از کونیست ها نماید . جابجائی باران نمایند .

— اشخاصی که بنفع کونیست ها تبلیغ کرده . اعلامیه بخش و به در و دیوار آگهی پمباند یا پرچم های کونیست ها را باهتزاز در می آورند بازداشت شوند . — بازداشت فوری افرادی که مانع حفظ نظم عمومی توسط پلیس هستند .

— هر نظامی — کارمند دولت یا پلیسی که خرابکاری کرده یا دیگری را تحریک به خرابکاری نماید . جابجائی باران خواهد شد .

— اشخاصیکه در کوچه ها و خانه ها به عابرین و ساکین خانه ها حمله میکنند دستگیر میشوند . این اشخاص در صورت فرار جابجائی باران خواهند شد .

— دستگیری افرادی که مردم را به ایجاد اغتشاش . ترك كردن یا بالعكس رفتن به مناطق تحت كنترل كمونیستها تحريك ميكند . اگر این افراد در مقابل دستگیریهما مقاومت کنند جابجائی باران خواهند شد .

— مجازات افرادی که اسكاسهای بانک كمونیستی را بحریان میاندازند . اشخاصیکه با انبار كردن کالا ایجاد اغتشاشات اقتصادی میکنند در دادگاه نظامی محاکمه و به مرگ محکوم خواهند شد .

— دستگیری طرفداران بی طرفی و کسانی که آشکارا افکار كمونیستی را تعلیم و — اظهار کرده و فعالیت سیاسی علنی میکنند . این اشخاص در کمترین مهلت به دادگاه نظامی احضار میشوند .

— اجرای سریع و عمیق قوانین مربوط به مطبوعات و احزاب سیاسی برای ممانعت از اعمال غیر قانونی افراد سیاسی .

— دستگیری همه مبارزان گروهها و سازمانهایی که بدنیال کار مخفی هستند و نیز سازمانهایی مثل جبهه مؤلفه لام وان تن و تون دین تائو — یا استاد لی وان هائو اهل هوئه که تا امروز از کمونیست های پیروی میکنند اگر افراد مذکور به شهر برگردند . بدادگاه احضار و محاکمه خواهند شد .

این ده مورد علی رغم تضاد های آشکارشان با متن موافقت نامه . شدیدا بیکار بسته میشوند . تنهادر شهر هوئه از ۲۹ ژانویه تا ۴ فوریه ۱۹۷۳ مقامات سایگون ۵۰۰ بار عملیات پلیسی انجام داده و هزار نفر را دستگیر کرده اند . مردمی که بخاطر صلح کف میزنند و بویژه کسانی که در جستجوی بدست آوردن متن موافقت نامه هستند را دستگیر میکنند .

از هم اکنون میتوان مبادرت به ارزیابی موجه حتی دقیق کرد :

— بنابه منابع رسمی آمریکادر سال ۱۹۷۰ ۱۰۰۰۰۰ زندانی در زندانها تیو وجود داشته است (جلسه کنگره ماه ژوئیه — اوت ۱۹۷۱) .

— بنابه روزنامه لوموند (۱۰ نوامبر ۱۹۷۱) طی همان سال ۱۵۳۰۰۰ — دستگیری صورت گرفته است . بی شك بسیاری افراد دستگیر شده به زندان فرستاده

شده اند .

— د و برابر شدن بودجه كمك امريكا در ۱۹۷۲ باین فكر منجر میشود كسمه زندانیان نیز محتملا د و برابر شده است . رقم پیس بینی شده د و بودجه — سایگون این فكر را تقویت میکند .

— د ر ژانویه و فوریه ۱۹۷۳ ده ها هزار نفر زندانی شده ماند باین ترتیب اخبار بخشی از مطبوعات ایالات متحده كه بر حسب آنها د ر حال حاضر ۳۵۰۰۰ زندانی د ر زندانهای سایگون وجود دارد بطور مسخره ای نفس بر آب می گرد د بر عكس ارقام داده شده توسط حكومت انقلابی موقت دارای اعتبار میگردد تقریبا ۴۰۰۰۰۰ زندانی د ر زندانهای تیو وجود دارد .

سایگون — زندانیان — جبهه همبستگی

هند و چین — اسناد شماره ۶ فرانسوا

ماسپرور — ماهه اول ۷۳ صص ۷ — ۴

مسماه پیش د ريك كنفرا نس مطبوعاتی د ر بار س گفتم د ر حال حاضر ۲۰۰۰۰۰ زندانی د ر زندانهای رژیم سایگون وجود دارد بعضی ها د ر باره واقعیت این رقم شك داشتند مجلات و روزنامه های امريكائی د ر آن د و ر ماه ۴۵۰۰۰ یا ۱۸۵۰۰۰ اصحبت میکردند تنها د ستگا ما د اری سایگون د ر باره این مسئله مهم برای آینده كشور لال شده بود د ر مه ۱۹۶۹ وقتی كه هنوز نمایند ه وین بین بودم كشف كردم كه د ر زندان مركری شهر ۳۰۰۰ زن اسیرید و ن هیچ اتهام جدی وجود دارد با د خالت من آنها آزاد شدند ولی هنوز بیش از ۷۰۰ زن د یگر د ر زندان بود وقتی این موضوع را فهمیدم آقای تیمور باه زندان انداخت بعد از انتخابات ۷۱ این رقم به ۸۰۰ نفر رسید مخالفینی كه د ر جزایر تبلیغات انتخاباتی تظاهرات كرد م بودند د ستگیر شدند د ر حال حاضر از ۱۸۰۰۰۰ كین این حوزه ۷۰۰۰ نفرشان د ر این زندان هستند باین زندان باید سائر مراكر بازداشت را نیز اضافه نمود اگر باین ارقام ایالت وین بین ۲۰۰۰۰ زندانی اسارتگاه معروف پولوكند روشی هوا ۲۰۰۰۰ نفر د یگر مریوط به د وارد و گامتان هیپ و تود و ك (مخصوص زنان) ۴۰۰۰۰ مال جزیر فوكوك و نیز آسیا — — — — — ران هزاران

ز. ای. دیگر که در تمام منطقه جنوب پخش شده و همکاران قدیمی ام در باره
آنها اغلب به هائی به مجلس ملی داده اند رانیز اضافه کنیم میترسم که رقم ۲۰۰۰۰۰
از کمتر از واقعیت موجود باشد. (تکیه از ناشران است)
بعلاوه این رقم در حال افزایش دائمی است بخصوص در ایالات مرکزی و شرقی
که سرکوب آنها بی رحمانه است. نگوک کونگ د وک لوموند ۳ ژانویه ۱۹۷۳
لوموند ۱ به ۱۹۷۳

چند ماه است که سرکوبی شدت بی سابقه ای بخود گرفته است. دهها هزار
مبارز و تقریباً تمام رهبران جنبش های مخالف به زندان انداخته شده اند. بعضی از
آنها مانند آتایان بون سی و نگون د و هین و جمعی دیگر بحد مرگ شکنجه شده اند.
در این تاریخ بیش از ۲۰۰۰۰۰ زندانی سیاسی وجود دارد و ن محاسبه زندانیان
که به نیروهای مخالفین تعلق دارند منجمله راهبانی که با جبار و بازور در واحدها
جنگ اسم نویسی کرده اند! بیش از ۱۰۰۰۰۰ زندانی سیاسی و ۲۵۰۰۰ عادی در
زندانیهای عادی ویتنام جنوبی وجود دارند. (تحقیق کمیته فرعی اطاق نمایندگان
در باره فعالیت های حکومتی برای برنامه های کمک آمریکایی ویتنام جنوبی نوشته
اوت ۱۹۷۱ ص ۱۰۵) امریکن ریتر ۹ اکتبر ۱۹۷۲

نزدیک ۴۵ هزار ویتنامی جنوبی به جرم سیاسی محاکمه و بزنه ان فرستاده شده اند
شاید ۱۰۰۰۰۰ نفر دیگر هم دستگیر و در محاکمه به تبعیدگاههای کشور منجمله
زندان مخوف جزیره کن سن و سواحل ویتنام جنوبی روانه گردیده اند. زندکی
آنها مخلوطی است از بد رفتاری و راحتی اندکی که به قیمت طلا خریده میشود. سر
نوشت آنها یکی از مشکلترین مسائلی است که توسط قرار داد های پاریس حل خواهد
نیز ویک ۱۸ دسامبر ۷۲ گشت.

محافل ویتنامی و آمریکائی هائی که در ویتنام جنوبی کار کرده اند تعداد
زندانیان سیاسی را بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ الی ۳۰۰۰۰۰ نفر میدانند. اینها عبارتند
از

۱- پارتیزانهای عادی دستگیر شده جبهه آزادی بخش ملی اف. ان. ال. که
در یف زندانیان جنگی قرار دارند.

۲- اشخاص عادی دستگیر شده در چهارچوب برنامه میسرغ که پولش را آمریکا

۱- تیش تین شو- امریکن ریتر ۶ نوامبر ۷۲ این شخص رئیس اتحادیه بودایی
های ویتنام ماورا بحار در پاریس و یکی از رهبران نهضت آشتی ملی در میان
ویتنامی های فرانسه است.

می پردازد . اکیپهای برای ازمیان برداشتن زیربنای جبهه آزادی بخش ملی توسط آمریکا نیهای تعلیم دیده اند . در سال ۱۹۶۹ ۲۰۰۰۰ زندانی عادی بقتل رسید (بنابقول سفیر آمریکا کلبی) هیچکس نمیداند چند نفر دستگیر و زندانی شده اند . کمترین اتهام بی نامی میتواند باعث دستگیری شود .

۳- رهبران گروههای مخالفین مثل قووک فوکوک از نیروی سوم خانم نسکوپا تا از جنبش زنان برای حق زندگینگون لونگکاز کمیته خود مختاری و بسیاری دانشجویان و سایرین .

۴- دهها هزار دهقان و رنجبران حمله بهارد دستگیر و سه جزایر فوکوک و کن سن تبعید شدند . هونگ وک ناها مشاور اصلی تیمور نوامبر تائید کرد که ۲۰۰۰ نفر طی دو هفته پس دستگیر شده اند و بازداشتها ادامه دارد .

بسیاری از اسیران هیچگاه محاکمه نشده اند (مثل ۲۳۸۶ نفر از ۷۰۳۱ نفر زندانی در کن سن در سال ۱۹۶۹) . بعضی مثل تران نگوک شو که حکم محکومیتشان توسط دادگاه عالی نقض شده بود دوباره زندانی شد و هنوز در آزار و شکنجه هستند .

۲۰۰۰۰ حد اقل یک رقم قابل قبول در مورد افراد عادی است که به نحو در مناطق مخصوص دستگیر شده اند .
بولتن عفوسین المللی - ۲ نوامبر ۷۲

اعتقاد ما بر این است که تعداد زندانیان سیاسی که توسط حکومت سایگون دستگیر شده اند بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر است این رقم بر پایه اطلاعاتی است که از منابع ویتنامی و اظهارات ناظران خارجی بدست میآیند .
هلمز براون و دان لیوس .
رک به اثر دگر شده ص ۳

باز زندانیان چگونه رفتار میشود
در ویتنام جنوبی بیش از هزار بازداشتگاه رسمی و مخفی وجود دارد . این بازداشتگاه ها در همه شهرها ایالات بخش ها و روستاهای بسیار د هکده هایافت میشود . بزرگترین و معروفترینشان کن سن در دریای جنوبی چین شی هوآ در حومه سایگون تودوک تان هیپ وکی و آ در جزیره فوکوک نزدیک مرز کامبوج هستند . باز زندانیان سیاه چگونه رفتار میشود ؟

در زندان کن سن " قفس های بسیر " ۱

۱- برتراند دان لیوس که بلافاصله پس از دیدارشان از زندان کن سن در سال ۱۹۷۰ در چند روز نامه چاپ شد .

... هنگامیکه هواپیما به جزیره "کونزن" نزدیک میشد این مطالب از پیش آماده
بر خواندیم :

"مرکز ملی تاسیسات کنمن" که در دریای چین و ۲۲۰ کیلومتری سایگون واقع
شده بزرگترین مؤسسه تادیبی ویتنام است . اینجا که در سال ۱۸۶۲ توسط
فرانسویها ساخته شد تا بعنوان زندان مستعمراتی مورد استفاده قرار گیرد مدتها
است بنام "جزیره شیطان" معروف است . و این شهرت غلیظی رغم وجود یک تشکیلات
اداری مدرن باقی مانده است .

ما حیران شده بودیم . با اینکه زندانیان قدیمی و استانیهای نفرت انگیز و ترسناکی
تعریف کرده بودند ولی مشاورین آمریکائی با اصطلاحات مدح آمیزی از آن صحبت
میکردند . گروههای تحقیقی دیگر هیچ چیز پیدا نکردند . هیچ فرد غریبی از
زمان فرانسویان به بعد قفسها را ندیده بود (حداقل هیچ کس نمی توانست وجود
شان را ثابت کند) . قفسهای بیبر وجود ندارند . این امری مربوط بگذشته است
این ها حرفهای است که کارکنان زندان به هم باز میگویند . جزیره میزند . معذرا
هر بازید کننده ای بدون اینکه متقاعد شود برمیگشت زیرا زندانیان جزیره بسوی
مخفیانه گفته بودند که "می بایست قفسهای ببر را ببینید" .

گروه سوار سه جیب شده و سه اردوگاه شماره ۲ رفت . در آنجا زندانیان بخط ایستاده
بودند . چهره هایشان سخت خشک و گرفته و نظرمشهودی وحشت زده بود و سه
مجسمه میماندند .

..... در رسیداری توضیحاتی درباره معالجات طبی بمدادند .
"در اینجا یک دکتر داریم که هر مریض را جداگانه معالجه میکند . معالجات طبی در
اینجا مطابق اصول جدید است" .

نمایندگان چند سؤال از زندانیان مریض کردند .

— آیا باندازه کافی بشما غذا میدهند ؟

— یکی از آنها جواب داد بله خیلی زیاد . برنج ماهی خشک سبزیجات .

— آیا بشما امید دهند ؟

— بله همه روزه

در این موقع من از گروه جدا شدم و با مردی که از بقیه جدا بود شروع به صحبت کردم .
— او بمن گفت که : من از دوره دیم تا بحال زندانی سیاسی ام . نمیدانم کی آزاد خواهم

شد . اینجا خیلی بد است این مرد سخت مریض را می بیند ؟ او هیچ دوائی

در یافت نکرده . روزيك بطری سرم آماده کرده اند که در رنگ تزیینی کنند . آنهم به جهت ورود شما . اینجا نه واهست نه سبزی . . . در این هنگام يك نگهبان نزد يك شد و مرد را امه داد :

— در اینجا همه چیز خوب است مانند زمین خشك و سفت نیست همه چیز برای خوردن داریم و افراد مهربان هستند .

وقتی از بهلولش میفرستم چشمانش را پیر از خشم دیدم . از این لحظه به بعد همه کار کردند تا نگذارند تنها بازند انیان صحبت کنم . وقتی از "راند ولف برکی" رئیس بخش تاس و پ و توسعه برنامه امنیت هموس پرسیدند آیا بازند انیان میتوانند ورزش کنند جواب داد :

— سرهنگ و بازند انیان حتی فوتبال بازی میکند . آنها را خیلی دوست دارد .
— سرهنگ تکرار کرد . من روزهای یکشنبه بعد از ظهر با آنها فوتبال بازی میکنم .
گاهی آنها مرا میزنند ولی من آنها را تنبیه نمیکنم .
و سپس با رضایت خاطر خندید .

ها و کینسر یکی از نمایندگان پیشنهاد کرد که به اردوی شما رو برویم .
سوار جیب شدیم ولی مارا به اردوی شماره ۵ بردند . توماس هارکین ! از من خواست که نقش مترجم را بازی کنم این ماریك نگهبان . کاملاً نزد يك ما ایستاد .
— از کجا آمده اید ؟

— از بن تری

— کی دستگیر شده اید ؟

— ۱۰ سال پیش

— به چه دلیل ؟

— من يك زندانی سیاسی هستم .

— ولی دقیقاً به چه دلیل ؟

— مسئولان ایالتی مرا دستگیر کرده اند .

— نگهبان گفت . تو دستگیر شده ای بخاطر اینکه خیانت کرده ای . درست نیست ؟

— زندانی طوطی وار تکرار کرد . من بخاطر خیانت . دستگیر شده ام .

— اسیر دیگری گفت که نمیداند چرا دستگیر شده است .

— سرهنگ و بالحن مستبدانه ای فریاد کشید . تو يك نارحك درست داشتی

و میخواستی مردم را بکشی . اینطور نیست ؟

— من يك نارنجك در دست داشتم و میخواستم آدمها را بکشم .

در تمام موارد همین وضع تکرار میشد .

هنگامیکه نگهبانان در آنجا بودند . زندانیان میگفتند " غذا بسیار لذیذ است . "

وقتی آنها دور میشدند زندانیان میگفتند " تقریباً غذائی وجود ندارد . " اگر آنها

به حرفهای زندانیان گوش میکردند آنها میگفتند " بله ما از فامیلهایمان نامیده

در یافت میکنیم . " وقتی نگهبانان گوش نمیدادند آنها میگفتند " نه میتوانیم نامه در

یافت کنیم و نه بفرستیم . "

پس از بازدید از اردوگاه شماره ۵ نماینده ها و کینز یکبار دیگر درخواست کرد

که از اردوگاه شماره ۴ آنجائیکه " قفسهای ببر " معروف وجود داشت بازدید کند .

وقتی وارد ساختمان شماره ۴ شدیم . آنجا را همانطور که افرادی چند برایمان توصیف

کرده بودند . یافتیم . در منتبوی البه آن دروازه و جلوی آنها دیوارهایی که دارای

تزیینات نوع چینی سلطنتی بود . وجود داشت . گلهای زیبایی هم بود . که نمایندگان

از آنها عکس گرفتند . ولی آنچه را که در وهله اول نتوانسته بودیم ببینیم جاده کوچکی

بود که فکر میکردیم میان يك دیوار زندان و دیوار دیگری که در آن سبزه جاتسی

برای مصرف افرادی که از نو آموزش میدیدند کاشته بودند .

— ها و کینز پس از مشاهده به گنل گفت جای بسی خرسوقتی است که

شماره اینجایک برنامه کشاورزی دارید . چه نوع گیاهانی در اینجا وجود دارد ؟

— گنل در جواب داد . این اسفناج ویتنامی است . مازندانیان را پس آموزش

به کاشتن گیاهان تشویق میکنیم .

— ها و کینز گفت معذک برای تغذیه افراد زیادی کافی نیست . و در همین

حال به انتهای دیگر راه باریکه رفت . این در کوچک بکجا باز میشود ؟

ما شروع کردیم به تکان دادن و کوبیدن در . این دری بود باندازه عبور یک نفر .

— گنل گفت . آه این در به اردوگاه دیگری باز میشود . ما میتوانیم از طرف دیگری

وارد شویم .

ما بهمدیگر نگاه کردیم . سخنان کسی که جای " قفسهای ببر " را میشناخت بخاطر

آوردیم . " او گفته بود فقط يك راه وجود دارد . شما باید از در کوچکی در انتهای

راه باریکی که اطرافش سبزی میرود . عبور کنید . "

— نماینده ها و کینز گفت من خسته هستم . نمیتوانید کسی را بفرستید تا در راه

کند؟ ماهمین جاسبتوانیم منتظر شویم.

— توماس هارکی — این تقاضا را دوباره تکرار کرد و گفت هاو کینز خسته است ممکن نیست کسی را بیاورید تا در راباز کند؟

— کنل گفت . این در همیشه بسته است و شما نمیتوانید از آن عبور کنید .

ناگهان بطور معجزه آسائی . شخصی از آنطرف در سر رسید تا ببیند چه خبر است او در راباز کرد و ما وارد شدیم . در اینجا قفس های ببرد برابرمای قرار داشت ما زندانیان را نگاه کردیم در هر قفس سه یا چهار زندانی وجود داشت . اینها اطافك های كوچك سنگی بودند . داخل هریك از آنها . يك سطل چوبی برای رفع حاجت وجود داشت كه روزی يكبار خالی میکردند . قفس ها تقریباً ۲/۷ متر طول و ۱/۵ متر عرض داشتند . در هر کدام سه زندانی جا گرفته بود . برای دیدنشان دوباره از يك پلنگان بالا رفته و آنها را از يك درچه كوچك در ای سله ها آهنی . نگاه کردیم . در حالی . ۷ قفس در ساختمان وجود داشت .

— يك زندانی یفرانسه گفت . بمن آب بدهید .

— گفتم . معذرت میخواهم فرانسه خوب بلد نیستیم ولی میتوانم صحبت کنم . ما گروهی از ككروه ایالات متحد هستیم كه برای تحقیق دوباره شرایط و اوضاع زندانیان ویشنامی آمده ایم .

— زندانی گفت . ما گرسنه و تشنه هستیم .

— همه زندانیان با هم این حرف را تکرار کردند .

— یکی دیگر گفت . من بجا طر تقاضای استقرار صلح در اینجا هستم . این خواسته همه ویشنامی ها است . دیگری گفت مافقط خواستار صلح هستیم .

در طول راه . . هنگامیکه از بالای سر زندانیان می گذشتیم آنها با انگشتان خود جای زخمهای بدنشان را بمانشان دادند یکی از آنها دستش را نشان داد . سه انگشت کم داشت . او گفت . " آنها هنگام دستگیری سه انگشت را قطع کردند " سپس . زنی را برگرداند و زخم عمیقی را بر پشت گردنش . بمانشان داد . هیچکدام نمیتوانستند راست بایستند . آنها می گفتند تا چند روز پیش بجز چند نفر بقیه به میله هایی كسسه از انتهای هر قفس رد کرده بودند . زنجیر شده بودند . اثر میله ها هنوز باقی بود .

— یکی كه باد ستهایش میخیزد گفت تا چند روز دیگر دوباره زنجیر خواهیم شد .

يك زندانی با انگشت زخمهایی را بر پاهای فلجش نشان داد . او گفت .

— ماها است كه در اینجا بزنجیر كشیده میرویم . گرسنه . تشنه و مریض هستیم

— کی دستگیر شده اید ؟ کمونیست هستید ؟

سئوال بنظر او آنقدر بیجا بود که شروع کرد به خندیدن .

— نه کمونیست نیستم . به سیاست علاقه مند نمیباشم . خواستار صلحم .

— نگرهبانی که نزدیک من بود سئوال کرد . آیا به پرچم ادای احترام خواهی کرد ؟

— دختر جوان خشمگین جواب داد . نه . نه . من به پرچمی که معرف همه کارهائی

است که علیه من مرتکب شده اید . ادای احترام نخواهم کرد .

— نگرهبان با همان لحن گفت . پس تو کمونیستی و مستحق کشته شدنی .

چند تن از این دختران جوان . دانشجویان معروفترین مدارس سایگون مثل جیالونگ

و دام کوری و غیره . بودند .

— آنها گفتند مافقط هر دو یا سه روز یکبار خودمان را میتوانیم بشوئیم . و تازه تقریباً

آبی وجود ندارد . در هنگام قاعدگی بسیار در زحمت هستیم زیرا نمیتوانیم خود را

آنطور که باید بشوئیم و این بهداشتنی نیست .

تقریباً ۵۰ نفر در " قفس های ببر " وجود داشتند . آنها گرسنه و تشنه بودند و جای

زخمها چنان بود که معلوم میشد بارها ککشان زده اند . در " بیلا ن عملیات " که

هنگام ترك سایگون بمباران شد شرایط زندان کن سن بطرز کاملاً متفاوتی توصیف

شده بود . در بیلا ن چنین آمده بود .

زندانیان را با برنامه های کار و حرفه مشغول میکنند مثل چوب ببری . سفال سازی

چوب کاری . پرورش دام و طیور . خیاطی . زندانیان در کلاس های مبارزه با

بیسوادی و کلاسهای مختلف در کلیه سطوح شرکت کرده . در مزرعه زندان به کشت

پسرنج و درخت نارگیل و سبزیجات می پردازند و برای کامل کردن

جیره غذائی شان ماهی صید می کنند . . . بنا به عقیده مشاورانی که تجربه طولانی

در جرم شناسی آمریکائی دارند . کن سن " جزیره شیطان " نیست بلکه

مؤسسه تأدیبی است که بر بعضی از زندانیان ایالات متحده بسیار ترجیح دارد .

آخرین کلماتی که هنگام ترك قفس های ببر شنیدیم به بهترین وجهی زندان کن سن

را توصیف میکند .

" خواهش میکنم کمی آب بماند هید " .

گزارش چهار دانش آموز دبیرستان

سایگون ۱۹ ژوئن ۱۹۲۰

پس از ماهها حبس در شی هوآ و مجازات زندان ماهه "کار اجباری" تبدیل یافت و در نتیجه مارابه پولو کسدر تبعید کردند. البته. مانه رأی محکومیتمان و نه این تغییر مجازات را قبول کردیم. مأموران بطرز غیر مترقبه ای مارا در يك سبد بزرگ مخصوص کاهو که درش محکم بسته شده انداختند و به کشتی شماره ۴۰۳ حمل کردند تا مارابه پولو کسدر ببرد. این سبد در طول مسافت با آهن بسته شده بود و هنگامیکه به جزیره رسیدیم ۳۰۰ کاپسوی امنیست (مختصین شکجه) به استقبالمان آمدند.

سجورمان کردند که سرمان را زیر انداخته و زیر مشت و کک و بدترین فحشها به سرعت به اردوگاه برویم آنها میگفتند. "بچه ها اینجا پولو کسدر آخرین مقر شماست" يك پیرمر ۸۰ ساله از اهالی بین هوآ بزحمت راه را میتوانست طی کند. کاپوها با ضربه های مشت و لگد او را خوب کک زدند و بایک باطوم بر سرش زدند میگفتند "کوچولو عجله کن اگر میخواهی زنده بمانی!" هنگام استقبال با پیرمر بدتر از همه رفتار شد. پس از يك اقامت بیست و چهار ساعته در يك اردوگاه. مارابه قفس هایی پرده و پایمان را زنجیر کردند. این زنجیرها در تمام مدتی که آنجا بودیم بر پایهایمان بود. این يك اطاقك یا بهتر بگوئیم قفسی بود بطول ۳ متر و عرض ۵/۱ متر و توسط دیوار از سایر قسمتهای اردوگاه و بطور کلی از زندگی خارج جدا بود.

ما ه تفر هستیم. هر که ام تغریب و وجب برای زندگی و خواب در اختیار داریم. پاهایمان کمی بالاتر از سطح زمین قرار گرفته و به يك میله آهنی ۴ الی ۵ متر ۲۴ ساعته بسته است حتی هنگام غذا و خواب و استحمام. ما را مجبور میکنند که همیشه دراز کشیده و اجازه نشستن و تکان خوردن در این قفس بینهایت گرم و تاریک و کوچک را نداشته باشیم. قفس ها توسط دیوارهایی که بیش از يك متر قطر دارند از هم جدا شده اند. هر که ام دارای در کوچکی هستند که فقط هنگام غذا چنانچه دقیقه ای باز میشود. در بالا میله های تیز آهنی بطور عمودی و افقی بایک راهروی کوچک برای عبور و مرور و نگهبانی دانش کاپوها وجود دارد.

(در طول ماههای اول) تمام روز دراز کشیده باقی مانده و در صورت کوچکی سرین

زمره ای بسختی تنبیه میشوند :

د و ظرف مدفوع پُر بر زمین پخش میشود . هنگام باران . آب از سقف کهنه سفالی وارد قفس میشود و هنگام وزش باد . شن و گرد و خاک در قفس پرمیشود . گف زمیسن نااهوار پر از شن و ماسه . و کثیف است زیرا سالها آنرا تمیز نکرده اند . چهار ماه اول را در این قفس ها گذرانده ایم و امروزه در این قفس ها زنهارا جامید هند .

سپس " قفس های گاو " را شناخته ایم . این ساختمانها است که سال ۱۹۰۷ نزدیک اصطبل قدیمی متعلق به فرانسویها . ساخته شده است . این قفس ها تفاوت چندانی با قفس های ببرند ارند فقط کمی بزرگتر و بسیار گرمتر هستند . ما ۱۷ نفر هستیم که در اینجا زندانی شده ایم . وضع غذایی مثل سابق است .

وضع غذایی ۸۰۰ زندانی دارد و گاها و قفس های مختلف یعنی زندانیان جنگی زندانیان سیاسی و زندانیان عادی . زنان (ونیز بچه ها) و ۲۳۰۰ نفری که بصورت بازداشت موقت دستگیر شده اند . یکجور است .

در وهله اول در طول سال به زندانیان د و نوع غذا میدهند . ماهی نمک سیور همراه با برنج . جیره آن توسط رئیس زندان تعیین میشود و ناکافی است . و از کیفیت غذا خبری نیست .

از همه وسائل کمک میگیرند تا نگذارند زندانی همه جیره خود را مصرف کند . آنها را رامجور میکنند ظرف ۳ دقیقه (برای قفس های ببر) غذا بخورند . برنج ها را با آب زیاد میزنند و آتش را آبی میکنند (زندانیان یکی دو ساعت بعد از غذا دوباره گرسنه میشوند .) شن و ماسه را با برنج قاطی میکنند . زندانی چاره دیگری ندارد جز اینکه کم خورده و مجبور باشد ائما گرسنه باقی بماند . تا اینکه بالاخره برای پاسبان زندان به این وضع دست به اعتراض میزند . بالاخره همانطور که میدانید چنین برنج و آشی را نمیتوان بدون غذای دیگری سرکشید . ماهی خشک انقدر کم و تلخ است که زندانیان آنرا " ماهی کینین " مینامند :

..... کمبود سبزی به زندانها آسیب بسیار میرساند . حتی به دندانهای آسیا که بسیار محکم است برای جلوگیری از این وضع . دم برگهائی را که بجای کفشد بهد آشتی بامیدارند . میخوریم . ما اینها را " سبزیجات جهشی " مینامیم . یا اینکه حشرات . موربانه . کرم تباله و غیره و حتی مارمولک هائی را که روی دستمان میافتد میخوریم . آنها را میان هم تقسیم کرده و همینطور خام میبلعیم و البته اول به کسانی میدهم که مدتهاست چیز مقوی به بدنشان نرسیده . یا ذره ای " سبزی "

یکبار اجازه حمام داشتیم . بایاهای بسته در یک زنجیر کوتاه آهنی بصورت گروهبان
ه نفری می نشستیم . کاپو بایک سطل . آب روی سرمان می پاشید . طبیعتاً
هیچکدام امن کاملأخیس نمیشدیم . بدتر اینکه در طول ۱۳ ماه نتوانسته ایم دهک
و زندانهایمان را بشوئیم . این کار کاملاً برای زندانیان تحت انضباط قدغن است
پس از رفع حاجت . خودمان را باقطعه ای پارچه که از جیب کت پاشلوارمان
پاره کرده ایم پاک میکنیم و بلافاصله آنرا با دارمان میشوئیم تا دوباره از آن استفاده
نکنیم .

در پولسوکدر زندانیان عادی که بخاطر زدی . قتل . تجاوز
محکوم به ۵ یا ۲۰ سال زندان یا محکوم به حبس ابد یا مرگ هستند نیز وجود دارد .
سازمان اداری جزیره بجای اینکه به آموزش دوباره آنها بپردازد تا بتوانند روزی
دوباره در جامعه ادغام شوند . آنها را گرد هم آورده و برای اینکه هرچه بیشتر
در کافت غوطه ور شوند تربیت میکند . و از آنها کاپو میسازد . امتیازات مادی چنگ
به آنها داده . آنها را میخزند . و باین ترتیب بجای پایان دادن به جنایات کاپوها
آنها را تشدید میکند . از آنها بعنوان " کادر آموزشی " برای شکجه استفاده میکند
جنایتشان . کک زدن هایشان تا سرحد مرگ پاکستن زندانیان . اعتبارشان را نزد
زندانیان بالا برده و اعتماد سازمان اداری را نسبت به آنان جلب میکند . چنانچه
سابقه شان نزد رئیس زندان خوب باشد . امکان تخفیف جرم و پابخش آنها هست
نتیجه اینکه آنها بر احق زندانیان را می کشند .

رئیس زندان باروی خوش نشان دادن . درنده خوئی . هزگی . تریاک کشی و
نمار بازی آنها را تشویق میکند . تریاک قاچاق توسط نگهبانان برایشان فراهم
میگردد . در قمار بازی هایشان رؤسانیز شرکت میکنند . سازمان زندان مرتب
نواحش را به جزیره میفرستند . کاپوها بایکدیگر مشاجره کرده و جلوی چشم مقامات
اداری جزیره حساب همدیگر را میزنند بهمانگونه که مجرمین سیاسی را غارت میکنند .

بعضی هادر این بازی توانسته اند حدود ۱۰۰۰۰ الی ۵۰۰۰۰ پیاستر جمع
آوری کنند (چنین است مورد تام کین) . بعضی دیگر بخاطر کستن تعداد
زیادی از زندانیان سیاسی آزاد شده اند (چنین است مورد صوامسو) .

..... ما مرتباً قش و کک میخوریم . کاپوها کثیفترین و زشتترین کلمات را بکار
برده و در جریان مبارزاتمان برای
میرزند و این عکس موجب خفگی و

ك و دستکش مجهز هستند . آخرین بار در ماه دسامبر آنها روی زندانیان زن آهك ریخته و د و نفرشان را بحد مرگ كك زدند . معمولاً چهار نفر سر یکفـر بزند . ۲۸ فوریه ۱۹۷۰ در اردوی " آزادی " نیز قضیه از همین قرار بود . آنجا سرکوب تحت رهبری فرمانده " سرنگهبانها " تراشیدن کونك شین رونك ك پلیس درجه دار بنام دوك انجام گرفت . در ه مه برای اینکه بتوانیم بدست عرض حالی در مورد به سازی شرایط زندگی به " کوانك " د هیم . تصمیم نیم به آخرین وسیله مبارزه غیر قهر آمیز دست زده و اگر لازم شد بمیریم . صاب غذای مایک هفت بود که ادامه داشت بدون اینکه موفق شویم کوانك را ناک کنیم . سازمان اداری لج بازی کرده و در مورد مطالبات حداقل و قانونی بود راه نادانی میزد . در جریان این مبارزه هووان شین ۲۳ ساله ناحیه دین هان ایالت کوانك ننام مرد . جسد راز را گرفتند و با همدستی شریکین بهداشت و پلیس جزیره . چنین گزارش دادند شین " از بیماری مرده است " .

یر سلطه لی کان و . ارباب جزیره . مرتب تهدید به كك یا مرگ می نمودیم . باز کردن یکی از دگمه های كت بخاطر گرمی هوا . تكان دادن هرقد ر هم کم تا و صد اد را آوردن آهن ها . رفتن به دفتر اداره زندان بدون پائین انداختن . همگی عدم رعایت " دیسیپلین اردوگاه " شمرده شده و باران نامزاد كك بر شخص خواهد بارید .

و هابه " مدرنترین و غریبترین " شیوه هاما را كك میزنند و در زبان رایج میان د نامهایی به آنها میدهند . پاپاشنه " كفش هایشان . چوبهای بلند و كلفت و یا به های آهنی به پشت گردن و سایر جاهای احساس بد نمان میزنند . بعلاوه شبانه پاهایمان در آهن است . در طی سال جاری فقط ۸ روز پاهایمان آزاد بود . در روز بمناسبت تست سه روز برای عید ولان . و یکروز پیش از بازگشت ی زندانیان این آزادی " موهبتی " بشمار میآید . امکان راز کردن پاهائی که ماهها خشك شده اند هنگام خواب خوشبختی حقیقی بشمار میآید . ماهمیشه در این احساس آسایش خواهیم بود و قلب هایمان مملو از سپاسگزاری نسبت به انی میگرد که این اعیاد بزرگ را بوجود آورده اند . اعیادی که تاحدودی وجدان مانهایی که هرگونه خذلالت انسانی را از دست داده اند . بیدار کرده است . ونوع آهن برای پاهاشناخته ایم .

یکموقع مربوط به دوران استعمارگران فرانسه بوده و نرم و لغزان است .
 - نوع امروزی آن که با آهن و فولاد که آمریکائی ها برای کمک به امور ساختمان میفرستند
 این آهن ها دارای برجستگی های تیزی بوده که موجب درد های شدیدی برای
 زندانیان میگردد . در دراز مدت ، این برجستگی ها گوشت پاها را برده و کمترین
 حرکت غذا را آور میشود . این جسم وحشی گری رژیم و کمک آمریکا است .
 هر بار که زندانیان محکوم به کارهای اجباری بخاطر بهبود چهره غذائی شان مبارزه
 میکنند . به زیر زمین شماره ۲ انداخته میشوند . این يك گودال نیمه گرد کوچک
 است که هیچ نوری در آن نمی تابد و هوای کافی برای تنفس دره نفر زندانی محبوس
 در آن . وجود ندارد . زندانیان زندگی را گد و محقر همراه با محرومیت کامل داشته
 و تا سرحد مرگ گرسنگ میخورند . اغلب اتفاق می افتد که فریاد میزنیم . " آهای آقای
 نگهبان . در سلول من گرسنه ام ! " : " آهای آقای نگهبان در سلول من
 یک نفر در حال احتضار است ! " و هر بار که این فریاد و نفرات یگوشت زندانی
 سیاسی میرسد . احضار میکنند که قفسش در هم نشورد . میشود و نمیتواند به سرویس
 خویش نیاندیشد .

سایکون ۱۹ ژوئن ۷۰

توان وان لینک

کائو نگون لوآ

نگون توان کیت دانشجو

نگون مین تری دانش آموز

شهادت در مورد قفس های بیبیمار روان پس یر پارنگو

خبر نگار خبرگزاری فرانسه (آ.ف.پ) در سایکون ۶ مارس ۱۹۷۳

در پایان فوریه ۱۹۷۳ - ۱۲۴۰ نفر از اشیران " طرفدار کمونیست ها " که سالها
 در زندان کن سین (پولوگس) قدیمی زندانی بودند مخفیانه توسط
 مسئولان سایکون - ۶ به بیرون تبعید گشته اند . و بدون هیچ گونه شاهد . بشرط اینکه
 دیگران را در زندان آزاد نکنند . و همچنین آنان مجبور شدند . خبر نگار غیر-
 گزاری فرانسه را هیچ حرف چند روز نتوانست بگیرد از آساراک جمعیت ۱۴ نفره
 میشدند . بیدار گشتند . در نفرشان مدت ۱۰ سال یعنی از زمان رژیم نگون مین
 زندانی بودند . همدیگر قبول کردند صحبت کنند . بدون اینکه چیزی را فراموش

کنند و اسمهایشان را نیز گفتند . اظهاراتشان در مسائل تفضیلی و جزئی کسی اختلاف دارد و خیالی بنظر میرسد .

آنها برای جابجاشدن خود را روی زمین میکشیدند . بازوها و همه بدنشان اسکتی شده و پاهایشان نحیف . بیحس و پوشیده از زخمهای عمیقی است که آهن و زنجیرهای پاهایشان ایجاد کرده است . آنها سالها در سلولهای کوچکی که تنهایشان لرزه بتن می اندازد — یعنی " قفس های ببر " زندان جزیره کن من — رویهم انباشته شده بودند . چندین زندانی تنهاسندی را که در اختیار داشتند نشان دادند :

" آقای متولد پسر آقاو خانم توسط فرماندهی پلیس ملی . . . برای تظاهرات غیر قانونی و تملک غیر قانونی اسلحه — دستگیر شده و در کن من مدت سال زندانی و در ۲۰ فوریه ۱۹۷۳ بموجب ورقه آزادی — شماره فوریه ۱۹۷۳ آزاد شده است . از شخص مورد نظر تقاضا میشود هر ماه به پاسگاه پلیس برای معرفی خود . مراجعه کند . صادره از بین هوا در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۷۳ . امضا و مهر فرماندهی پلیس ملی روی سند پنجم میخورد .

۱۹ زندانی که خبرنگار خبرگزاری فرانسه (آ.ف.پ) با آنها ملاقات کرده است چند روز بعد از آزادی توسط یک دکتر غیر نظامی معاینه شده اند . دکتر جان چمپلین دکتر قدیمی ارتش نیروی هوایی ایالات متحده بوده و چهار سال را در ویتنام جنوبی گذرانده است . او به زبان ویتنامی صحبت میکند . دکتر چمپلین پس از معاینه و بررسی وضع ۱۴ تن از زندانیان که در آخرین روزهای فوریه بحالت ضعف زیاده از حد . در یک معبد رها شده بودند . درباره آنها چنین میگویی . " من ۱۴ تن از ۱۲۴ نفر رانیده و فقط فرصت کردم نصفشان را معاینه کنم . پاهایشان نه تنها تلخ بلکه بیحس هم شده است . پس معاینه . بدون داشتن وسائل مخصوص پی به ضعف عمومی ماهیچه بردم که ناشی از عللی چند بود . مثل فقدان جدی مواد غذایی . بخصوص ویتامین ب . بخاطر عدم حرکت اعصاب عمل — گدازشان را از دست داده و فاسد شده اند . پس از ۴ یا ۵ ماه فلج شروع شده است . بعضی هایشان از تشنیمگاه فلج شده . برخی از پائین تر . جراحات بیشمار ناحیه ای که ممکن است ناشی از ضربات باشد و نیز زخمهایی بر قوزک پاها که بنظر میآید جای آهن باشد . چشم میخورد .

مواردی از فلج اطفال دیده نمیشود. پاهایشان پوست و استخوان شده و لیسو استخوان بطور عادی رشد کرده است. ممکن است بعضی از آنها. پس از معالجه که بزمخت در ویتنام جنوبی میتوان انجام داد. دوباره بتوانند از پاهایشان استفاده کنند (راه بروند). بنظر میآید که ریه هایشان صدمه دیده باشد. بعضی هائاثید میکنند که سل گرفته اند. بخاطر نوع تغذیه دچار ناراحتی های روده و معده شده اند. آنها از برنج فاسد پر از کرم صحبت میکنند. اظهار میدارند که ریه هایشان بخاطر آهکی که نگهبانان بر سرشان میپاشیده اند خراب شده است.

هر شخصی عادی وعدم آشنایانم پزشکی. بایدن جراحات. جای زخمها و علاقی موجود میتواند بفهمد در زندان کن سن چه بر سرشان آمده است. خبر نگار فرانسه (آ.ف.پ) که مدت ۸ ساعت را با آنها گذرانده. بدن مریضو پر از جراحات را دیده است.

باستثنای کسانی که حافظه خود را از دست داده اند. بقیه برعکس از سلامت فکر و تعجب آوری برخوردار بودند. آنها یکصد ابدون هیچگونه خشمی. دوباره مراحل زندگیشان در زندان شکجه ها بد رفتاری ها صحبت کرده و اغلب نام کسانی که در شکجه آنها شرکت داشته اند و نیز نام بعضی از رفقای سلولشان را که مقاومت نکرده اند. بیاد دارند. ۱۳ تن آنها اهل ویتنام جنوبی بوده. آخری یسک ویتنامی. چینی است که بنابر تعریف خودش دارای "تمایلات ناسیونالیستی و طرفداریهای آزادی بخش میباشد".

اولین نفر کارگر ۴۱ ساله ایست. او در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۶۷ به همراه زن و فرزندش (۴ ساله و ۱۸ ماهه) در سایگون دستگیر شده است. او اظهار میدارد که "پس از سال ۱۹۵۵ در یکی از جنبش های بودایی برای امانال قرار داده ها ژنو بکار سیاسی مشغول بوده است". و پس از یکی از تظاهرات علیه دخالت آمریکا در ویتنام دستگیر شده است. او و زنش پس از اینکه به کلانتری محله تان-نوت (فرور، گاه سایگون) برده شدند. جداگانه زیر انواع شکجه ها قرار گرفته اند. آنها متهم شده اند که کمونیست هستند. بچه ها هنگام شکجه مادرشان که سه ماهه حامله بود و بعد اسقط جنین کرد شرکت داشتند. زندانی اظهار داشت که این وضع ۲ شبانه روز ادامه داشته است. او با خونمردی يك سلسله اشکجه ها را تشریح میکند. وصل جریان برق به گوش ها. پاها. آلات تناسلی. با آویزان کردن. کتک زدن. فرو بردن در آب صابون و شکستن انگشتان.

بنظر میآید زندانی حتی جزئی ترین کارهارانیز بخاطر سپرده است . او نام ه افسر ویتنامی مربوط به قسمت سایگون را که جلسات شکنجه راهبردی میکرد ند گفته و خاطره نشان میکند که يك آمریکائی نیز هنگام شکنجه حضور داشت .

زندش ۱۸ ماه در زندان بوده . سپس آزاد شده ولی همیشه تحت نظر قرار داشته است . تا پایان فوریه ۱۹۷۳ او هیچ خبری از زن و فرزندانشان ندارد .

مرحله بعدی برای او و سایر افراد گروه " اداره امنیت ارتش " در مرکز سایگون و نزد يك باغ وحش است . در اینجا شکنجه دوباره شروع میشود . صورت را در دستگاهی قرار داده و نور بسیار شدید به چشم میاندازند . او هم چنین میگوید افراد غیر نظامی آمریکائی اغلب در جلسات شکنجه حضور دارند .

" دست آخر هرچه را آنها خواستند امضاء کردم در حالیکه هیچ کدام از آن کارهارا انجام نداده بودم . ولی هیچوقت قبول نکردم که روی نام هوشی مینه نف کسم پیش از دستگیری . میخواستم آنچه که او در مورد جنوب گفته بود . تحقق بیذیر " . رفقایش نیز مانند او احساسات شدید ا ضد حکومتی خود را پنهان نمیکنند . همگی اظهار میدارند که حتی زیر شکنجه نیز از قبول برسمیت شناختن حکومتی که با کمک آمریکلا سر کار آمده اند . سر باز زده اند . یکی از آنها در سال ۱۹۶۳ " سلاح برکف " . دستگیر شده است . میگوید که به کن سن فرستاده شد . زیرا در آن هنگام زندانیان جنگی . را از بقیه جدا نمی کردند .

اولین زندانی سپس چند ماه را در سایگون در يك زندان پلیس . خیابان وتان میگذراند . او میگوید که وی را در سیاه چال انداخته و " هر وقت که دلشسنان میخواست " . کتکش میزدند .

در سال ۱۹۶۸ روزی او باتفاق ۲۰ زندانی غیر نظامی دیگر سوار هواپیمای د س شده و در جزیره کن سن پیاده شدند . هنگام پیاده شدن از مجرمین عادی کسک حسابی خورده اند . این اولین تماس او با زندانی است که تا فوریه ۱۹۷۳ در يك " قفس ببر " در آنجا بوده و فقط یکبار از قفس بیرون آمده است . در مورد زندگي حکایت دقیق او و نیز حکایت سایر رفقایش که جداگانه از آنها سوال شد و رفتارهایی که با زندانیان " طرفدار کمونیست ها " میشود . سرسوزنی باهم تفاوت ندارد .

این زندانیان را در ساختمان اردوگاه شماره ۴ در دور دیف . ۳۰ تائی از قفسهای که روی هم قرار داشتند . انداخته بودند . " قفسهای ببر " دیگری از مسال

۱۹۶۷ بزنان اختصاص داده میشوند .

آنها سلول را چنین توصیف میکنند . دو متر در يك متر و پنجاه . دیوارهای سنگی ضخیم . کف سلول پر از شن و ماسه . بالای ش میله های آهنی که رویش چوب انداخته شده تا نگهبانان بتوانند رفت و آمد کنند . در هر قفس گاه تا ۸ نفر زندانی جامیدهند و پاهایشان همیشه به يك آهن افقی زنجیر است . آنها میگویند که بیماری از زندانیان میگیرند و زنان بخصوص قوه تعقل را از دست داده . شب و روز در چار بحرانهایی شدید میشوند .

تمام زندانیان وحشیگری زیادی از حد زندانی عادی که خوب را بمسؤلان اردوگاه " فروخته اند " را خاطر نشان میکنند . آنها میگویند که مسؤلان زندان از آنها برای انجام کارهای پست و کک زندان مجرمین سیاسی استفاده میکند و " این افراد سراسر زندگی شان عبارت است از شکنجه دادن و کشتن مجرمین سیاسی " .

زندانیان که روی هم انبار شده اند . نه حق صحبت . نه حق نشستن یا ایستادن را داشته و هرگونه حرکتی معادل دریافت ضربه هائی از جانب نگهبانان است . نگهبانان از بالا . از ورای میله هابر سر آنها آهک میریزند که پوست را میسوزانند و در چشم و ریه فرو میروند . گاهی چوبهای بلند نوک تیز را به بدنشان فرو میکنند . زندانیان عادی که مسئول خالی کردن سطل های ادرار و مدفوع هستند (در هر سلول يك سطل وجود دارد) و معمولاً باید هر روز آنها را خالی کنند . گاه سطلها را برگشتنی سلول خالی میکنند . زندانیان نه کاری میتوانند بکنند و نه میتوانند چیزی بگویند . " یکی از زندانیان آزاد شده میگوید گاه آنقدر گرسنه و تشنه بودیم که ضعیفترین مان از سطل ادرار مینوشید . و چنانچه حین عمل غافلگیر میشدند . کک میخوردند " . بنا بقول آنها . غذا بسیار مختصر بود . چند مشت برنج فاسد پس از کرم . چند تکه ماعی و عنکبوت در پاشی خشک که مثل چوب سفت بود و چند جرعۀ آب . آنها هفته ای یکبار " حق " حمام داشتند . يك سطل آب که روی همه افراد يك قفس خالی میشد . برای هرگونه بیماری همه معالجات به يك قرص آسپرین بائنا به خوشمزگی زندانیان عادی به يك ضربه جدی " برای بهبودی " ختم میشد .

" غذا " ساعت ۸ صبح و ۲ بعد از ظهر داده میشد . سه دقیقه فرصت برای غذا خوردن و سپس يك " فاصله " ۱۸ ساعته پیش از جیره " فسد " . یکی از مردان میگوید که در ژوئن پس از بازید يك گروه آمریکائی غیر نظامی که عکسهای نیز گرفتند (مقصود بازید هیئت نمایندگی مجلس سنات) . ما را از " قفس های ببر

درون آورده در اصطبلهای قدیمی که بصورت اطاق در آورده بودند . جادادند .
او ادامه میدهد . ولی وضع تغذیه بهمانگونه باقی ماند . تنها امتیاز آن این بود که
پتوانستیم در راز بکشم و جای کمی بیشتری داشتیم .

س از چند ماه " قفس های جدید ببر " که با اعتبارات و کمک آمریکا ساخته شده اند .
ماده شدند . بطرز محسوسی همان ابعاد را داشتند و بعلاوه این بدی راه هم
داشتند که سقف شان بسته بود و درون آن هوا بکمی اجاق بود . ولی حد اقل در آن
زنجیر بسته نشده و هرکس " حق " یک سلول انفرادی داشت . این قفس ها در
جموع ۸ بلوک (هر بلوک ۴۸ قفس) بود . نحوه رفتار عمومی تا هنگام آزادی در
وریه ۱۹۷۳ هیچ تغییری نکرده است .

عضی از این ۱۴ نفر زندانی آزاد شده . بارها در کن سن سرشورش برداشته اند .
طغیان آنها ناشی از گرسنگی غیر قابل تحمل یا مرکز سن از حد زندانیان بخاطر فقدان
بعلجات است . بزرگترین شورش در تاریخ اکتبر ۱۹۷۲ صورت میگیرد . آنها بخاطر
زندانی بودن و شرایط فیزیکی شان امکان عملشان محدود بوده . سهولت و بشدت
نوسط گارد ها و زندانیان عادی سرکوب شده اند . همیشه تعدادی مرده و مجروح
وجود دارد . بعلاوه یکی از زندانیان اظهار میدارد که یک سلول روزی با دستن
خاللی یکی از درنده ترین نگهبانان را بنام مسواک کشته است .

آنها نام زندانیان و شکجه دهندگان شان را بهمان خوبی نام رفقای متوفی شان بخاطر
دارند . " ۸ ژانویه ۱۹۷۳ . آنها بعد مرک یک راهب بود ائی نام تیس ها ن توك
(۳۸ ساله) را که سالها بود علیه همه رفتارهای وحشیانه و غیر انسانی اعتراض کرده
و مبارزه بخاطر صلح را ادامه میداد . کک زند و همه زندانیان قفسها برای تقاضای
معالجه او فریاد برآوردند و فقط دو ساعت پس از مرگش او را از روی زمین برداشتند .
بعلاوه در زندان کن سن هرکس در انتظار مرگ میبود . " اولین زندانی از میان
۱۴ نفر میگوید تیمو نماینده خلق ویتنام نیست .

یکی دیگر از زندانیان گروه ۳۷ سال داشته و از ۱۱ نوامبر ۱۹۶۳ زندانی شده
و از سال ۱۹۶۵ در زندان کن سن بسر میبرد است . او یک مبارز بود ائی بوده
و محاکمه اش بیش از چند دقیقه طول نکشیده است . در جریان محاکمه وکیل مدافع
هیچ دفاعی نکرده است و همه شهود . پلیس هائی در لباس شخص بودند . او در
زندان تان هیسپ نزد یک سایگون . در " گور "ی که عبارت است از یک
صندوق تنگ و تاریک بوده بسر برده است . وی را پس از پایان شکجه در حالیکه

پاهایش بازنجیر بسته بوده . به درون آن انداخته بودند . او میگوید . " در کور سر مجروح نمیتوانست تحمل پرواز حتی يك مگس را بکند . درست مثل این بود که موتوری رازیر جمجمه ام بکار انداخته بودند . " او " سالن سینما " ی زندان شی هر (زندان بزرگ سایگن) را که در آن " طرفداران کمونیست ها " بازرسی میندند اند نیز شناخته است .

وی در حالیکه بازنجیر بسته شده بود به همراه ۵۰۰ نفر غیرنظامی در ژوئن ۱۹۶۵ بایک کشتی به کن سن میآید . " هنگام ورود پس از اینکه از زندانیان عادی کسک مفصلی خوردیم . جلوی پرچم مارا بخت کردند . " آنهائی که بپرچم سلام میکردند يك طرف میرفتند و کسانی که از اینکار سر باز میزدند طرف دیگر . ماتقریبا ۸۰ نفر بودندیم که از سلام به پرچم خودداری ورزیدیم . "

او ابتدا دو سال در يك زیر زمین بسر میبرد . پس از ۶ ماه دیگر نمیتوانستیم راه برویم . از ۲۵ زندانی این زیر زمین فقط ۱۰ نفر زنده مانده اند . اواسط سال ۱۹۶۷ مارا سوار يك کامیون کرده به " قفسهای ببر " منتقلمان کردند . او بقفساوب در " قفسهای ببر " و سلولها (کی بزرگتر) زندگی کرده است . این سلولها در اصطبل که از دوران فرانسویان باقی مانده و برای زندانیان آماده اش کرده اند . قرار دارد . او میگوید " گاهی میتوانستیم هفته ای یکبار خود را بشوئیم و گاه میبایست دو ماه صبر کنیم . "

در زنده ان شی هوأ ارد وگاه نقاهت

خلاصه ای از مذاکرات کسانی که از زنده ان آزاد شده اند بنام ما متهم میکنیم

ژسپ د بری را - منرا صص ۲۰۱ و ۱۰۹۶

در روز ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۸ هنگامیکه نگین وان و کهریس "مخصصان" است، لووان کونگ شین کونگ نیز نامیده میشود (دستور میدهد که ۲۰ زنده انی مریض مسلول فلج ریا ناقص العضور با قفس های گاو منتقل کنند حوزه قفسهای گاو از این ببعد نسایم "ارد وگاه نقاهت" بخود میگیرد.

این دسته از زنده انیان ارد وگاه شماره ۴ بخاطر بهبود جیره غنذ اشی مبارزه نا امیدانه ای انجام داده بودند. آنها تقاضا میکردند که ماهی یکبار گوشت خوک هفته ای سه بار سبزی ده روز یکبار "شن" (برنج، نخود سبزو شکر) بآنها داده شود. روزیکه این زنده انیان مریض و ضعیف در اثر مبارزه (در جریان این مبارزه هوین وان نت مرده بود) به ارد وگاه نقاهت احضار شدند فکر میکردند قصد معالجه آنها را دارند.

ولی آنها غافلگیر شدند: ۱۲۰ زنده انی را در یک سلول ۱۲ متر در ۸ متری جای دادند. هر زنده انی برای دراز کشیدن کمتر از یک متر مربع جاد را اختیار داشت. در ریچه های کوچکی فقط بالای سلول وجود داشت. تک آن سیمانی بوده همیشه نم پس میداد. روزهای بارانی آب روی شیروانی بر دیوارها میریخت و زنده انیان نمی توانستند بخوابند.

بای ونگ رئیس ارد وگاه نزد زنده انیان رفت و گفت: "تو این محل مستلزم انجام کارهای اجباری هست اگر کار کنید سلول بزرگتر و غذائی بهتر خواهید داشت. اگر کار نکند شرایط سختی را تحمل خواهید کرد". مقصود مسئولان امور این بود که حتی ضعیف ترین زنده انیان را استثمار کنند. زنده انیان میگویند: "آنها شیر ما را میکشند". ارد وگاه نقاهت یکی از جنبه های سرکوب جنبش زنده انیان علیه کارهای اجباری بود.

۱۲۰ زنده انی از کار کردن خودداری کردند و بنابراین گوشت سبزی و شکر را که قبلاً در ارد وگاه شماره ۴ بآنها میدادند از غذای آنها حذف کردند. مدت دو ماه آنها فقط برنج و سس ترش خوردند. ۴۰٪ از زنده انیان چنان مریض بودند که حد اقل شش دیوار تقاضای معالجه میکردند. در نیمه ماه اوت ۵۰٪ زنده انیان بخاطر فقدان

سبزی‌های تازه در چاریمای بری بری شدند. زندانیان برای ادامه حیات مجبور بودند مارمولک یا علف بخورند. این امر سبب شد که رئیس اردوگاه اطلاعیه ای باین مضمون صادر کند: "مدتی است که تعدادی زندانیان با خوردن علف‌های اردوگاه به حکومت خسارت وارد می‌آورند. این کار از جانب مدیر ممنوع اعلام شده. هرکس از این دستور سرپیچی نماید بطور جرمی تنبیه خواهد شد". سپس این اطلاعیه میافزاید: "این علف‌ها جز اموال دولتی هستند. چون شما از ادای احترام به پرچم سرساز می‌زنید بنابراین حکومت را برسمیت نمی‌شناسید پس حق خوردن علف‌ها را ندارید". پس از آن چمن‌ها را ریشه زدند. از آن به بعد زندانیان از برگ درختان استفاده میکردند که آنها را نیز بریدند.

منظره سلول‌ها

ژانویه و اکتبر - منظره به اثر گذارده صص ۷۴ و ۷۱

صبح روز ۱۷ اوت ۱۹۷۰ از سلول‌هایمان مشاهده کردیم که نمایندگان در حیاط جمع شده. نمی‌خواستند سلول‌هایشان برگردند. کاپوها آنها را محاصره کرده تهدید و کمی از ایشان می‌کردند. نمایندگان در مقابل تهدیدات مقاومت می‌ورزیدند. آنها از پشتیبانی پرشور زندانیان سیاسی داخل سلول‌ها برخوردار بودند. در واقع اینها پیراهن‌های سیاه‌شان را از میله‌های زندان به بیرون آویزان کرده و با گچ بر روی هر پیراهن حرفی نوشته شده بود. مجموعه این حروف شعاری را تشکیل میداد که از عمل نمایندگان در حیاط پشتیبانی میکند. این شعار از سه طبقه زندان آویزان شده. صد هاشم از میله‌های زندان بیرون آمده و همه زندانیان با فریاد این شعار را تکرار میکردند.

عصر همان روز حدود ساعت ۵ بعد از ظهر دیدیم که کاپوهای قسمت‌های با غلظت صرف قسمت مخالفین (ج) حرکت کردند. ما میتوانستیم کاپوها را که جلوی سلول‌های ما جمع شده بودند ببینیم. آنها فاصله زیادی با رها نداشتند. بعضی از آنها کتسه همراه داشتند. آنها از میله‌های آهنی بالا رفته و محتوی کیسه‌هایشان را خالی کردند: این کیسه‌ها پر از آهن‌آلات بودند. سپس شبنم فرار رسید و ما دیگر نمیتوانستیم ببینیم در حیاط چه میکرد. صدای فریاد و اولین انفجارها بگوش رسید. در سلول‌ها نارنجک‌های اشک‌آلود مین افتاد. آنها داشتند. در هر سلول سه - چهار یا پنج نارنجک نگه میداشتند. رئیس بخش ما و دانه برایمان قطعات

آورد تباروی چشمانمان بمالیم . در واقع گازهای سلولهای ماکه در حیاط مقابل قرار داشت نیز میرسید . ولی دوستان اب در طبقه هم کک بخش پستانیز از جنبش رفتاری فاج پشیمانی کرده بودند . در سلولهای آنها نیز نارنجک میاند استند . مایه رئیس بخشمان نامه را گفته و لیوهاراد و راند اختیم . از همه جا فقط صدای فریاد یکوش میرسید . تمام یک بخش - ۵۰۰ الی ۶۰۰ زندانی . چنین شمارهایی میدادند . " مرگ براه خناق ! میخواستیم رئیس زندان را ببینیم ! " نبرد از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۲ صبح بطول انجامید . فقط در این ساعت بود که سکوت همه جا را فرا گرفت . فردای آنروز فهمیدیم که همه زندانیان به پولسوکت ر تبعید شده اند فقط در این موقع بود که از قضیه آگاه شدیم . این اولین بار بود که شاند چنینی سرکوب و خشیانه ای بودیم . آنها در داخل یک زندان . این غیر قابل تصور بود . در خارج نمی توانستیم بفهمیم در زندان چه میگردد . ولی بخصوص این اولین بار بود که میدیدیم افرادی با چنین وضع روحی و اخلاقی در شرایطی این چنین وخیم و نامناسب مبارزه میکردند . این افراد بمثابه یک تن . بایک عندق و با انصاف دست بمبارزه میزدند .

سلولهای یکویس از دیگری از یاد آمدند . همه زندانیانی را که شمار میدادند و کسانی که این شمارهاراد را برابر درهای آغنی با صدای گرفته بیان میکردند . بترتیب کک زند . هنگامیکه در سلولی صدای شمار بگوش نمیرسید باخود میگفتند . " کک هاوارد : ده . کک زده و کار تمام شده است . " این وضع تا آخرین سلول ادامه یافت . آنها تنها بودند . سی زندانی که علیه همه پلیس ضربتی و کپرها مبارزه میکردند آنها بقدری شمار دادند تا همگی را از نفس انداختند . ساعت ۸ صبح بود که انصاف ساکت شدند .

سرسازان صلح

ژنرال پیری وادسوارث به اشک گریه و محنت خفته بود .

تا پایان سال ۱۹۷۱ . در زندان قشیم حوالی فقط در زندان سلولهای ۵۰۰ و ۶۰۰ آزادی بخش . سپاس بستان به محو شدن در در گذشتن و در گذشتن . اکبر ۱۹۷۱ . تاریخ با اصطلاح انضباط ریاست جمهوری که کک میزدند و در زندان ژنرال میو بود . اولین دستگیر شدگان از دست جمهوری ضلوعی و در دست

د انشجویانی بودند که در شهرها علیه انتخابات ساختگی تظاهرات برپا کردند و بودند
 سپس در مارس ۱۹۷۲ آغاز حمله جبهه ملی آزادی بخش (ف.ن.ل) و و میسن
 د مستگیریهای دسته جمعی زندان شی هوآ را بر کرد. اینبار د ستگیر شدگان
 هبارت بودند از حقوقدانانی مانند خانم نگوساتان دیلمه از دانشگاه
 استراسبورگ و یک دانشگاه آمریکائی. وکلای مثل وکیل خودمان نگوسن لونک
 اساتید. روشنفکران. د انشجویانی مثل هوسن تان ماس رئیس اتحادیه
 د انشجویان ویتنامی. د انشجویان کاتولیک. راهبان بودائی و بالاخره زندانیانی
 که تاکنون عادت نداشتیم آنها را د زندان ببینیم مثل تیومسن نویسنده و روز-
 نامه نگار روزنامه د ماکراس نوین (د ان شوموا) این روزنامه مانند بسیاری از
 روزنامه های دیگر توسط قانون جدیدی که تیر از مجلس گذرانده و مربوط به مطبوعات
 بود. جلوش گرفته شد. (این قانون صاحبان روزنامه ها را مجبور میکرد که مبلغ
 ۲۵ میلیون پیاستر د اداره مانسور بگذارند و در صورت هرگونه تخلف مستقیماً
 مبلغی از آن بعنوان جریمه برداشته میشود. این جریمه تاحد ضبط اموال چاپخانه
 نیز ممکن است ادامه پیدا کند.) این روشنفکران و این افراد پیورروازی ویتنام جنوبی
 تعلق داشتند. آنها کمی دیرتر از هم میهنان روستائی شان به کثافات و واقعیات
 این جنگ پی برده بودند. از سال ۱۹۶۸ بپس آنها جنبش های "قانونی" را
 سازمان داده. خواستار صلح و خروج آمریکائیها از ویتنام بودند. آنها خود را
 مخفی نکرد. فکر میکردند که میتوانند بطور قانونی عمل کنند. مثلاً جنبشی برای خود
 مختاری خلق ویتنام وجود داشت که رئیس آن نگوسن لونک بود. همچنین
 جنبش زنان برای حق زندگی. جنبش دیگری نیز که خواستار بهبود شرایط زندانیان
 د زندانهای ویتنام جنوبی بود وجود داشت. رئیس آن خانم نگوساتان
 بود. جنبش های د انشجویانی نیز بودند که فقط خواستار خروج نظامیان آمریکائی
 میشدند. هرقد د سرکوبیهای خونین از جانب پلیس تیر بیشتر میشد آنها تیر
 بیشتر حالت تهاجمی بخود میگرفتند. مثلاً جنبش معروف "د کش می" کارش -
 سوزاندن ماشین های آمریکائی بود که علامت صالمت آمیز تفنگ ام آ ا شکته شده
 راننده بودند. این دلیل آن بود که این د انشجویان از اشغال ویتنام جنوبی توسط
 آمریکا متنگ آمدند.

تکرار میکنیم که همه این جنبش ها کاملاً قانونی بود. د روز روشن عمل میکردند
 د واقع آنها از چه میتوانند بترسند؟ آنها فقط خواستار صلح بودند ولی امروز

وینتام جنوبی - وینتام "آزادی" که دستگاههای تبلیغاتی آمریکادرباره اش سخن
 گویند. صحبت از صلح جنایت است - در زندان دوستان بهامیگفتند: "در
 نگاه نور تیرک جنایتکاران جنگ محاکمه شده اند" - امروزه
 وینتام جنوبی "جنایتکاران صلح" زامحسب اکمسه میکنند. "فقط
 ن است به نطق های تیو توجه کنیم که میگوید. "دستور میدهم هرکسی را که با
 نیست ها از صلح صحبت کند. جابجانا بود کند. "تیو خیلی زود پی برد که
 بش هائی که بخاطر صلح برپا میشدند همانند گلوله برفی عمل میکنند. این جنبشها
 بآن میگشت که روشنفکران وکلا دانشجویان بفهمند چه کسی خواستار صلح
 ت چه کسی علاقمند به جنگ. آنها تدریجاً متوجه شده اند که صلح میسر نمیشود
 باخروج پرچم های آمریکائی. همه این افراد که در شهرها زندگی میکردند در -
 سن ۱۹۷۳ دستگیر شده اند. آنها متحمل شکجه هائی شده اند که در هپاسال
 مورد کادرهای جبهه آزادی بخش ملی اعمال شده است. آنها آمار کی تحمل
 بین رنجبهائی را نداشتند. زیرا از طبقه بورژوازی مرفه بودند. بهمین دلیل خیلی
 نتی کشیده اند. اکثر آنها شنیدند اشکجه شده بودند. باری آشکاراست که باین
 روشنفکران دانشجویان مسیحی و حتی کشیشان مسیحی مثل پدر شان تین
 به راهبان بودائی که از خدمت نظام سرباز زده اند. نمیتوان برجسب کمونیست
 این مردان و زنان عموماً در میان بورژواهای درجه اول سایگون شناخته
 اند. آنها آنچه را که در اطراف خود در زندانها دیده یا شکجه هائی که
 مل شده اند. شرایط زندگی و غیره خود را تعریف خواهند کرد و نمیتوان سخنان
 ساراهاورنکرد. از سربازکردن این افراد. بخصوص برای رژیم تیو مسئله ایست
 اند (تکیه از ناشران است)

دورزند ان تود وک

گزارش چهار دختر دانشجو

در جلسه زندانیان سابق سیاسی که در مدرسه عالی علوم
 تربیتی سایگون در چهارم ژوئیه ۱۹۷۰ برگزار شده است

باطوم

باچشمان باند پیچی وستان از پشت قفل شده مجبورمان میکردند
 نهیم. پلیس قوی هیچ مستی که دهانش بوی الک میدهد. بایک باطوم بکشف

پاها . سر . شانه . سینه . پشت و شکم میزنند . و فحش های رکیک میدهند . منظور او این است که اقرار کنیم با کمونیست ها رابطه داشته ایم . اگر از صحبت کردن خود داری بنمائیم یا خبری برای گفتن نداشته باشیم . تاحد بیهوشی گت میخوریم . پس از دو ساعت شکم متوالی و بی هوش شدن . دیگر نمیتوانیم بلند شویم . زانوهایمان باد کرده . خون در زیر پوست صورت هایمان جمع شده و شانه و پشتمان کبود میشوند . چنانچه این عمل تکرار شود شخص برای تمام مدت عمر ضعیف و ناتوان باقی خواهد ماند . مثلاً و شیر لان و انشجوی ادبیات که در حال حاضر به کسن دائر تبعید شده از هر دو فایده است و کیم لین فقط بایک پا و با کک عصاره می رود .

کماینکه گف پایهایشان با باطوم مضروب میگردد ممکن است به بیماری که یا آلات تناسلی منی د چار شوند . بعضی هابندون اینکه نشانه ای از اعمال قهر بر برد نشان باقی بماند می میرند .

هر سه دختر و انشجوی ویتنامی اخیراً خاطر شکم هائی که در اداره پلیس سایگون بر آنها وارد آمده بود از یاد ر آمده . جای تأسف است که نتوانستیم نام این قهرمابا را بدست آوریم . زیرا در زندان قسمت مان بودند .

در زندان مرگ امر متداولی است . اداره زندانها و پلیس همیشه کوشش میکند اجساد مردگان را بدست خانواده هایشان ندهد . اغلب خبر مرگ را هم با اطلاع خانواده ها نمیرسانند .

شوک الکتریکی

شکجه گران معمولاً بر نقاط حساس بدن مثل آلت تناسلی

سینه زبان زیر بغل و غیره سیم برق وصل میکنند . وصل جریان برق به دهانه رحم ممکن است منولهای رحم را از بین ببرد و در صورت عدم معالجه موجب نازائسی زن میگردد . رحم پمپری شکم شدگان زندان تسو وک پس از اینگونه شکنجه ها حایجانده است . شوک الکتریکی موجب ناراحتی های شدید عصبی میگردد . در هنگام بحرانیهای عصبی قربانیان آن به شدت می لرزند . دهانشان گک میکند . مشکل دیوانگان عریه میکنند و سپس از حال میروند .

در تود وک شکم گران از جریان برق متناوب نیز استفاده میکنند . که نتایج آن وخیم تر است . شب هنگام از تمام منولها صدای ناله بر میخیزد و هر کسی که اندکی

حس انسانی در او باشد عیقا متاثر میشود ولی نگهبان و کاپوها - بخاطر عسدم
 "رعایت دیسیپلین" - باین ناله ها بابتدید و فحش و کک جواب میدهند .
استعمال آب

این نیز شکجه ای وحشیانه است قربانیان را مجبور میکنند بابینسی
 آتش را آب بالا بکشند تا معده شان پر از آب شود . سپس پلیس های عظیم الجثه
 روی شما - آنها رفته با چکمه های میخ دار خود آنقدر لگد میزنند تا
 تمام مایع خارج شود ترونک تی کیم لین پس از این شکجه ها چهار معده
 در شده مرتبا استفراغ میکرد . زنان حامله یا کسانیکه در دوره قاعدگی بودند
 سقط جنین کرده یا دچار خونریزی میشدند . مثلاً ترونک تی کیم لین
 مدت دو ماه از خونریزی رحمی دردمیکشید . تا زمانیکه دانشجویان دستگیر شد ۱۷ .
 را معالجه نکردند . بیماریش ادامه داشت . در هیچ کجای دنیای باندازه زندان
 های سایگون . زنان دچار سقط جنین و خونریزی رحمی نشده اند .
"مسافرت با هواپیما"

زن را با مچ های بسته از سقف طوری آویزان میکنند که پاهایش
 بالاتر از زمین قرار بگیرد . پلیس اطراف وی حلقه زده . بنوبت او را آنقدر میزنند
 تا بیهوش شود . تسونکا یک دختر دانشجوی ۱۸ ساله در شب ۵ مارس
 ۱۹۷۰ در اداره پلیس بخش ۱ در جریان چنین "مسافرت با هواپیما" بی آنقدر
 شکجه شد که حواش را از دست داد .
 در تود وک زنان شکجه دیگری رانیز تحمل میکنند . در زیر ناخن هایشان سنجاق
 فرو میکنند . با کمک قیچی یا انبر گوشت بدنشان را میگیرند . سرشان را بدیسوار
 میسکوبند و با چوبهای گلفت به شکمهان میزنند
 در شی هوا آهه یک زن اسیر دیگر تنهائی نمیتوانست بلند شود زیرا ستون فقراتش
 در اثر ضربات وارده شکسته بود . معذ الکئوی رابه ۱۵ سال کار اجباری محکوم
 کردند . چگونه میتوان ادعا کرد که رژیم تئو انسانی و در خدمت ملت و خلق است ؟
 در سالن های شکجه زنان مجبورند لخت بایستند . شکجه گران وحشیانه ترین
 شکجه هارابکا میبزنند . در پستانهایشان سنجاق فرو میکنند . در آلت تناسلی شان
 سربطری فرو میکنند . خسامترین قسمت های بدنشان را مثل زیر بغل . باسن .
 ران . گردن و . . . را میسوزانند . در اداره پلیس و زندانها تجاوز امری عادی -
 است . تعداد بسیاری از اسیران پس از تجاوزات دسته جمعی بشدت مریض شده

یامرده اند .

بعلاوه باید مورد و شیزه نکون تیب لنگ راز کرد . جلا دان دست وی را باند پیچی کرد و رویش بنزین ریخته و سپس سوزاندند .

فقدان بهشت است

در زندانها و در وهله اول در سیاهچالها اسیران در يك وضع بسر میبردند . آنها از فقدان صابون و حتی آب برای شستشو و بخصوص هنگام قاعدگی یا چرکین شدن رحم و ترشحات رحمی شدت رنج میبردند .
جد اکردن مادران از فرزند ان

وقتی زنی در خانه اش دستگیر میشود . پلیس بچه هایش را نیز همراه میبرد . ولی بچه ها اجازه ندارند بامادرانشان در یکجا بسر برند . پامیس آنها را از مادرانشان جدا کرده و بیک یتیم خانه می اندازد . کیم لیسن که موقتاً پس از دو ماه آزاد شد . فرزند و وساله اش را در حالت زار و نحیفی یافت . بچه دیگر نمی توانست سرپا بایستد و صدایش را از دست داده بود . توان تی هان که مدت دو سال است در زندان تودوک بسر میبرد از سرنوشت چهار فرزندش هیچ خبری ندارد . بچه ها را پلیس هنگام دستگیری وی باخود برده بود . مطالبه فرزندانش از اداره زندان بی جواب مانده اند . بهمین گونه است سرنوشت دو فرزند زنی بنام توانگ بوم که مدت دو سال است در زندان بسر میبرد .

رژیم زندان برای زنان

زندان تودوک که در نوع خود از بزرگترین زندانهای ویتنام جنوبی بشمار میرود " مرکز تجدید آموزش " نامیده میشود . در واقع این زندان برای زندانیان زن بمثابة جهنم است .

در این زندان ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ زن زندانی وجود دارد که بنا به رجه شدت سرکشی شان بدو دسته تقسیم میشوند . سیاسی و عادی .

زندانیان عادی بخاطر دزدی خیانت در امانت جنایت محکوم شده زندگی بسیار قابل تحمل تری دارند . آنها امکان اینرا دارند که بهتر غذا بخورند و بگردند از آنها انقلب برای بردن زندانیان سیاسی زن از يك اردوگاه به اردوگاه دیگر یا در دفتر یاد ر بخش انتظامات استفاده میشود . برعکس زندانیان سیاسی زن زندگي

بینهایت مشکتری داشته و رئیس آنهايك شكجه گرام است .
رژیم غذایی و مسکن

پیش از ۱۵ آوریل ۱۹۷۰ جیره روزانه ۲۹ پیاستر
 میارزید (پول سایگون) . اثر هزینه برنج و جوب برای گرم شدن راز آن کم کنیم
 پیش از ۴ یا ۵ پیاستر برای مواد غذایی باقی نماند . درآمد اقامت در زندان
 شنیدیم که میگفتند بعلت " سیاست صرفه جویی برای ادامه جنگ " باز هم از این
 کمتر خواهد شد .

سالن هاسقفشان کوتاه و مرطوب هستند . در فصل باران . اسراماها باید روی
 زمین نمناک بخوابند . سالن ها بسیار کوچک بوده و جمعیت زیادی را در آنها جا
 میدهند . زنان سالم باید جای خود را با مریضها تقسیم کنند . اوضاع با شروع و ادامه
 " تجدید آموزش " بدتر میشود . زنان فضای کافی برای راز کشیدن ندارند .
 بعضی ها برای اینکه جای بیشتری برای بقیه باقی بگذارند روی ابروها و در راهرو
 میخوابند . بعلاوه چون سقف سفالین اطاق کوتاه است . هنگامیکه آب زمین نمناک
 بخار میگردد آنجا مثل تنور گرم میشود .

دارو

شرایط محل زندان با اضافه تغذیه بد و شکجه ها . زنان را با آسانی طعمه
 بیماریهامیکند . ولی دارو وجود ندارد . بنابه اظهارات پرستاری بنام آقای کان
 که هنوز اندکی وجدان اخلاقی در او باقی است . در دوازده زندان کم نیست ولی آنها
 رامیان بیماران تقسیم نمی کنند و این عده ای است . وقتی مریض قرص آسپرین یا قرص
 تیئومیسین دریافت میکند . این باین معنی است که وضعیت بسیار خطرناک تشخیص
 داده شده است .

اجازه فرستادن مریض به نزد پزشک یا بستری نمودن بیمار در بایپرستار کینه جو و خشنی
 بنام ایکس است . بیمارانی که وضعشان وخیم است . وقتی بنزد او میروند . فقط تهدید
 و فحش دریافت میکنند . گرفتن اندکی قرص مسکن اسباب خوشبختی است . او معتقد
 است که همه بیمار در روغ میگویند . فقط موقعی سخن بیمار قابل قبول است که بحال
 اغما بیافتد . فقط در این حالت شانس فرستادن به بیمارستان وجود دارد .

اقدامات انضباطی

در این زندان که زیر نظر دو نگ نگوك مین اداره

میشود بازندانیان زن از همه جای دیگر وحشیانه تر رفتار میکرد. در اینجا وضع اسرا غیر قابل تحمل است. در ماه اوت سال ۱۹۶۹ زنان زندانی برای دریافت جسد نیکی کشته شدگانشان بمبارزه علیه مدیر زندان دست زدند. دونک نگوک مین بلافاصله همه را بطور دسته جمعی تنبیه کرد. باین معنی که گرد آهک و د. د. ت. در اطاقها پاشیدند و چهار زن را بعد مرگ کتک زدند. پس از این وضع ۳۰۰ اسیر به کن داتو که تاکنون فقط اختصاص بمردان داشت. تبعید شدند. مقررات زندان هر روز سخت تر میشود. درختن کبوترهای صلح هر پارچه. آواز خواندن. صحبت با افراد گروه دیگری در همان اطاق. چیز خواندن. مطالعه تاریخ ویتنام ممنوع است. برای اینکه حسن نوع دوستی خود را نشان دهند. کلاسهای درس میگذارند ولی آموزش تاریخ را ممنوع میکنند. آیا از نمونه قهرمانان ملی میترسند؟ زندانیان باید بیگاری کرده و کارهای اجباری زیر را انجام دهند. استقبال از بازرسید "شخصیت ها" حتی هنگام بیماری. ادای احترام به پرچم سایگون و سایر روز. ادای احترام به افسران عالی رتبه ای که از آنها میگذرند. شرکت در کنفرانس هائی درباره پرتستانیسیم (مذهب اشخاص شرکت کننده هرچه باشد). اعمال شدید مقررات با تهدید به مجازات.

علاوه بر شکجه های ذکر شده گاه اتفاق می افتد که اسرار آمدت یکماه بسیا هچالهای تنگ و کیف میاند ازند و دست و پایشان را باهن می بندند بطوریکه نتوانند راز بکنند حق ملاقات نظافت و حمام رانیز از آنها میگیرند.

دونک نکومین شبکه ای از افراد خبر بر (معمولا از میان زندانیان)

عادی) بوجود آورده است تا در میان زندانیان سیاسی به جاسوسی بپردازند و گزارشات بدست آمده را به کمیته امنیتی بدهند. در ازای این عمل مجازات نشان را تخفیف میدهند. کاپوها به ناچیزترین حرفهائیز با دقت گوش میدهند و به آزار کسانی می پردازند که مورد تنفرشان هستند.

استعمار و سترنج

مرکز تودوک، واجد قسمتی بنام "آموزش حرفه ای" میباشد

در واقع اداره زندان سعی میکند با استثمار خشن و وحشیانه کاکرانیکه از زندانیان تشکیل میشود. بپردازد. بهمین دلیل "مزد ها" بسیار ناچیز است. ه پیاستر برای درختن یک لباس ج ای ۲۰ پیاستر برای درختن یک پشه بند. کلدوز بهایه

اداره زندان داده میشود تا بنمایش گذاشته شده و صادر شوند به ماهرترین آنها این "افتخار" داده میشود که مجانب برای مدبر و یازن رئیس کار کنند .
زندانیان از خانواده های خود پول دریافت نمیکنند و مجبورند کار کنند تا پول جیبی بدست بیاورند . ولی در صورتیکه مریض شوند و غیبت کنند . گزارش داده میشود . اگر سه بار تکرار شود آنها را به اطاقهای انضباطی خواهند فرستاد .

طولانی کردن مدت محکومیت

" اشتباهاتی " که زندانیان مرتکب میشوند بسیار است زیرا مقررات و کاپونیز زیاد هستند . سرپیچی از مقررات " رفتار نادرست " محسوب میگردد . در صورت سرپیچی از مقررات آزادی از زندان به عقب می افتد . زن شصت ساله ای که یکبار یک کیبوتر صلح دست دوزی شده برای خانواده اش فرستاده بود . در پایان مدت محکومیتش . روزیکه قرار بود آزاد شود . متوجه شد که تاریخ پایان محکومیتش ۶ ماه به تأخیر افتاده است . علت . " رفتار نادرست " وی بوده است شخص دیگری که در سال ۱۹۵۹ بیک سال زندان محکوم شده بود تا آوریل ۱۹۷۰ هنوز در زندان بود و بنابه عقیده اداره زندان وی یک شخص " خود سر " بسود اعت . جرم این زن این بود که یکبار بخاطر بهبود رژیم غذایی علیه بیگاریها و درس های اجباری پرستانیسیم دست به بارزه زده بود .

در تود وک . اسرا هیچ گاه در روز پایان محکومیشان آزاد نمیشوند و در بهترین موارد پس از ۶ ماه تأخیر آنها را آزاد میکنند . زنانی از قبیل زنان مسن و ناتوان که توسط ادکاهاتبرئه شده یا اینکه مجازاتشان معلق شده است . هنوز در زندان بسر میبرند .

ما اعلام میداریم که پلیس و دادگاههای صحرانی محاکمه را بعقب میاندازند . از هنگام دستگیری تا هنگام محاکمه ۱۲ ماه طول میکشد و این امر بخاطر این است که زخمهای بهبودی یابند و مبرگونه نشان شکجه پیش از اینکه عدالت این باصطلاح " جمهوری دوم " اجرا شود . از بین برود .

ترونگ تی کیم لین

وتی تونگا

کائوتی ک هونگ

ترونگ هونگ لین

در زندان تان هیپ

بیانات ۹ دانشجوی سایگونی در جلسه زندانیان قدیمی در مدرسه

عالی علوم تربیتی — سایگون ۴۰ ژوئیه ۱۹۷۰

تان هیپ مرکز بازداشت بیگناهان

در اینجا ۱۵۰۰ نفر از قربانیان رژیم که اکثرشان بی گناه هستند نگهداشته شده اند. اینها هقانان فقیر ساده زحمتکش و صبور هستند که کاری جز زحمت کشیدن بر روی قطعه زمین شان ندارند. این اشخاص بنابه اصل "دستگیر کردن یک بیگناه بهتر از گریختن یک مجرم" در جریان یک حمله دسته های آمریکائی توقیف شده اند. این دهقانان سیسه روز سالهاست که حتی بدون غذا که در اردگاه صحرائی که در واقع یک قصابخانه و تجسم مادی دیکتاتوری است. در اسارت بسر می برند. آنها از مناطق دور دست خشک و بایر مرکز ویتنام و یا از دشتهای باطلاقی پست می آیند. آنها پس از تعویض چندین زندان با اینجا منتقل شده اند. تعداد زیادی از آنها بدون اینکه علت دستگیریشان را بدانند سه یا چهار سال در این مرکز بسر برده اند.

انها آنها را این است که اشخاص مظنون بنظر می آیند. اتهامات مسخره و ناچیز دیگری نیز بآنها نسبت میدهند: زندگی در مناطق ناامن. باربری برای ریت کسک پرداخت مالیات به ویت کسک. عضو اتحادیه های دهقانی بودن.

در کنار کمائیکه از نظرقانون و عدالت بکلی بفراموشی سپرده شده اند. تعدادی از اسرا این شانس را داشته اند که بدادگاه احضار شوند. در هر صورت چه تبرئه شوند و چه محکوم باتعلیق مجازات. باز هم سالها در زندان باقی می مانند.

در تان هیپ ۲۷ زندانی هست که در تایلند زندکی میکرده و از آنجا اخراج شده اند. حکومت تایلند به موافقت نامه ای که با جمهوری دموکراتیک ویتنام در حضور صلیب سرخ بین المللی در مورد بازنگرداندن ویتنامیان به ویتنام جنوبی. امضا کرده تجاوز کرده است. برطبق این قرار داد. ویتنامیانی که از ویتنام جنوبی خارج میشوند حق دارند تا پایان جنگ در تایلند زندکی کنند و پس از خاتمه جنگ آزاد خواهند بود که میان جنوب یا شمال یکی را انتخاب کنند. این افراد که مدت دو سال در تایلند با آنها بد رفتاری شده در سال ۱۹۶۸ توسط دستگاههای اداری تایلند به سایگون تحویل داده شده اند.

شرایط زندگی زندانیان

جیره روزانه ۵/۵ پیاستر میارزد (برای د و وعده غذا بدون محاسبه برنج و سوخت) . ولی این غذا پس از اینکه از زیر دست واسطه ها و مدیر زندان رد شد . دیگر همان ارزش را ندارد . در هر وعده د و جور غذا میدهند . يك كاسه آش رقیق که از اندکی سبزی یانکه های بسیار نازک کـــدی ملوئی مقداری زیادی آب جوش و چند تکه ماهی خشک که فقط تیغ هایش باقی مانده . درست شده است این غذا برای ۵ نفر است . و برنج که اغلب ناکافی است . هر سال یاد و سال یکبار زندانیان يك کت سیاه و يك شلوار دریافت میکنند . خوشبختانه در سالنها جمعیت آنقدر زیاد و هوا آنقدر گرم است که کمبود لباس احساس نمیشود . در واقع يك سالن تنگ و کوچک بیش از ۲۰۰ نفر را در خود جا میدهند . مردم رویهم انبار میشوند و تمام شب يك پهلوی می خوابند . جاکم است و مردم حتی بدون پتو . پشه بند . بالش . برک سیمانی اطاق روی يك تکه حصیر پاره می خوابند . محروم کردن اشخاص از بسیاری چیزها . شکجه هنگام بازجویی . اقدامات انضباطی بسیار سخت سبب شده که زندانیان بامراض سختی دچار شوند . همه اسرار مریض هستند و برای معالجه این هزار و پانصد مریض فقط يك سرپرستار بد خلق و متکبر وجود دارد که بعنوان مختلف بیماران را اذیت میکند . حتی کسانی که بشدت مریض هستند فقط قرصهای آپ س (۶) یا آسپیرین دریافت میکنند . تنها چند نفر یارتی دار میتوانند از آمپول یا سایر داروها استفاده کنند . چندین بار درخواست کردیم که داور و تخت بیشتری به مریض ها بدهند . آنها با جواب می دادند ، — مادر اینجا فقط از روشهای روستائی استفاده میکنیم . هر بار که میخواهیم — معاینه برویم باید به پرستار دست سلام کنیم و عبارات مناسب بکار ببریم . اگر حال شخص خیلی بد نباشد نه تنهادر دریافت نمی کند . بلکه تنبیه نیز خواهد شد . بسیاری از بیماران باید بانتظار مرگ بنشینند مثل آقای هود ونگ اهل کوانگ تین — که در مارس ۱۹۶۸ در سالن س وفات یافت .

شرایط زندگی روحی نیز بسیار بد است . در اینجا از همه وسایل استفاده میکنند تا زندانی را بتدریج بکشند و قدرت خلاقه و اندیشه اش را نابود سازند .

تشکیل کلاسهای شبانه بیشتر بخاطر محدود کردن تماس میان زندانیان است تا بالا بردن سطح معلوماتشان تنها تعداد کمی از زندانیان اجازه درس خواندن دارند. تاریخ و جغرافیا در برنامه درسی نیست و کسانی که در این باره صحبت کنند تنبیه شده به سالن امنیت فرستاده میشوند. اسرافقط القباو نوشتن پیام میگیرند. مخارج شخصی به حد اقل کاهش می یابد. مدیریت زندان تمام پول زندانی را گرفته و فقط هفته ای ۵۰ پیاستر باو میدهد و تازه برای بدست آوردن همین مبلغ باید تشریفات بسیاری بجا آورد.

اشکال است شمار

مدیریت زندان امیران راهبشکال گوناگون استثمار میکند
چند نمونه اش را در اینجا ذکر میکنیم :

کارگاه تعلیم حرفه . اساس براین است که بزرگانی حرفه ای بیاموزند . ولی در واقع این نوعی تعلیمات برای گول زدن بازپرد کنندگان است . هدف آنها بیشتر این است که زندگی را بکار اجباری واداشته . استعمارش کنند . تنها کسانی به کارگاههای خیاضی . حصار بافی . آجر سازی . نجاری . حلای سازی و غیره راه می یابند که مهارت زیاد در این حرفه داشته باشند . بقیه منجمه پیران و بیماران بکارهای سخت تر مثل حمل آجر و ماسه و غیره مشغولند . مریض برای داشتن اجازه استراحت باید تقاضایش را یکروز قبل بداره زندان بدهد . ولی چگونه میتوان بیماری را پیش بینی کرد . بنوعی که اگر کسی ناگهان مریض شود باید بدون هیچ گونه اعتراض بسرکار رود . هرگونه شکایتی بمثابة علامت یاغیگری است و شخص بلافاصله بمالین امنیت فرستاده خواهد شد .

زندانی باید در روز ۸ ساعت بی وقفه کار کند تا ۵۰ - ۱۰۰ پیاستر در ماه بدست آورد (بمیزان پولی که برای کوتاهترین راه به تاکسی داده میشود) . معذالک بنابه مقررات زندانی باید ۴۰٪ از محصول کارش را دریافت نماید . اگر کسی جرأت کرده علت پائین بودن دستمزدش را بپرسد . با و هزار و یک نوع جواب از این قبیله خواهند داد .

متوسط بودن بار آوری کار ، کمبود ماشین خراب شدن ماشین و غیره . زند انسی
بمحض ورود باید همه پولش را به مدیریت زندان داده ، در مقابل رسید دریافت
کند . مدیر کارگاه از این پول بحساب خود استفاده میکند . شکی دیگر استثمار این
است که زندانی را مال میابد و نفعی که نگاه میدارد . زیر

در سرجه بیشتر در کارگاه بماند به حرفه اش بیشتر وارد شده ، کارش بسیار به
 بیشتری خواهد داشت . تنها کسانی که غفلت نگهبانی یا کاپو شدن را بپذیرند
 میتوانند امیدوار باشند که آزاد خواهند شد . در اینجامعیار رفتار صحیح ، پائین
 انداختن سر و کلاه به کاپوهای نسبت که در خدمت مدبر کارگاه اند . برای مدبر
 کارگاه اجرای مجازات تعیین شده بوسیله درگاهها نسبت به زندانی دلیل جدیت
 و دارای شانس ارتقاء درجه و پاداش است .

اقدامات انضباطی

زندانی چنانچه آگاهانه یا خود آگاه مرتکب اشتباه بزرگ یا
 کوچک شود ، تنبیه میگردد . در وهله اول شوک الکتریکی به اعضای فوقانی و
 تحتانی بدن وارد میکنند . روزهای متوالی دستها را پشت سر بسته . صاعقه ها و
 رآئیزان فکاه میدارند . این دوسوع شکجه شخص را فلج میکند . زندانی در
 صورت افتادن به سیاه چال فقط یک طرف پرنج و قدری نمک دریافت میکند . پیش
 از هر وعده غذا ، نگهبانان به همراه کاپوها ، دستبند های شخص را باز کرده ،
 به شدت او را میزنند . زندانی بیش از یکبار در ماه اجازه حمام نداشته و در همان
 محل رفع حاجت میکند . در ماه مه سال ۱۹۶۹ بدستور نگین وان ته
 رئیس امنیت ، نگهبانان و کاپوها نگین وان هه اهل کون هوا آلاک
 ناحیه هواوانگ ایالت کوانگ نام را بحد مرگ زدند . همان
 شب دوزندانی بنامهای توان کاک فی اهل نام دیسن و
 کائو وان باک اهل کوشی بقصد اعتراض علیه این وحشیگری با یک
 تیغ مخصوص شکستن آمبول ، شکم خود را دریدند .

در اکتبر سال ۱۹۶۹ همان سال نگین وان هه و افسر جزئی
 بنام کاس رئیس بخش اچ فام وان نکسی سی و شش
 ساله اهل کد و ک هـ و آتقد در کک زدند
 تاسمرد .

سرپرستار دوان فونگ به اهدستی لودوک نوی
 پزشک ارتشی قسمت سوم ارتش شهادت میدهند که این اشخاص قربانی ناراحتی های
 قلبی شده اند و سپس آنها را مخفیانه دفن میکنند .

در پایان سال ۱۹۶۹ صد زندانی در زندان کن سن که بفلج و بیماری
سلریدی دچار شده بودند به قصد معالجه به تان هیپ منتقل شدند پس
از يك اقامت کوتاه دوباره به کن سن برگردانده شدند . مدیریت زندان به
همکاری نیروهای امنیت چون پیش‌بینی میکرد آنها دست با اعتراض بزنند . روی
آنها گرد آهک و نارنجکهای مهسوع افکند . سپس بدنه‌های بیجانشان را در کامیون
انداختند .

شب هنگام از بخش انتظامی صدای ناله و درد بلند میشود . زندانیان هنگامیکه
جابه‌جا میشوند . صدای زنجیرهای دست و پایشان بلند شده موجب آندوه و نفرت
میکرد . زندانیان محکوم به مرگ تد رنجی بوده . از درد گرسنگی و سرما
می‌میرند .

اداره زندان هر گونه باز دیدی را ممنوع کرده است و هنگامیکه بر حسب اتفاق
اجازه میدهند يك هیئت خیره از آنجا بازدید کند مدیر باتفاق افسران
يك صحنه نمایشی بوجود می‌آورند . در نوامبر سال ۱۹۶۹ در جریان باز دید
يك هیئت نمایندگی صلیب سرخ از زندان يك زندانی بشرح بد رفتار بهادر اخت
پس از خروج هیئت صلیب سرخ وی را تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دادند .

سایگون ۱ ژوئیه ۱۹۷۰

ترونگ وان کوك

ترین دین بان

ترین هوانگ سن

تران وان شی

ها توك توات

لام با فات

دو هوکان

نگون دانگ لین

فام هوا کوانگ.

در زندان کی د و آ

گزارش پیک زندانی از خط سرجسته ۱۹۷۱

د کتر تران ترونک شو پس از آنکه از زندان بیرون آمد به سه ناطق آزاد شده رفته در آنجا بد رفتاری با اسیران میهن پرست طرفداران بلخ روشنفکران توسط تیو و آمریکائی هارا افشا میکند .

... در اداره دوم مرکز تل بلخ س بطرز وحشیانه ای شکنجه شدم . ستوان دوم د به تمام بدنم جریان برق وصل کرد و بند بین بار بحال افشاء افتادم . مراد رسپاه چال تاریکی به وسعت کمتر از ۳ متر ربع انداختند . در آنجا هم غذا میخوردیم و هم رفع حاجت میکردیم . وقتی بهاران بدیدم یارید آب زهادی وارد سیاه چال شده . مدفوع هاروی آب میآمد . در این موقع میبایست پشت بد یوار بایستم بدون اینکه بتوانم بنشینم و یا برای خوابیدن راز بکشم .

سپس به کن داتو منتقل شدم . هنوز در باند فرودگاه زندان بودیم که یک پلیس نظامی بالباس سبز و کلاه فولادی با تفنگ شدت سرو صورتم را مضروب ساخته به بخش انفرادی ب آ مرابرد . در اینجا سرجوخه هاتین و دیم بد ستورستان بین مجبورم کردند جلوشان بایستم و سپس شدت ککم زدند و تمام روز در یک حیاط زیر آفتاب روی ماسه های سوزان از پشت مرأ خوابانده . در مدت ماهی که در قسمت افسران و روشنفکران زندانی قرار داشتم غذایم عبارت بود از برنج و مقدار ناچیزی ماهی و گویم همیشه از شدت عطش میسوخت . برای نستن صورت و دهان نیز بمن آب نمیدادند و به بطریق اولی آب برای حمام و لباس نستن نیز نداشتیم . بسوی مهبوسی سلول را فرامیگرفت ماهمکی د چار بیماری پوستی شده بودیم .

با وجود بیماری هیچ داروشی دریافت نمیکردیم . سرجوخه باکسانیکه وضعشان بسیار وخیم بود و میخواستند به نزد پزشک بروند آنقدر بد رفتاری میکرد که بحال افشاء میافتادند . شب هنگام شکنجه گران مارا از سلول بیرون آوردند ککشان میزدند . اعصابمان همیشه بسیار خراب بود . وحشیانه تر اینکه در روز ۲۰ د سا مهر (سالروز تأسیس جبهه آزادی بخش ملی (ف ن ل)) شکنجه گران کی داتو در آب آشامیدنی میکسرب ریختند . بیش از هزار زندانی من الجمله من د چار معده

درد و استفراغ شدیدی شدیم . من که عالم خیلی بد بود به مریضخانه ای که توسط تان اداره میشد فرستاده شدم . مدت یک هفته بود که چیزی نخورده بودم . معذک فرماده کسی و سرهنگ دوم هین شیب و روز بجز مواقع تزریق آمپول بازوهایم را با زنجیر به لبه تخت می بستند . در اینجا با چشمان خود بسیاری از زندانیان رانده بر روی تخت دیدم . در حالیکه هنوز پاهایشان با زنجیر به لبه تخت بسته شده بود . بدتر اینکه در آوریل ۱۹۶۹ سرهنگ دوم فوک و فرمانده کسی افسران زندانی را مجبور کردند که نرده های خاردار را سر جاییشان بگذارند . چون با مخالفت ماموای گشتند . با واکنش های ضد و ساز و ماسخ تیغی و زده در قفسهای سیم خاردار انداخته . تمام روز زیر آفتاب بدون هیچ غذائی بسر بردیم . بسیاری از مباحثات افتادند . من که خود پزشک بودم در بزرگترین این رفتارهای وحشیانه ای که در زندان کی داتو بامپین پرستان طرفداران صلح . منجمه روشنفکران میشد . بخشش میامدم .

علاوه بر شکنجه و کشتار زندانیان که همه شاهد آن هستند وضع غذائی معالجات طبسی . تاریکی سلسولها همه نشانه این است که برای کشتن تدریجی و درد آور زندانیان و نیز برای اینکه سهولت اراده و روحیه آنها را در هم بشکنند . محاسبه های خائنانه و طعنی شده است . هر کسی میداند که هر فردی در روز برای ادامه حیات حداقل به ۱۴۰۰ الی ۱۶۰۰ کالری احتیاج دارد . البته بجز مواردیکه شخص کار میکند . در حالیکه وضع غذائی زندانیهای آمریکا - تیو . از برنج و مقدار کمی ماهی تشکیل شده و هیچ گاه آن اندازه کالری و تقریباً ویتامینهای اساسی ب و وٹ راندند . چنین رژیم غذایی که بآن باید جای مرطوب و سرد از میکروب کمبود روشنائی طبیعی را نیز افزود ثابت میکند که آمریکائیها - تیو سعی دارند که زندانیان ضعیف المزاج را بسوی مرگ بفرستند .

بیش از ۳ هزار قبر در گورستان زندان کی داتو وجود دارد که شاهد رژیم زندانیهای غیر انسانی آمریکائیها - تیو میباشد . این رژیم است که در آن علم جدید آدم کسی آمریکایی را در وحشیانه قرون وسطائی توسط افراد کمکی آمریکائی نکوین وان تیو . و آلت دست هایشان بکار برده میشود .

دکتر تران ترونک شو

شهادت اسقف آمریکائی

توماس ج کمبلتن

بی شک میتوانم اعلام کنم که در زندانیهای سایگون و زندانیهای ایسالات
زندانیان سیاسی وجود دارند (تکیه از ناشران است) . آنها با خطر مخالفتشان
بارن هم کوشی و نه به لحاظ ارتکاب جنایت به زندان انداخته شده اند . دلایل
هم واضح است . او هم چنین اعلام میدهد که بازندان این رفتار غیر انسانی دارند
و تشکیبها طولانی است . من این اظهارات را از روی سهل انگاری و مسامحه
نفسی کنم .

هیچگاه ملاقاتم را با چند جوان که تازه آزاد شده بودند فراموش نخواهم
کرد . . .

آنها بر طبق قانون " اطفال در نظم عمومی " بزندان افکنده شده اند و این
معنی اش این است که رئیس جمهوری هرکار که مایلست انجام میدهد .

. . . اشخاصی وجود داشتند که وضعیتشان بسیار وخیم و فراموش نشدنی و
بدون هیچ پشتیبانی بودند . در روستای دوک هورا واقع در ۳۰ مایلی سایگون
به چهار زندانی سیاسی که تازه آزاد شده بودند برخورد کردیم . هیچ کدامشان
نمیتوانستند راه بروند . یکی از آنها ۶ سال در یک قفس بزرگتر بود . همه آنها به علت ضربات وارد
جراحات داخلی داشتند . . .

فردای امروز از منازل بازید کردم که در آنها زنان مادران پدران
خواهران و برادران بخاطر داشتن عزیزانی در زندان بسیار اندوهگین بوده و
منتظر بازگشتشان بودند . در اولین منزل والدین ه تن از رهبران جوانان کارگر
مسیحی زندگی میکردند . آنها یک سال پیش یعنی در شب ۳۰ آوریل اول ۱۹۷۲
زندانی شده بودند . آنها هرگز محاکمه نشده . و مرتکب هیچ جنایتی نیز
نگردیده بودند . تنها " جنایت " آنها شرکت در جنبش برای صلح و مخالفت با
سیاست یاقی گرانه حکومت بوده است . . .

بخصوص در مورد زنیکه مدت ۷ ماه در زندان بسر برده . شکنجه شده و
۱- توماس ج کمبلتن اسقف کلیسای شهر یتریت در ایام هفته عید پاک ۷۲

سپس آزاد گشته بود . بسیار متأثر عدم . او از ترس جرأت نمی‌کرد اسم خود را بگوید . پسر عموش هنوز در زندان بود وزن هیچ خبری از او نداشت . زن به چه هایش هنگام بیماران گشته شده و این زن تنها فامیل او بود . وی بخاطر فعالیتها ضد حکومتی به بیست سال زندان محکوم شده بود . ه سالش را در زندان کن سبز بسر برده بود . در آخرین نامه اش گفته بود که جیره غذائی بسیار کم است . زن میترسید که او از شدت گرسنگی بمیرد .

... طبیعتا شهادت همه این گمشان . زندانیان و خانواده هایشان ساز مغایر اظهارات تیمور مسافرت اخیرش بخارجه است . در رم بملاقات پاپ پل ششم رفت . سپس بخبرنگاران اظهار کرد که رهبر کلیسای کاتولیک گفته است که در ویتنام هیچ زندانی سیاسی وجود ندارد . او در چندین فرصت دیگر همین اظهارات را تکرار کرده است .

ولی من استادی را در دست والدین جوانان کارگر مسیحی دیدم که رسماً اظهار شده بود که فرزند ایشان جز زندانیان سیاسی به شمار میروند . (تکیه از ناشر است) . اینها اجازه ملاقاتهایی بود که برای دیدن فرزند ان زندانی بآنها داده بودند .

در مورد نحوه رفتار بازندان سیاسی شهادت های دیگری از شخصیت ها و سازمانهای ویتنام جنوبی اندکی قبل یاسین از . از سر گرفتن مذاکرات بچاپ رسیده اند که بالاخره منجر به امضای قرار داد پاریس شد .

"املا میوه ۱۲ کمیته"

"سایکون . ۴ ژوئیه ۱۹۷۲"

ماکیشان امضا کنند . اطلاعیه زیر کاملاً آگاهیم که .

۱- مدت مدیدی است که مسئولان حکومتی در ریاست ایالات . سیاست ترور را بکار میبرند . توقیف و حبس بدون علت . پیرو در جریان دوماه اخیر آنها را و خامت اوضاع برای تشدید این سیاست استفاده کرده اند .

الف- دستگیریهاتقریباً بصورت آدم رسانی در آمده است و بندرت با اراض اجازه توقیف صورت میگیرند . کسی از محل زندان افراد با خبر نیست . بسیاری از ویتنام جنوبی بسربرد مایست . مقاله اش بنام زندانیان سیاسی در سیاهچا در روزنامه نشنال کاتولیک رپرتور ۱۱ مه ۷۳ بچاپ رسیده است .

زندانیان محاکمه نشده و برای مدت نامعلوم در زندان بسر میبرند .

ب - در سرتاسر ویتنام جنوبی من جمله در جزیره کن سن همه جور زندانی وجود دارد . زن حامله جوان پیر بیمار علیل .

ج - در یوان عالی واقع است که سرویسهای حکومتی از شکبه امتفاده مینمایند با وجود این حکومت نه تنها روش خود را تغییر نداده بلکه اخیراً بازداشت خاکردان مد ارس متوسطه و دانشجویان . این سیاست را تشدید نیز کرده است .

۲ - سیاست ذکر شده نه تنها در تضاد آشکار با قانون اساسی است بلکه با اصول ابتدائی حقوق بشر و روح انجیل اعلام شده برپایه دین جمع عمومی و اتیکان در کتاب " قواعد مذهبی کلیسا در عصر جدید " پاراگراف ۲۷ و ۲۸ . مغایر است .

۳ - در هر شرایطی حتی در حالت حکومت نظامی . باید شرایط سختی مشکل همه حقوق زن و مرد باید رعایت شود .

چون افکار عمومی داخلی ویتنام بخاطر سیاست ذکر شده مجبور به سکوت است . ما با صدهای بلند این روش را ازشا میگیریم تا افکار عمومی بویژه وجدان سیدیهاس را از آن آگاه سازیم .

این سیاستی که در ویتنام جنوبی و بسیاری از کشورهای دیگر متحد آمریکایی اعمال میشود بیش از هر وقت دیگر ثابت میکند که اصطلاح " جهان آزاد " دروغی است که امپریالیسم آمریکا و کشورهای دست نشاندۀ اش اختراع کرده اند .

امضا شده توسط . شان تین ترونک پاکن بوئی تونگ جیاسو

ووکسون هیو نگون وست که نگون نگون

لان نگون هوی لین توان ته لوان نگون

نکی هون کونگ مین نگون وان قام فان کان

تو

امریکن رپر ۶ نوامبر ۱۹۷۲

رژیم زندانبانان در ویتنام جنوسی
 شهادت قاضی تران توك لين (سایگون)
 منتشره در مجله "جنبش مسیحی صلح" در آلتاز
 سال ۱۹۷۳

این رژیم غیر قانونی است زیرا قانون اساسی خاطر نشان میکند که "هیچ کس نمیتواند بدون یک اجازه" قانونی از یک سازمان صلاحیت دار بازداشت یا زندانی شود. متهم تا وقتی که دادگاه وی را محکوم نکند، بپناه شناخته میشود... شخص باید در جلسه علنی و در کمترین مدت محاکمه شود... "معدنك بموجب اسناد دولتی از میان ۸۷۱ ۳۷ نفریکه مجبور به "تجدید آموزش" شده اند، بهیض از ۱۷٪ از زندانیان عادی و ۱۵٪ از زندانیان نظامی بموجب قرار توقیف، بازداشت شده اند. حتی "در مسرکز تجدید آموزش" سایگون در نوامبر و دسامبر ۱۹۶۹ از بین ۶۸۷ ۴ یا ۳۷۶ ۵ زندانی فقط ۱۳ تا ۱۸ نفرشان بماند ستور وزیر کشور زندانی شده اند.

تران نگوك شو نماینده خلق هنوز در زندان است. باوجود اینکه دادگاه عالی قضائی حکم محکومیت به ده سال کار اجباری تران نگوك شو نماینده مردم را که در ۵ مارس ۱۹۷۰ دستگیر شده است لغو کرده، مغلنك وی هنوز در زندان بسر میبرد. این دلیل است آشکار بر خصلت غیر قانونی رژیم جزائی کونسی. نمونه مذکور نمونه ایست کامل... معلوم نیست چند نفر دیگر بدون بازجوئی دستگیر شده و اکنون در زندانهای پراکنده ویتنام جنوسی، در مراکز تجدید آموزش، سایگون، در "قسمهای بسر" در سلولهای کلاتریمهای ایالتها، شهرستانها و بخشهای دور افتاده، پلیس از شدت ناتوانی و درد در حال از بین رفتن هستند.

رژیم غیر قانونی است زیرا حتی در محافل قضائی که در آنجا مسئولان کوشش دارند قانون را رعایت کنند، دستگیرهای غیر قانونی بسیار فراوان است.

سه چهارم از بازجوئی ها و پرونده های ساخته شده بوسیله پلیس بعزت ققدان مدارک باطل شده اند. زیرا هیچ قانونی به مأموران پلیس و سایر مأموران نیروی انتظامی اجازه ورود بمناسبت خصوصی افراد برای جمع کردن اسباب و لوازم

خانه و . دستگیری ساکنان و عکس برداری رانمیدهد .

غیر قانونی بودن رژیم در شکجه و بد رفتاری با هم میهنان که بد بختانه
بر زندان افتاده اند . تظاهرو پیدا میکند .

این رژیم جزائی غیر انسانی است زیرا بموجب بند چهارم ماده ۷ قانون
اساسی : " هیچکس نباید شکجه . تهدید یا مجبور با قسار گردد . " حکم ۱۹۲۰
آوریل ۱۹۲۰ در ادگاه عالی بر پایه تنهاده ارکی که زیر شکجه . تهدید . اجبر
بدست آمده اند تعقیب رانشجویان راجاز گردانده است . با چشمان خود دید هام
که ساز پرسزند انیان راروی نیمکی بزور خوابانده در دهان و بینی شان آنتسدر
آب صابون . آب فاضل آب و آب مستراح میریخت که شکشان بامیکرد . زندانیانی
رادیده ام که درستان را از پشت بسته . باطنابهای قلاب داری از سقف آویزان
کرده بودند . نام این عمل " آزمایش هواپیما " است . هم چنین اشخاص رنگ و
روباخته . نزار و سرا پا خونینی رادیده ام که زیر بغل افرادی بانوان تر و خون
آلود تر از خود را گرفته از اطاق بازجوئی به سلول یاد ادگاه میرفته اند . در این
بازداشتگاه ها اشیا " مسکن " سنجاق ته گرد چوب بریای نگاه داشتن کفند
و سیم " تریکی يك اجاق برقی . شبکه " آب برای حمام . هنگام شب به ابزارهای
شکجه تبدیل میشوند . سنجاق رازیر ناخن زندانیها فرو میکند . بامیله چوبی
مرو گردن زندانی رابه پادکک میگیرند . سیم الکتریکی رابه گوشها . پستانها .
آلات تناسلی وصل میکند . مجازات باشبکه " آب از همه شکجه هابدها بدتر است . بظا
هر هیچ دردی ندارد ولی موجب شدیدترین درد ها میگردد . مجرم را در آب
انداخته حاوی تنغمش رامیگیرند . بطوریکه مدام دست و پامیزند و این از همه
پرسرو صدا اثر میباشدهی را در بشکه " محبوس کرده . منظمابر بدنه آن میکوبند
بطوریکه شخص احساس میکند مغزش در حال ترکیدن است . مسئولان بازجوئی
و مأمورین انتظامی چنین حوصله ای ندارند . آنها صحنه های خشن یاروشائسی را
درست دارند که فرصت ورق بازی یامیگساری برایشان باقی بگذارد . آنها حیلای
اختراع کرده اند . باین معنی که مجرم رامجبور میکنند صاف در بشکه " ایستاده .
ساعتها آب قطره قطره بر سرش بریزد . اگر شخص دیوانه نگردد . حتا این احساس
باو دست میدهد که سرش خواهد ترکید . برای دد ستانی که سرسری این ساز
داشتگاهها را بازرسی کند همه چیز قانونی بنظر میآید . آب تمیز برای استحمام

زندانیان . اجاق برقی برای گرم کردن . با وجود این من آهنکه
مرکبار قطره های آبی را که از سقف میریزت . ریاد های خفقان آلود . ضربت
بی صدا . صدائیکه شبیه انعکاس انفجار ، در در و در ست بود ولی مربوط به افسان
اجساد بر کف سیمانی اطاق میشد رانه . . . م . . .

رژیم غیر انسانی است زیرا با چشمان خود دیده ام در سالنهایی که اختصاص
به صد نفر داشت . ۶۰۰ نفر را جاده اند . حایلها با یکدیگر کافی نیستند بایستد
چند طبقه رویهم درست کنند . تعداد زیادی از زندانیان روی زمین روی طاقچه
های نزدیک سقف که سیم آهنی خاردار و سیم برقی از آن رو میشود . رویهم انباشت
شده اند . مستراحها بسیار بیشتر از ظرفیتشان مورد استفاده قرار میگیرند و
به همین دلیل مسدود شده اند . در این فضای متعفن طاعونزندانان بهمرحمت
میخواهند . به محض اینکه چرتشان میگیرد از شدت پشه گرم ساس فریاد
کشمکش . مشاجره بر سر رفتن مستراح از خواب می پرند . سالن ۶۰۰ نفری همیشه
از یک مستراح ته دارد . اگر هرکسی فقط ۳ دقیقه در آن بماند . مجموعاً ۳ ساعت
وقت لازم است در حالیکه شبانروز بیست و چهار ساعت بیشتر نیست . برای نوبت
گرفتن باید شب رانیز بیدار ماند . فقط مجبور کردن مردم بازندگی در چنین شرایطی
غیر انسانی است . چه رسد به ایجاد کمیته های نظامی و بکار بردن " ماهرانه ترین"
شکجه ها . علاوه بر همه اینها روز بروز بیشتر از قفس های بهر بعنوان سلول استفاده
گردد و وحشیانه ترین شکجه ها را بکار برد و از جیره غذایی میکاهند . این افراد
برای هم میهنانشان از گرگ هم بدترند .

... هر چند رقم صحیح زندانیان در دست نیست ولی قاعدتاً باید در ماه
۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر روانه زندان شوند . طی بیست سال اخیر ۱ میلیون نفر با این
رژیم زندانباسرو کار پیدا کرده اند . هر کس دارای زن . شوهر . والدین . بچه
و خلاصه بطور متوسط دارای ۱ نفر نزدیک است . پس در مجموع ۱ میلیون نفر
کینه تسکین ناپذیری نسبت باین رژیم کفری دارند .

نامنامه هون تان مام

به کنگره بین المللی مسیحیان در سواره هند و چین که
در اکبر سال ۱۰۹۷۴ در کبک (کانادا) برگزار شده است.

زندان شی هوا ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۴

... وجه دیگری در سرکوبی و دستگیری دسته جمعی مخالفین روشنفکران
و دانشجویان و شاگردان مدارس میباشد. هزاران نفر از افراد ساده منجمه زنان
کودکان پسران بدون هیچ محاکمه در زندان کن سن و جزایر
رکزی ویتنام که هیچ رابطه ای با خارج ندارند. محبوس شده اند. با مخالفین
حکومت بیشتر بد رفتاری میگرد. در میان روشنفکران این افراد دیده میشوند
مهمترین دین دوز که شغلش وکالت بوده و با اینکه محکومیت ۵ ساله اش
بپایان رسیده. هنوز در زندان بسر میبرد. و کلا نگویند لئونگ
و خانم نگویند تان نمایندگ و کونگ شو استاد تران
توان نام مدتها بدون محاکمه در زندان بسر برده اند. هزاران
زندانیان سیاسی که محکومیتشان بپایان رسیده هنوز آزاد نشده اند. ۱۵۳ -
و دانشجوی شاگرد مدرسه که تقریباً همگی نمایند جوانان مدارس بودند. در سایگون
دستگیر شده اند.

اکثر آنها بدون محاکمه زندانی و بمثابة عناصر خطرناک برای حکومت تپو
ملاحظه میگردند. در شهرهای هوئه کیان تو دانانگ
صد هانفر دیگر بر طبق قانونی که اخیراً تصویب شده است بازداشت شده اند.

افشای شدیدی شکجه هاد رسال ۱۹۷۰ موجب شد که از شدت آنها اندکی
کاسته شود ولی هنوز از بین نرفته اند. در عوض همه دانشجویان و شاگردان
مدارس و روهله اول دختران و پسران جوان پس از دستگیری متحمل سخت ترین
شکجه ها شده اند. با خواندن روزنامه هائی که اخیراً منتشر شده میتوانید ایده
صحیحی از این شکجه ها بدست آورید. مسئولان زندانها به زندگی و سلامت
اسرا بسیار بی توجه هستند و جیره غذائی هر زندانی در روز بهرست به ۴۰
پیاستر میارزد (۱ پیاستر ۱۰۰۰ گرم از بدترین نوع برنج) که به خوکها
میدهند (۱۰۰ گرم سبزی و ماهی فاسد. بدون گوشت و چربی. در پیاستی

که کارکنان زندان مرتکب میشوند و راجعاً یادآورده ایم . بازندان باخشنودت رفتار میکردند . شماحتفاد استانبول ؛ دل داستان قفس های ببر در کن سن راننده اید .

امضاء هون تنان مام

رئیس اتحادیه ملی دانشجویان

شهادت نگون لگونگ وکیل دادگستری
خلاصه نامه ای که در ۲۸ دسامبر ۱۹۷۲ از زندان برای پدرشان تین کشیش مسیحی در ویتنام جنوبی فرستاده شده است .

زندانیان سیاسی مرتباً در شی هوآ می میرند . مرگشان مانند زندانیان زندان کن سن بر اثر شکنجه های پی در پی یا مانند زندان فوکوک بر اثر پرتاب خمپاره نیست . بلکه بخاطر شرایطی است مشابه شرایط ۸ زندانی که پس از سالهای طولانی امارت در قفس های ببر در کن سن شکنجه های پی در پی ، کمبود وسائل معاش ، دارو و فقدان معالجه به فلج پاها ، سلس ضعف عمومی ، بحران روحی دچار شده و هنوز در سلول ۳-۵۶ باقی هستند . مرگ تدریجی نتیجه سیاستی است که هدفش نابودی روحی و جسمی زندانیان سیاسی بطریق مطمئن است .

از ۱۵ نوامبر باینطرف مدیر جدید زندان شی هوآ سرهنگی است بنام نگون وان و که نامش قفس های ببر را بنیاد می آورد و توسط مطبوعات جهان افشا شده است . اولین کارش پس از ورود به شی هوآ در ده دسامبر حذف کردن روزانه در حیاط و ملاقات های هفتگی بستگان است که تا کنون بنا بر مقررات مجاز شمرده میشوند . ۲۶ دانشجوی زندانی در ان ای ای . اب ۴۰ اب ۱ من جمله نگون تنان مام رئیس اتحادیه ملی دانشجویان دست به اعتصاب غذا زده اند . از وضع ۲۲ دانشجوی دیگر نیز پیخبریم .

جیره غذائی ۸۹۹۵ نفر زندانی سیاسی در کن سن از ۶۰۰ گرم (چند ماه پیش) به ۴۵۰ گرم تقلیل یافته است . نمک مثل همیشه ناکافی است . در این چند ماه اخیر سبزی ، گوشت و حتی ماهی فاسد نیز نداده اند .

علاوه بر افتخاری های بین المللی . قفس های بزرگ و کلمتری در اردوگاه شماره ۸ - ته شده و ۳۰۰ الی ۴۰۰ زندانی در خود جامیدند . تکاملشان در متاکه . کم ارتفاعتر و کم هوا تر بوده و در تاریکی کامل فرو رفته اند .

موارد بسیاری ، برای از بین بردن زندانیان وجود دارد . ۱۵ مه ۱۹۷۱ - انبار در بنام مسواک بدستور میزدید بطری و باطوم در اختیار صدها شکنجه گردان داشت . ۵۰ زندانی سیاسی به شدت مجروح شدند (۲۷ مورد شکستگی استخوان من جمله شکستگی استخوان جمجمه) . در بهداری اردوگاه از آنها شکستباری شده است .

در سپتامبر ۱۹۷۱ در جریان یک حمله به اردوگاه شماره ۶ و زندانیانی سیاسی توسط یک کمک شکنجه گر باطوم به شدت کتک خوردند . یکی از آنها بنام فسام کان مرد . در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۲ زندانیان اطاق ۱۱ اردوگاه شماره ۶ بنسبیت انتقالشان بار و گاه شماره ۵ ببار کتک گرفته شده و نفرشان به شدت مجروح گشته اند .

در اوت ۱۹۷۲ در انشجوی بنام نگون ریت هونگ برادر دیگر تربیت که خودش در زندان کن سن بسر میبرد و ۲۶ زندانی دیگر قفس های گاو مردند . نام قاتلان آنها از این قرار است . توفوک و پادانگ از گروه " متخصصان " .

در ۲ سپتامبر ۱۹۷۲ در اردوگاه شماره ۶ (که متعلق به کسانی است که مجازاتشان تمام شده . ولی آزاد نشده اند) یک زندانی در اثر بیماری صبری مرد . سایر زندانیان سیاسی جسدش را نگاه داشته در خواست آزادی خود غذا و آوری بهتری را نمودند . سپس به اعتصاب غذا دست زدند . ۱۶ روز بعد ۵۰۰ نفرشان که بحال لغما افتاده بودند به سلولهای دیگر منتقل شدند . بسیاری از آنها " ناپدید شدند " .

در ۲ ژوئن ۱۹۷۲ بیش از هزار نفر از زندانیان زندانیان تان هیب ، تودوک شی هیا ' که پیش از ۵۰۰ نفرشان زن بودند به زندان کن سن تبعید شدند و باطوم و نارنجک های اشک آور از آنها پذیرائی شد . سرنوشت ۳۰ نفر از آنها که اکنون در اردوگاه شماره ۷ کن سن زندانی بوده و به بیماری اسهال

دچار شده اند چه خواهد شد . این مطلب توسط هونگوك نـسـوان افشا شده است .

د رفهرست اشخاص غایب نام نگون د و نـگـك هـا بـسـرادر جوان خانم نـگـون تـی بـیـسن وزیر امور خارجه حكومت انقلاب موقت چشم میخورد . پس از اینکه محكومیت سه ساله او بپایان رسید (آنها بخاطر يك اتهام بی اساس) او قبول نکرد اسنادی را كه تهمت و افترا به خواهرش بود و لـسـی موجب " سـهـولـت آزادیش " میـشـد امـضـا كـند . او به كن سن تبعید شد و اسمش د رفهرست اشخاص غایب جا گرفت . زنش كه حامله بود نیز دستگیر به سه سال زندان در تودك محكوم شد . او در زندان وضع حمل كرده است .

... پلیس های نظامی لقلب گوش و انگشت زندانیان را با جاقوی خاصی می برند مابا چشمان خود بسیاری از این موارد را دیده ایم .

در سال ۱۹۷۱ - ۱۴۷ زندانی در جریان ۱۳ بار سرکوبی اردوگاه فودوك كشته شده اند .

۱۲۵ زندانی بعـلـت قـتـل ان معالجات طبـی بـیـن اول ژانویه ۱۹۷۱ و مـه ۱۹۷۲ مرده اند . بخاطر قتل ان معالجات بطور کلی تران وان تـرـونـگ در ژوئیه ۱۹۷۱ نـگـون وان كن و نـگـون وان كـسـوان در مارس ۱۹۷۲ در قسمت ۳ د و نـگـك وان جـیا در قسمت ۲ در مه ۱۹۷۲ در گذشته اند . در ۱۳ مه ۱۹۷۲ لـسـی هـونـگ سـن پس از اینکه ستوان كاش معاون قسمت ۴ ۱۳ میخ در سر . پشت ششیمن گاه . دست . پا . شانه ها و شقیقه وی فـسـر و كـرد . در گذشت .

در ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۱ دستورات ویژه فرمانده اردوگاه به پلیس نظامی اجازه داده است كه بدون اطلاع قبلی بر روی زندانیان شلیك كند . بسیاری هنگام رفتن به مستراح با شلیك گلوله از پا در آمده اند .

در ۳ مارس ۱۹۷۲ در قسمت ۱ ۲ كشته و ۹ زخمی وجود داشت . در ۱ فوریه ۱۹۷۲ در قسمت ۱۰ ۷۱ كشته و ۱۴ زخمی در ۸ مه در قسمت ۸ پلیس نظامی با چهار مسلسل هموی زندانیان شلیك كردند كه در نتیجه ۱۳ نفر

۴. روح شده اند . در ۲۱ ژوئن ستوان فرمانده بخش (۲)
 نوکری را جروح کرد . در ۱۲ سپتامبر اکثر زندانیان اردوگاه قربانسی
 مسموم شدند . نتیجه موج سرکوبی در قسمت س ۷ ۲۰۰ کشته و مجروح
 بوده است . چندین زندانی پادریان شکم خویش . خودکشی کرده اند .

اخباری از ویتنام
 (۱ مارس ۱۹۷۳ کانادا)

اینکه توسط کمیسیون برای بهبود وضع زندانها در
 ام. ج. سی برای سناتورهای . نمایندگان و رهبران مذهبی فرستاده
 شده است .

موضوع . سرکوب زندانیان سیاسی

۱۹ مارس ۱۹۷۲

پس از قطع اخباری که از طریق نامه های زندانیان . اظهارات خویشان و
 نزدیکان زندانیان سیاسی بدست میرسید و نیز از طریق وقایعی که توسط آن
 عده از اعضای حکومت که وجدان نشان اجازه همدستی و ارتکاب جرم علیه خلق را
 نمیداد . افشامیشد . ما اعضای این کمیسیون بغیریت از شما میخواهیم که علیه
 آزار و کشتن اسیران زندانهای ویتنام جنوبی . اقدام نمائید .

کمیسیون ما از ۲ زوئی پس از افشای وجود قفس های ببر زندان پولو کدر
 و تأثیر افکار عمومی بخاطر بد رفتاری بازندانانیان . همیشه امیدوار بود که
 اعضای رژیم سایگون را ببیند و از آنها بخواهد که دست از آزار و اذیت بردارد .
 متأسفانه آنچه که از آن بعد اتفاق افتاد . آخرین روز نه امید را برای کسانی که
 هنوز فکر میکردند . حکومت قادر به بهبود وضع زندانهایش میباشد بسته است .

علی رغم تنفر و بیزاری افکار عمومی ویتنام و جهان . دستگاه اداری سایگون
 بهمدستی حکومت آمریکا بهیچ وجه سعی ندارد که اشتباهات خود را تصحیح سیستم
 جزائی را بهبود و به دستگیری های دلخواهی و شکنجه های خشن پایان دهد و هر
 روز بیشتر بر سیاست سرکوب خود میافزاید . صد ها هزار زندانی ناراحتی و درد های
 روز افزونی را تحمل میکنند و هر روزه هزاران نفر از مردان سیاسی بطور دلخسوا

دستگیر میشوند . بعلاوه شکجه د ر زند انبها از هر موقع د بکر ماهرانه تر و د قیق تر شده است . اخیرا حکومت ویتنام جنوبی مرتکب بزرگترین جنایات شده و این عمل منجر به حذف زندانیان سیاسی و برانگیخته شدن افکار عمومی گشته است .

۱- کستن زندانیان توسط اشاعه بیماریهای مسری

طی ماههای اخیر مسئولان زندانها زندانیانی را که مبتلا به امراض سسل اسهال خونی و کزاز بوده اند . با سایر زندانیان در یک جایگاه حبس کرده اند . اشخاص اخیر به علت ضعف ناشی از کمبود مواد غذایی و زندگی در شرایط سخت . بهسولت د چار این بیماریهای مسری میگردد .

۲- انتقال زندانیان سیاسی به زندانهای مخفی ایالتی

اخیرا حکومت برای خفه کردن جنبش اعتراض د ر زندانها و پنهان کردن زندانیان سیاسی پس از امضای قرار د اد متار که جنگ بد و ن اطلاع به خانواده های این زندانیان . تعداد بسیار زیادی از آنها را به بازداشتگاههای گمنام و مخفی ایالتی و یا بجاهای ناشناس منتقل کرده است .

۳- جابجا کردن بسی وقعه زندانیان

مسئولان زندان مد اوما زندانیان را جابجا میکنند بویژه کسانی که د ر جنبشهای اعتراض فعالانه شرکت دارند را به سلولهای انفرادی میاندازند . نتیجه اینکه والدین زندانیان د پاو نشان فرزند ان خویش را گم میکنند .

۴- شکجه مجد د زندانیان بهسپهان کامل کردن پرونده

حتی آن عده از زندانیانی که مدتها د ر زندان بسر برده اند و اهما را کتا بازجویی فرستاده بهسپانه اینک پلیم د ر مورد آنها احتیاج به اطلاعات تکمیلی دارد . مجد د ا تحت شکجه قرار میدهند . باین دلیل است که بسیاری از دانشجویان و رهبران مخالفین د و باره شکجه میشوند .

۵- کستن زندانیان سیاسی توسط زندانیان عادی

مسئولان زندان زندانیان سیاسی را با جاتیان و زندانیان عادی یک جا

می‌کرده . این اشخاص جانی و تحریک بازار و گاه کشتن زندانیان سیاسی نمایند .

۶- فرستادن زندانیان آزاد شده به میدانهای جنگ

در ستگاه اداری تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد کرده . علی‌رغم میل بدون اطلاع خانواده هایشان آنها را به میدانهای جنگ می‌فرستاد .

۷- کاهش جیره غذائی

از رانویه ۱۹۷۲ بعد جیره روزانه برنج زندانی از ۷۰۰ گرم به ۵۰۰ گرم می‌دهد . بسیاری از مواد ضروری حذف شده اند . همه جنبشهای اعتراض برای بود غذا توسط مسئولان زندان سرکوب میشوند . آنها با باطوم زندانیان را کسک و همه پنجره ها را برای جلوگیری از تهویه سلولها بسته . سپس آهک زنده سیده . گازهای اشک آور و مهوع نیز بکار برده و گردانندگان جنبش اعتراض را با سود می‌پرند .

۸- فرستادن مجدد زنان زندانی به جزیره کن سن

در سال ۱۹۷۰ . حکومت در برابر اظهار تنفر افکار عمومی مجبور شده . زنان زندانی را از جزیره کن سن به زندانیان دیگر منتقل کند . در ۲ ژوئن ۱۹۷۲ آنها و حتی ناقص العضوها و بیماران را دوباره به کن سن فرستاد .

۹- ادامه در استفاده از گارد ها و کارکنان مراکز بازجویی که جنایاتشان افشا

شده است .

گارد های زندانیان و کارکنان مراکز بازجویی که جنایاتشان نسبت به زندانیان شاهده است (امریکه در سال ۱۹۷۰ توسط حکومت مورد قبول واقع شد) . هنوز در ستگاه اداری مشغول بکار هستند . از جمله نمونه آن سرهنگ نگون وان و کسه . مدیر زندان کن سن بود . وقتی وحشیگری های وی افشا نت . از نوامبر ۱۹۷۲ به ریاست زندان شی هوآ برگزیده شد .

۱۰- ایجاد شورش ساختگی برای کشتن دسته جمعی زندانیان

این امر چندین بار بویژه در زندانیهای شی هوان و فوکوک
در اکبر و نوامبر ۱۹۷۲ رخ داده است .

۱۱- دستگیری منظم بی گناهان

پس از انتشار قانون حکومت نظامی در آوریل ۱۹۷۲ همه مخالفین استعمار
فرانسه رهبران شناخته شده مخالفین و نیز بستگان نزدیک کسانی که بخاطر
اعتراض با انتخابات قلابی ریاست جمهوری اکبر ۱۹۷۱ از میان برداشته شده
بودند . جز اشخاصی هستند که باید دستگیر شوند .

در این مورد بزرگترین اجحاف در مرکز ویتنام نسبت به زنان حامله پیران
بیش از شصت سال و کودکان کمتر از ده سال رواداشته اند . باین معنی که آنها
را دستگیر و بسوی زندان کن سن روانه کرده اند .

خانم ها و آقایان .

قاعده تامیایست پس از سالها مبارزه بی امان اکنون از برقراری صلح خوشحال
باشیم . اگر بجای اینکه خبرهای خوب بشماردیم شمارا از وضع بسیار بد هزاران
اسیر سیاسی در ویتنام جنوبی مطلع میکنیم مطمئن باشید که این کار را
بباند و بسیار انجام میدهم .

ما مجبوریم صدای بلند اعلام کنیم که بسیاری از زندانیان سیاسی تاکنون
در زندان مردماند و کسانی که باقی مانده اند . تنها بخاطر تقاضای استقرار صلح
و استقلال کشورشان متحمل سخت ترین دردها ورنجهانده اند .

کمیسیون برای بهبود وضع زندانیان در ویتنام جنوبی

تیو و موافقت نامه پاریس

دستگیریهایی سیاسی قبل و بعد از آتش بس. زیاد شده اند رفتار با اسرا
تر شده و از هیچ کاری برای تقلب در فهرست نام زندانیان آزاد نکردن کسانی که
خطرناک تشخیص داده شده و یا از بین بردن مخفیانه آنها فروگذار نشده
است.

... وقتی اجرای آتش بس قریب الوقوع بنظر آمد بویژه در دوره پس از اعلام
روزه موافقت نامه در اکبر تعداد دستگیریهایی بصورت قسوس صعودی می پیچید
سوا ننگ دواک نهها پسران رزاد و تیو و نزدیکی
شورش در نوامبر ۱۹۷۲ آشکار کرد که حکومت تیو از ۳۱ اکبر ۱۹۷۲ ۵۰۰۰۰
نر از "غیر نظامیان و کادرهای نظامی کمونیستها" را دستگیر و کشته است.

گزارش آمریکایی ۲۶ فوریه ۱۹۷۳

نگوین وان تیو مطابق با سیاست بسیار جدی در مورد کنترل جمعیت اخیرا
حزب "دموکرات" را تأسیس کرد. مردم و در وهله اول دهقانان را مجبور میکند
را آن عضو شوند.

در حال حاضر این حزب به قرا و قصبهات یک کارمند و یک مأمور پلیس
نظامی میفرستد تا از هر خانواده "دین کرده" و آنها را دعوت به عضویت در
حزب نماید. نه تنها یرفتن عضویت حزب بمعنای "طرفداری از کمونیستهاست"،

کارت عضویت در حزب که برای رفت و آمد در سراسر کشور ضروری است و در
مال حاضر اهمیتی بیش از کارت هویت پیدا کرده است.

به همین خاطر دستگیریهایی جدیدی صورت گرفته اند و اوضاع وخیم تر میشود

عالیجناب نگوین دین تن

کفران مطبوعات - پاریس

۲۱ مارس ۱۹۷۳

بنابه گزارشاتی که مخفیانه از بازار اشتگاههای سایکون بخارج نفوذ کرده و در
 دیپچ نیوز سرویس منتشر شده است . بسیاری از زندانیان
 سیاسی را از نظر پنهان داشتنشان به زندانیان دیگر منتقل کرده اند و بعضی
 موارد مسئولان زندانیان را تحریک کرده اند تا با زار و اذیت
 زندانیان سیاسی بپردازند و گاه آنها را بکشند . جرج مک آر تور
 در لسوس آنجلس تایمز آشکار کرد که متابع رسمی آمریکائی با او
 اظهار داشته اند که در صورتیکه قرار داد های آتش بس با هائوی بانجام
 "تیر و ستر" میدهند هزاران نفر را دستگیر و بی اثر کنند . اصطلاح "بی اثر"
 معنای وسیعی در بر دارد که میتواند اقدام مخفیانه در یک دوره کوتاه اسارت
 باشد .

واشنگتن پست در ۱۸ ژانویه خبر میداد . "تیوبه رو" سای ایالات اجاوه
 داده که در صورت آتش بس آینده اقدام به دستگیری های سیاسی نمایند و هم چنین
 آنها را مجاز گردانده که "عاملان اغتشاش را جاجانگیران کنند" . این روزنامه
 اضافه میکند که "افراد دستگیر شده متهم به ارتکاب جرائم عادی هستند و نه
 جرائم سیاسی" بنوعی که در زمره زندانیان سیاسی که آزادیشان در قرار داد
 ذکر شده است قرار نمیگیرند . تیو برای اقدام به دستگیریهای جدید تعدد
 کتونی پلیس را از ۱۲۲۰۰۰ نفر به ۳۰۰۰۰۰ نفر افزایش داده است . (لیموند
 ۳ سپتامبر ۱۹۷۲) "

... تیو مخفی نمیکند که برنامه اش جلوگیری از آزادی زندانیان سیاسی
 است . از نظر او این دسته از زندانیان یک تهدید سیاسی برای حکومت او بشمار
 میروند و بهتر است آنها را در زندانها نگاه دارند "چه نوع صلح" — مرکز اسناد
 هند و چین صص ۳۴ — ۳۳

او (۱) را در ریاست زندان ششی هوا بازمی یابیم . در اینجا
 وی دست بیک کار برنامه ای و دقیق میزند . کاریکه ماهیتش بسیار زود و کاملاً برایمان
 روشن شد . در ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۲ به صد نفر کماندوی پلیس که مسلح بمسپرهائی

از چوب بامبو . کلاه جلیقه های ضد گلوله هفت تیر تفنگ های نارنجی
انداز و باطوم بودند دستور داد که وارد سلولهای زندانیان سیاسی شوند . در هر
که ام از این سلولها تقریباً ۸۰ یا ۱۰۰ زندانی وجود دارد که در سختترین شرایط
زندگی میکنند . هدف این کار تقسیم کردن هر سلول به چند گروه کوچک است .
زندانیان ماههای زیادی بود که با هم در این سلولها بسر میبردند . همدیگر را
میشناختند و میتوانستند از دزدان و هماره ها و خانواده هایشان صحبت کنند همه از نام
هم باخبر بودند . این وضع مغایر با نیت سرهنگ و بود . پس میبایست برای
هرکده کردن زندانیان آنها را دوباره تقسیم کنند و نوعی لغتشاش ظاهری ترتیب
دهند تا براحتی زندانی را سر به نیست کنند . انتقال بسیاری از زندانیان در هنگام
شب انجام میگرفت و در جریان آن زندانیان از بین میروند بدون اینکه سایرین بسا
خبر شوند . افراد سیاسی و دانشجویان در سلولهای طبقه هم کف همراه کارکنان
حبسه ملی آزادی بخش که برچسب کمونیست (ویت کنگ) خورده اند زندگی میکنند
بدانیان سیاسی بازندانانیان عادی با هم مخلوط شده اند . چند روز بعد وقتی
معلوم شد که فیشهای سیاسی به فیشهای عادی تبدیل شده است همه چیز روشن
شد .. (تکیه از ناشران است) . این امر تازه ای نبود . در سال ۱۹۵۴ هنگام
قرار داد های ژنو نیز بوقوع پیوسته بود . علت این امر چه بود ؟ فقط بخاطر اینکه
آزادی زندانیان همدی پس از امضای موافقت نامه مطرح نبود . (تکیه از
ناشران است)

کنل و ملاقات خانواده های زندانیان را در شش هـوا ممنوع
میکند و باین ترتیب آنها را پای شوهر . برادر . پدر و پسر خود را کم میکنند .
اعلام میکنند که زندانیان سیاسی را که یکی دو سال است مدت محکومیشان بپایان
رسیده است آزاد خواهند کرد . آنها پس از خداحافظی مارا ترک میکنند چند روز
بعد کسی از زندانهای تان هـیـیـیـی و تـودوک باین
زندان بر میگردد و در این موقع می فهمیم که فلان زندانی که فکر میکردیم آزاد شده .
بآبافرستاده اند . آزادی معنی دیگری جز انتقال از زندانی به زندان دیگرند از
بعنوان مثال مورد نـگـوـسـن د و نـگـه هـا برادر کوچک بـیـن
وزیر امور خارجه حکومت انقلابی موقت چنین بوده است . در ویتنام جنوبی برادر
خانم بیسن بودن موجب درد سر است . چنین شخصی همیشه تحت مراقبت

است بهمین دلیل او نمی توانست هیچ فعالیتی داشته باشد . مسئولان امور در مایگون به همین دلیل نتوانسته بودند مدارکی علیه او پیدا کنند . پس میبایست از او بعنوان گروگان علیه فعالیت های خانم بیین استفاده کنند . معذلسک او فقط به سه سال زندان محکوم شد . سپس از پایان مدت محکومیت از او خواستند نوشته هایی پر از افترا و تهمت نسبت به خواهرش را امضا کند . او حتی میبایست این اتهامات را در تلویزیون نیز تکرار کند . وی باین کار دست نزد . او را به شی هوا فرستادند . در اینجا او را ملاقات کردیم . وی سپس به پوسلو کسدر تبعید شد و از آن به بعد نمیدانیم چه بر سرش آمده است .

بهمین گونه است مورد زن آقای نسکون دان ها او را در راه پلیس وضع حمل کرده است . بابتش به گرفتن بچه اش از او خواستند همان کاغذ ها را امضا کند . او قبول نکرده است . چند روز بعد فرزندش را از او گرفتند . این کار سرهنگ فری مربوط به دوره ای میشد که شایعات مربوط به يك آتش پس احتمالی از پایان اکبر ۱۹۷۲ قوت گرفته بود . (تکیه از ناشران است) . بسیار آسان میشود حدس زد که چرا زندانیان را با هم مخلوط میکنند و هر گونه اثر و نشان آنها را از بین میبرند . چنین کاری معنایش از بین بردن زندانیان سیاسی و بینام جنوبی است . (تکیه از ناشران است) .

آنها کجا هستند ؟

در ۲۰ سامبر و چهل کوکسی را که طی ماهها شناخته بودند به " مرکز تجدید آموزش " دادند لا تبعید می کند . در میان آنها سه دختر بچه نیز وجود داشت . و نیز پسر جوانی بنام سو او از ۱۰ سامبر به بعد هر شب غریبان میزد و میخواست که به زیر نور آفتاب برود . از ۲۰ سامبر به بعد دیگر صد ای سو این طفل کوچک را شنیده ایم . از رژیم تیو سوال می کنیم سو کجاست ؟ چه بر سر بچه ها آمده است .

در ۱۰ سامبر ۱۶ دانشجو که بسیاری شان مسیحی بودند . دست به انتصاب گذاشته اند . آنها میخواستند اجازه استفاده از آفتاب و ملاقات با خانواده ده هایشان را داشته باشند . در روز ۲۶ سامبر دیدیم که آنها را روی هوا نکار

گذاشته به بیرون میزدند . آنها با آخرین کشتی به مقصد قفس های ببر پولوکنند
 میرفتند . هم چنین دیدیم که ۵۳ زندانی سلول . آج ۳ از بخش فج
 که با اصطلاح برای مداوا از پولوکنند ربه بهداری زندان شی هوا لجه
 آورده بودند . در این بهداری بعلت ققدان بودجه نه دار بودند و نه امکان معا
 ولی ماقبل گفتیم که چهار صد هزار دلار امریکائی خرج ساختمان قفس های ببرتاز ه
 در اردوگاه های شماره ۷ و ۸ پولوکنند ر شده بود . در حال
 حاضر يك کمپانی امریکائی در سایگون بنام ر م . ك مشغول پایان ساختمان این
 قفس های ببر است ! در ۲۶ دسامبر دیدیم که این زندانیان دوباره بسـ
 پولوکنند ر بر میگردند . آنها دچار بیماریهای فلج ^{پیر} اسم
 جذام و سل بوده . اگرشان در وضعی بسیار بدتر از هنگام ورود آنها را کردند . نام
 و چهره این زندانیان را میشناختیم و ماهاحتی یکسال با آنها بسر بردیم و
 میدانستیم که بردن این زندانیان معادل محکومیت به مرگ است . و میدانیم که
 دیگر آنها را نخواهیم دید . هویسن نشان مـام هنگام حرکت
 بهاگفت . " آندره . وان پیسر باید کاری کمد که شانزده دانشجو برگردند . باید
 کاری کمد که همه افراد تبعید شده دوباره برگردند . در مورد خود مان . میدانیم
 که رفتنی هستیم . "

چرا ؟ چرا چنین برنامه هائی برای تصفیه افراد ؟ چرا چنین تصفیه ای شروع
میشد ؟ مسلم است که رژیم تیو در نظر دارد که از نظر سیاسی پس از اجرای آتش بس
به حیات خود ادامه دهد . پس باید دست به نابودی همه این افرادی بزند که
در زندانهایش سر برده و قتل رسیده اند و چه کسی میتواند (تکیه
از ناشران است)

ژ . پ . دیری و آ . منرا رك به اثر نكرشده

نامه ۱۲۴ زندانی علیسی که از کن داتو
به شسی هوا منتقل شده اند

— به کمیسیون بین المللی نظارت و — راقبست (گرو
بین هوا)

— به کمیسیون نظامی مختلط چهار جانبه (کمیسیون فرعی زندانیان)

آقایان

مامیهن پرستان مبارز یک خواستار صلح ، استقلال ، بیطرفی ، دموکراسی
خود مختاری و وحدت مجدد ویتنام هستیم ، سالهاست که در زندانهای ویتنام ،
جنوبی بازداشت ، شکنجه ، اسیر و محکوم به زندگی در نفرت انگیزترین شرایط
شده ایم .

مضا
برویژه در زندان کسن داتو بسیاری از مامرده و زندگان مانند ۱۲۴
کننده این نامه . طیل . ناقص و یا مبتلا به بیماریهای شدید قلبی کبدی معدی
سل و غیره شده اند . بعلاوه که مد اوما محمل بدترین رفتارها در " قفس های گاو "
شده ایم .

در بعد از ظهر ۱۶ فوریه ۱۹۷۳ . مارا از این " قفس های ببر " جدا کرد
اورود و گاه شماره ۷ کن سن در آورده . به ساختمانهای مرکز اصلی پلیس ملی منطقه
س — هوا منتقل کرده اند . در آنجا ما را مخفیانه بصورت گروهی
۳ یا ۴ نفری در ایالات بسین هوا فوک توی لونگ آن هونگ
رها کرده اند بدون اینکه هیچ وسیله ای بماند نتوانیم به
زادگاه خویش برگردیم . مسئولان امور بما اجازه ندادند که به خصوص به سایگون
شولسن وجسیا دین برگردیم .

در حال حاضر ، علی رغم باصطلاح آزادیمان . هیچ تضمینی برای ادامه
زندگی نداریم و مرتباً با خطر اعدامات باصطلاح امنیتی از جانب مسئولان سایگون
تهدید میشویم . مادر آرزوی دیدار خانواده هایمان پس از ۱۷ یا ۱۸ سال
دوری هستیم ولی مجبوریم با این بدن طلیل و مریض همچنان روزه و شبها و روز آنان
بسر بمریم .

ما که آنچنان شیفتهٔ صلح استقلال و آزادی بوده ایم و هستیم همیسا
خوشحالم از اینکه دوباره در کشور عزیزمان صلح برقرار شده است. ما با خوشحالی
تمام از موافقت نامهٔ ۲۷ ژانویهٔ ۱۹۷۳ پاریس و نیز اطمینانی که هدفشان تحقق
صلح و همبستگی ملی در ویتنام جنوبی است. حسن استقبال میکنیم. هم چنین
از حضور کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت از ویتنام و هند و چین پشتیبانی
میکیم. آماده ایم که گذشته را نادیده گرفته و از همه اشخاص واحد ها و سازمانها
نهایی که در جهت موافقت نامه پاریس از صلح دفاع میکنند پشتیبانی نمائیم.
بخاطر بد رفتاریهای بی حد و سختی که هنوز با صد ها هزار اسیر در ویتنام جنوبی
میشود. این نامه را باید جلب توجه شما به تقاضای قانونی و ضروریمان میفرستیم:

۱- رفتن اعضا کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی
مختلط چهار جانبه به ایالات ذکر شده برای تحقیق و میانجی گری نزد مسئولان
سایگون. برای اینکه مانع بازگشتمان به زادگاه و نزد خانواده هایمان نشوند و نیز
وسائلی در اختیارمان بگذارند که معالجه کنیم و هم چنین زندگی مان را تضمین کنند.

۲- میانجی گری بنزد مسئولان سایگون برای اینکه به همه بد رفتاریها
پایان داده و فوراً شرایط زندگیشان را بهبود بخشند و بر سره در راهله اول
با آنها برنج کافی مواد غذایی مقوی داده و بنابه موافقت نامه پاریس آنها را بسه
(حکومت انقلابی موقت) واگذار نمایند.

۳- با اجازه دهند تا با اعضای و کمیسیون در یک مکان معین در ایالت
هین هوا ملاقات کرده. بتوانیم مفضل را مورد کارهایی که به ما سرسوط
میشود با آنها صحبت کنیم.

امید داریم که بنام و کمیسیون و با اعتقاد به آرمان صلح استقلال و آزادی خلق
ویتنام از همه امکانات و صمیمیت تان برای وساطت موثر در نزد مسئولان سایگون
استفاده کنید تا تقاضاهای ما پس تأخیر بر آورده شوند.

نامهٔ ۱۲۴ زندانی طیلی که در ۱۶ فوریه از زندان
کسن سن به هین هوا منتقل شده اند.

نامهٔ ۸۰۰۰ زندانی سیاسی در کسن
به کمیسیون بین‌المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلف چهارجانبه
آقایان

ما ۸۰۰۰ زندانی زندان کن (فول) نظامی و غیر نظامی (بسیار خوشوقتیم که میتوانیم توسط نامهٔ افشاگرانه حاضر در مورد واقعیت خشنی که در اینجا جریان داشته و هنوز جریان دارد. فوری‌ترین کمک‌ها را بخواهیم. مشاهده میشود که دستگاه اداری سایگون و حکومت ایالات متحده نه تنها مفاد قرار داد پایان جنگ و استقرار صلح و پروتکل مربوط به آزادی کارکنان نظامی و غیر نظامی زندانی را که خود امضاء کرده اند رعایت نمیکند بلکه رفتارشان نسبت به سابق خشن‌تر نیز شده است.

۱- پس از امضای قرار داد نه تنها ما را از محتوای آن خبر نکردند بلکه برعکس وقتی از صلح صحبت کردیم ما را دستگیر و بطرز وحشیانه ای شکنجه و کشت زدند. در ۶ فوریه ۱۹۷۳ قریب به ۲۰۰ زندانی سیاسی به کمیسیون امنیت منتقل شدند. بطرز وحشیانه ای شکنجه و شب و روز بازتجیرهای آهنی بسته شدند بسیاری از آنها مجروح و وضع سه نفرشان بسیار وخیم است: هوآ وان هوا ش، نگون وان توآن، نگون وان بن

۲- مسئولان امور در سایگون سعی میکنند که نه تنها جلوی هر گونه خبری را بگیرند بلکه محتوی قرار داد را تحریف کرده و نیز نفاق میان زندانیان می‌افکنند و برای اینکه بهتر آنها را تحت فشار قرار دهند بازندانیان غیر سیاسی در یک جا قرار میدهند.

وحشیانه‌تر اینکه آنها "متخصصان" و کاپوها (زندانیان هادی) را برای تحریک و بدست دادن بهانه‌هایی برای سرکوب و کشتار میفرستند. در اولین روزهای بهار کسی سو بایستی و وحشیگری هر چه تاثر دستور داد که همه پنجره‌های سلول‌ها را ببندند و بجای هر گونه غذائی ماهی خشک و آب شور گذاشته بدهند. در اردوگاه شماره ۸ بجای "هدهده عید قات" در هر اطاق دو سطل مدفوع ریختند. در اردوگاه شماره ۱ همه درها و پنجره‌ها را بستند و پلیس ضربت و کاپوها با طوم بسیاری از زندانیان را وحشیانه کشت زدند. در اردوگاه

شماره ۴ (مخصوص زنان) بیش از ۷۰۰ نفر به سرویس ایالتی امنیت فرستاده شدند. در آنجا آنها را بشدت مضروب ساخته بازور اثر انگشتان و عکس آنها را گرفتند عکسها برای چسباندن روی گواهینامه وابستگی بود. آنها را بایست اثر انگشت و امضای خود را پائین سه گوی بگذازند. به علاوه روی گواهینامه هانام و شماره زندانیان نوشته شده و جاهای بسیاری خالی بود برای اینکه مسئولان زندان بتوانند آن جاها را پیش از امضای قرار داد پاریس بعنوان تعهد به " پیوستن " به حکومت پر کنند. بسیاری از آنها بخاطر این بد رفتاریها مریض شدند با اینحال شب و روز آنها را در سلولهای تنگی بدن دارو محبوس کرده بودند.

بطور خلاصه زندگي و شرایط زندگي زندانیان همه اردوگاهها بشدت وخیم است

۳- در این روزهای آخر از ۱۲ فوریه ۱۹۷۳ به بعد. حکومت سایگون هزار و ۳۰۰ نفر پیر غلیل و وزیر اسوار هواپیما کرده به مقاصد نامعلوم فرستاده است. آنها قبلاً با چهار پائین یک گواهی آزادی را امضا کرده بودند. در حال حاضر از سرنوشت آنها هیچ اطلاعی درست نیست. چنین اموری پیوسته اتفاق می افتد. ولی ماقبول نکرد ایم که بدون حضور نمایندگان کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلط چهار جانبه سوار هواپیما شویم. مسئولان زندان ما را تهدید به تنبیه و پرتاب نارنجک کرده اند.

۴- در ۱۶ فوریه ۱۹۷۳ حکومت سایگون بیش از ۴۰۰ زندانی سیاسی با اصطلاح آزاد شده را از اتران به کن سن آورده است

اعمال ذکر شده فقط بخش کوچکی از توطئه و جنایات حکومت های سایگون و ایالات متحده را تشکیل می دهند. چون مادر انزوای کامل و در یک وضع زندانی پنهانیت سخت بسر میبریم از آن توطئه ها و جنایاتی با خبر می شویم که فقط علیه خودمان صورت میگیرد.

دستگاه اداری سایگون با این اعمال خشن و همزمانی علیه تعهدات قیود شده در موافقت نامه پاریس عمل میکند. ما زندانیان کن داد شورای بین المللی هر چه تماشاگر اخلاص در قرار داد پاریس و این جنایات را برای کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلط چهار جانبه و در برابر افکار ملی و جهانی افشا می کنیم.

مابین آنها که بسیار از این کمیسیونها میخواهیم که نمایندگانشان را نیز —
 بفرستند. باید نشده جلوی دستان خون آلود دستگاه اداری سایگون و حکومت
 ایالات متحده را گرفته. زندگی مارانیات دهند.

کن دائو ۲ فوریه ۱۹۷۳
 مجموعه زندانیان کن دائو

بیانیه برای آزادی زندانیان سیاسی

مسام سازمانها و شخصیت های امضاء کننده خاطر نشان میکنیم که:

۱- موافقت نامه پایان جنگ و استقرار صلح که در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ در
 پاریس با امضاء رسیده از جانب خلق ویتنام و سایر خلقهای جهان مورد تحسین واقع
 گشته است.

۲- چنانچه طرفین قرار داد بطور جدی بآن عمل کنند میتواند پایه ای برای
 پایان جنگ و برقراری صلح باشد.

۳- پس از سالها جنگ خونین آشتی مجدد ملی و از بین رفتن کینه ها در
 ویتنام ضروری بوده و از مهمترین امور است.

۴- آشتی مجدد و هم بستگی ملی کاملاً ممکن نخواهد شد مگر وقتی که همه امضاء
 کنندگان موافقت نامه در اولین فرصت همه غیر نظامیانی که بخاطر مبارزه برای
 صلح و عدالت دستگیر و زندانی شده اند فوراً و واقعا مطابق با روح مواد ۸ (س)
 ۱۱ و ۱۲ (آ) موافقت نامه آزاد کنند.

در نتیجه مسام میخواهیم که

کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت حکومتهای امضاء کننده موافقت نامه
 و کفرانس بین المللی درباره ویتنام اجتماع نموده برای آزادی ویتنامیانی که در
 سالهای اخیر بخاطر صلح و میهنشان مبارزه کرده و بازداشت و زندانی شده اند
 فوراً خالت نمایند. این افراد باین دلیل زندانی شده اند که شخصیت ها، مسا

اعضای فعال سازمانهای بوده اند که مستقیماً به هیچ یک از طرفین متخاصم مربوط نمیشوند .

به ضمیمه این نامه اولین فهرست زندانیانی که با خاطانواده هایشان تماس گرفته ایم رامیفرستیم . این فهرست با اطلاعات وسیع دیگری تکمیل خواهد گشت .

سایگون ۲ فوریه ۱۹۷۳

امضای نمایندگان سازمانهای فرهنگی . سیاسی و اجتماعی ویتنام جنوبی

- ۱- کمیته برای بهبود وضع زندانها در ویتنام جنوبی
 - ۲- نیروی ناسیونالیست مترقی
 - ۳- معبد بودایی کو آتسی جیوا
 - ۴- جبهه خلقی برای صلح
 - ۵- اتحادیه معلمین مدارس خصوصی
 - ۶- معتمدین نیروی وحدت کائود
 - ۷- کفد راسیون بودائی ها . دارمندان و کارکنان مؤسسات خصوصی ویتنام
 - ۸- اتحادیه کارگران مترقی
 - ۹- اتحادیه تجار ۳۶ بازار سایگون
 - ۱۰- اتحادیه باهران کشتی رندر لونگ تائو
 - ۱۱- گروه دوا دین
 - ۱۲- گروه ترین های
 - ۱۳- جنبش ملی جوانان کارگر مسیحی
 - ۱۴- جنبش مسیحیان برای صلح
 - ۱۵- کفد راسیون زنان بودائی ویتنام
 - ۱۶- انجمن زنان ویتنامی
 - ۱۷- انجمن زنان بودائی لونگ هوا
 - ۱۸- جنبش برای حق زندگی بهیمان و کودکان قربانی جنگ خانم تین تام
- کیش شان تین
تران نگون لین
هون لین
دانگ وان کی
دانگ وان وانگ
کائو هوئدها
دونگ وان د
نگون وان کوات
نگون تی موآ
نگون هوانگ نان
نگون نگی
ته نگون
نگون تین مائو
نگون فوک کان
خانم دیو نان
خانم ووان س
خانم نگون تی لاک

تروك لام نسوانك
خان فان تی هونك دین

خان فان دین دان
ل ران تــــری

خانم نگوین فوك تان فان
نگوین تین تین

نگوین ترون کاتنگ نگی

فان به هوانگ

نگوین وان ترانگ

توان کاتنگ هوی

توان کسوان هه فوانگ

خانم تران تی تیپ

۱۹- فرقه بودائی هونگ من

۲۰- انجمن زنان بودائی کارمند و کارگر

مؤسسات خصوصی

۲۱- انجمن دفاع از مقام زن

۲۲- کشف راسیون محصلین و دانشجویان ویتنام

۲۳- انجمن مادران دانشجویان زندانی

۲۴- انجمن دانشجویان بودائی سایگون

۲۵- اتحادیه ملی دانشجویان ویتنام

۲۶- اتحادیه دانشجویان دانشگاه وان ها هو

۲۷- اتحادیه دانشجویان دانشگاه سایگون

۲۸- جنبش برای ایجاد يك اقتصاد مستقل

۲۹- جنبش خود مختاری ملی

۳۰- جنبش زنان برای حق زندگی

امضای شخصیت ها

۱- دکتر له وان هوش نخست وزیر سابق

۲- دکتر له وان لی

کمیسیون مسیحی

۳- عالیجناب تین کام استاد دانشگاه سایگون

۴- عالیجناب نگوین وان هوا

۵- عالیجناب و و کسوان هیو کشش جنبش ملی جوانان مسیحی
کارگر

۶- عالیجناب بوئی تونگ جیائو

۷- عالیجناب نگوین تگوك لان

۸- عالیجناب هوین کونگ مین کشش جنبش جوانان دانشجو
مسیحی

۹- عالیجناب نگوین ویت که

۱۰- عالیجناب تران ته لوان

کشیس جنبش جوانان مسیحی

۱۱- عالیجناب ترونک باکان

نامه اعتراضیه کمیته احقاق حق زندگی هم میهنان

علیه ادمه سرکوبی زندانیان سیاسی . دانشجویان و شاگردان مدارس

پس از انتشار و اجراء موافقتنامه پایان جنگ و استقرار صلح در ویتنام توسط مسئولان

سایگون

نظر به

۱- پروتکل موافقت نامه درباره آزادی نظامیان غیر نظامیان خارجی و ویتنامیان دستگیر و زندانی شده در ماده ب ۸ قسمت مربوط به " نحوه رفتار با اشخاص زندانی در طول مدت اسارتشان " چنین قید میکند . " باکسیه غیر نظامیان ویتنامی که در ویتنام جنوبی دستگیر و زندانی شده اند ؛ در مدت اسارتشان مطابق باستفین بین المللی و بطور انسانی رفتار خواهد شد . این اشخاص در مقابل هر گونه عمل قهر آمیز که بزندگی و وضع بدنی شان صدمه برساند و بویژه در مقابل مرگ بهر شکل ممکن ناقص العضو شدن رفتارهای وحشیانه . شکنجه و مجازات و خلاصه هر گونه عمل غیر انسانی محافظت خواهند شد . این افراد باید از غذا - لباس و مسکن مناسب هم چنین معالجات طبی در صورت بیماری برخوردار شوند . آنها اجازه خواهند داشت که با خانواده هایشان نامه و کارت رد و بدل کرده و بسته نیز دریافت نمایند ."

نظر باینکه

۲- در روزهای اخیر بلافاصله پس از اجراء موافقت نامه صلح ذکر شده مسئولان سایگون مواد پروتکل در باب تحویل غیر نظامیان ویتنامی که دستگیر و زندانی شده اند . را تکرار انسقض کرده اند .

الف- باین دلیل که در شب عید . تحت اسمال پس از انتشار و عملی شدن قرار داد . مسئولان زندان شسی هوا زندانیان سیاسی را بطرز خونینی سرکوب

نمودند . در اردوگاه زندانیان سیاسی که نزدیک بهداری جدید است ، گاز اشك آور رها کردند . بسیاری از آنها من جمله پیران ، مریضان ، اطفال از حال رفته و دستهایشان شکست . سپس پلیس ضربت و اکثر نگهبانان زندان و هم چینیان گاپوها (زندانیان عادی) زندانیان حتی پیران و مریضان را با چماق و باطوم کتک زد و با چکمه های میخی لگد مالشان کردند . تمام هوا رئیس بخش ای . د . به همکاری در دستور سرکوب و حشمانه ای را داد . بسیاری از بیمار را فریاد کشیدند . " من بیمارم و درد می کنم " . هوا یکی از آنها را با چکمه لگد زد و تعره کشید که " هر کس را بر حسب بیماریش کتک می زنند " . تعداد مجروحان و بی هوش شدگان زیاد بود . دست و پای سایرین را با آهن بسته در " سالن سینما " محبوسان کردند . این اطابق است تاریخ بد بویر از پشه در آنجا بزند انبیا ن غذا ای غیر بهد اشتی را ده و هر گونه تماس و رابطه ای را با خانواده هاییشان ممنوع می کردند .

ب - قربانیان سرکوبی عمومی ۱۹ د انشجو شاگرد مدرسه ای بودند که بتازگی به مرکز عمومی پلیس ششی هوا منتقل شده بودند . آنها را به سیاهچالها بسیار تاریک و در شرایط بهد اشتی غیر قابل تحمل انداختند . مریضان هیچ در اوئی دریافت نکرد و متحمل بدترین رفتارها شدند .

۳ - بابت ترتیب مسئولان سایگون عهد اماده ب باب ۸ " نحوه رفتار با افراد زندانی در طول مدت محکومیتشان " رانقض کرده بطریق غیر انسانی و مخالف با سنن بین المللی با آنها رفتار کرده اند .

— آنها خود سرانه مرتکب اعمال قهر آمیز شده اند . بطوریکه به زندگی و وضع جسمانی زندانیان صدمه وارد آمده است .

— غذا لباس مسکن معالجات طبی مطابق با وضع مزاجیشان فراهم نگردیده اند .

۴ - به همه اینها باید نقض سایر مقررات پروتکل را نیز افزود .

الف - اکثر زندانیان سیاسی در ششی هوا و بخصوص کسن دا نور بخاطر شکجه های زیاد مجبور نشده اند که خود را بقتهم به نقض قوانین عمومی قلمداد

ند و باینترتیب از خصوصیت زندانی سیاسی چشم پوشیده و در نتیجه از حقوقی بسته به این خصوصیت صرفنظر نمایند .

همه زندانیانی که علامت ست ست (جبهه سیاسی) م ت ل د جبهه (حرک سابق) داشتند، محکومان و بزه تبدیل شده اند . اینکار در حقیقت نقض ماده ۸ است که میگوید : " طرفین قرار داد تحت هیچ عنوانی منجمله تحت نون اینکه اشخاص بازداشت شده بطور قانونی تعقیب و باید لیلی محاکمه شده اند باید از واگذاری این افراد سر باز زد . و یا آنرا تأخیر بیاندازد . "

ب- مسئولان سایگون بملت اینکه هیچ يك از مقررات پروتکل را با اطلاع غیر نظامیان ویتنامی که در ویتنام جنسیتی دستگیر شده و زندانی هستند نرساند باز ماده ۱۳ این قرار داد را نقض کرده اند . این ماده تصریح میکند که " هر يك از طرفین باید ظرف ۵ روز از تاریخ امضای پروتکل حاضر متن کامل قرار داد را انتشار داده و با اطلاع همه زندانیان طرفین که مشمول پروتکل میشوند . برسانند . "

بملت نقض مواد موافقتنامه و سرکوب بیشرمانه ای که زندانیان غیر نظامی ویتنامی شاهد عینی و قربانی آن بوده اند . گفته برای احقاق حق زندگی هم میهنان باتفاق آراء اعلام میدارد .

۱- ما با تمام قوا علیه هر گونه سرکوب شکجه وارد به زندانیان سیاسی و استفاده از کاپوهان توسط مسئولان سایگون که مفایر اصول انسانی و سنن بین المللی است . اعتراض میکنیم .

۲- درخواست مجدد از مسئولان سایگون برای اجرای جدی قرار داد صلح رعایت آزادیهای اساسی مندرجه . پایان دادن بسرکوبی و شکجه زندانیان سیاسی

۳- درخواست آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی . دانشجویان و محصلین دستگیر شده و زندانی .

۴- از مسئولان مربوط به کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلط چهار جانبه تقاضا میشود که بخاطر صلح در ویتنام . بخاطر انسانیت و هم بستگرمی از مسئولان سایگون بخواهند که بطرز جدی مقررات پروتکل را اجرا و در کترین مدت همه دانشجویان محصلین و غیر نظامیان بیکگاه

دستگیر شده و زندانی را آزاد نمایند

بنام کمیته احقاق حق زندگی هم میهنان
نگوین دوی تونگ^۱

نامه به میهنی های مقیم فرانسه

از جانب نگوین دوی تونگ رهبر کمیته جوانان و دانشجویان
مبارز برای حق زندگی هم میهنان (۵ فوریه ۱۹۷۳)

... سالن سینما^۲ که در بالا ذکر شد یک جهنم حقیقی در ویتنام جنوبی است . این سالن چسبیده به محلی است که نگوین وان ترو^۳ در آن تیر باران شد و منفور تراز قسم های بپر است که توسط خبر نگار آمریکائی دان لـــــــو افشا شده است . این سالن در زمان سلطه فانیست های ژاپنی و استعمار گران فرانسوی ساخته شده هنوز هم حکومت سایگون از آهن های زنگ زده و سنگین آن که محتملاً مربوط به دوره اشغال ژاپنی ها می شود برای بازنجیر کسیدن اسرای سیاسی محصلین و دانشجویان استفاده می نماید . همه کسانی که در اینجا به بند کشیده شده اند کاملاً لخت بوده پاهایشان را بیک میله آهنی بلند وصل کرده و مثل ماهی ساردین در جبهه بهم فشرده شده اند . اینجا پر از پشه . ساس و مورچه است و زندانیان نمیتوانند آنها را از خود رانده یا خود را بخارند زیرا چ هایشان در دست بند های آمریکائی است که بسیار هوشمندانه ساخته شده اند و با کمترین حرکت از جانب آنها . بیشتر بهم فشرده میشوند . اخیراً در روز ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ مدیر زندان شــــسی هــــوا سرهننگ نگوین وان و بدون جهت دانشجویان و محصلین و نیز همه اسرای سیاسی را اینجا منتقل کرده است . دانشجویان و محصلین تقریباً یکماه در اینجا ماندند ولی بقیه اسرای سیاسی هنوز باقی هستند . استادان فرانسوی بنامهای د بـــــــری و مـــــــنــــرا از این وضع باخبر بوده و حتماً به شما اطلاع داده اند . به علاوه ۸۰۰ نفر متجمله دانشجویان محصلین اسرای سیاسی . زنان . کودکان بزدان کــــن ســــن تبعید شده اند . شنیده ام که میگفتند آنها در طول راه زنجیرهای خود را پاره کرده و ماشین مولد برق را آتش زده

راذکر کرده ام . بعلاوه موجهای سرکوبی های خونین و بسیار وسیع نیز وجود دارد . مثل سرکوب اخیر زندانیان سیاسی در پولوکسند ر در آنجا کسانی که خطرناک تشخیص داده میشوند مجبورند از علامت های ۴ س آت ل د (جبهه متحرک) و م ت س ت جبهه سیاسی استفاده کرده و نیز از خصوصیت زندانی سیاسی بودن صرفنظر نموده به زندانیان عادی مبدل شوند . اینکار به جهت این است که در صورت آتش بس و مبادله زندانیان سیاسی . آنها را بطور قانونی از هر گونه حقوق احتمالی که مربوط به زندانیان سیاسی میشود محروم کنند .

رهبران سایگون در برابر اعتراضات اکثر زندانیان دست به سرکوب زدند . زندانیان حامله ای که به خونریزی دچار بودند از زندان کن سن بزدان شی هوآ بخش وانگ لسه نزدیک بخش آ ه آورده شده اند .

بنام همه دانشجویان . محصلین و اسرای زندانی در بخش بهداشتی جدید . زندان شی هوآ در ویتنام جنوبی

نگوین دوی تونگ

رئیس کمیته جوانان و دانشجویان مبارز برای احقاق حق زندگی هم میهنان

زندانیان کن سن پس از امضای موافقت نامه پاریس

... امروز یک دسته اسناد مربوط به وضعیت زندانیان کن سن د آ سوپس از امضای موافقت نامه پاریس بدستمان رسیده است .

اسناد رسمی . این اولین بار است که چنین اسناد رسمی بدستمان میرسد .

— گزارشی درباره وضعیت عمومی . گزارش شماره ۴۰ / ت س ه / اس / س د / (از ساعت ۷ / ۱۹ فوریه ۱۹۷۳ تا ساعت ۷ / ۲۰ فوریه ۱۹۷۳)

از جانب ریاست "مرکز تجدید آموزش" گسن د آ سوپه ریاست "مرکز تجدید آموزش" سایگون .

بنابر این گزارش . تعداد کل نگیبانان و مأوزان تجدید آموزش ۱۰۲ نفر

است منجمه کسانی که مأموریتشان تمدید شده و فرستادگان ویژه . دونفر را ز آنها بسیج بوده اند . يك نفر به مأموریت ویژه فرستاده شده است . ۱۲ نفرشان هم یاد مأموریت یاد مرخص هستند . ۸۷ نفر بقیه حاضرند .

۱- مردان ————— تعداد زندانیان

۵۶۲۲	محکوم .
۷۴	مشكوك .
۳۰۹۶	توقیف احتیاطی .

۲- زنان ————— تعداد زندانیان

۳۳۹	محکوم .
۹۹	مشكوك .
۶۲۰	توقیف احتیاطی .

————— کل ۹۸۵۰

— نمونه يك "گواهی آزادی" —

مدتی است که مطبوعات جهان در جریان روشهای مورد استفاده نگهبانان هستند . اسیران مجبورند پائین يك گواهی نامه را امضا کنند و سپس ناپدید میشوند برای اولین بار يك گواهینامه رسمی را در اختیار داریم . در آن چنین خوانده میشود .

" اینجانب . . . زندانی شماره . . . پسر . . . و . . . نائید میکم که مرکز تجدید آموزش را در روز . . . ساعت . . . توسط هواپیما . . . کشتی ترک کرده ام .
 ملت . ترك مرکز کن سن بدلیل آزاد شدن .

کن سن ۱۹۷۳ . . .

امضا و اثر انگشت

— در فهرست رسمی دستگاه اداری سایگون نام ۸۵۴ نفر که اخیراً توسط

کشتی یا هواپیما کن سن راترك کرده اند . دیده میشود . در حال حاضر از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست .

مه
مه سند رسمی مذکور نشان میدهد که مدیریت زندان در حال حاضر يك هرنه پراکندگی و تصفیه زندانیان را اجرامیکند . این وضع توسط اسناد يکه از جانب زندانیان دریافت میشود نیز تأیید شده است .

اسناد يکه از زندانیان بدست رسیده است .

— نامه ۱۲۴ زندانی علیلی که در ۱۹۷۳ — ۲ — ۱۶ از کسان دا شو به — بین هوا نقل شده اند . آنها در گروههای ۳ یا ۴ نفری مخفیانه در ایالات بین هوا فوک توی لونگ آن هونگی ۰۰۰۰ رها شده . حق ندارند به رزستهای زادگاهشان بازگردند . زندگي آنها بخاطر اقدامات باصطلاح " امنیتی " دستگاه اداری، سایکون مورد تشدید است .
سرنوشت نامه ۱۷ فوریه ۱۹۷۳ . ۸۰۰۰ زندانی کن دا شو به کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلط . نامه بخصوص این امر را تذکر میشود که ۷۰۰ زن زندانی در اردوگاه شماره ۴ باتندیده به شکجه مجبور شده اند زیر تقاضای ساختگی مربوط به " درخواست پیوستن به رژیم " را امضا کرده و انگشت بزنند . نامه هم چنین معلوم میدارد که ۳۰۰ نفر از پیران زنان بیماران بزرگوار هواپیما شده بسوی مقاصد نامعلوم پرواز کرده اند . آنها نیز مجبور به امضای گواهینامه " آزادی " شده اند .

— فهرست نام ۶۱ زندانی سیاسیها ترانگ که به کان دا هو تبعید شده اند بدون اینکه رسا " آزاد شوند " .

— فهرست نام ۱۰۳ زندانی سیاسی کان هونگ که " تبدیل " به جنایتکاران عادی شده و رسماً در ۱۵ فوریه آزاد شده ولی در واقع بهکن دا شو تبعید گردیده اند . آنها در روز ۱۶ فوریه ۱۹۷۳ باکشتی شماره ۴۰۴ به جزیره رسیده اند .

تنها به مدارك جدید يکه بدستمان رسیده میتوان اظهار داشت که .

۱— پس از امضای موافقت نامه پاریس حکومت سایکون . هزاران زندانی سیاسی

را در کسب دأئو سر به نیست کرده است .

۲- اخیرا بسیاری از زندانیان ایالات مختلف ویتنام جنوبی به کسب دأئو منتقل شده اند .

۳- زندگي اسیرانیکه کسب دأئو را ترک کرده یا هنوز در آنجا هستند در خطر است .

دومند دیگر رانیز منتشر میکنیم :

- نامه ای درباره وضع زندانیان سیاسی در "مرکز تجدید آموزش" دانانگ

- نامه اعتراضی همه زندانیان در زندان تان همپ (بین هوا)

- زندگي و دست هزار زندانی در ویتنام جنوبی در معرض خطر است . این

واقعیتی است . ولی خطرناکتر از آن دستگیرهای جدیدی است که از امضای موافقتنامه پاریس بیحد کماکان ادامه دارد .

گفرانس مطبوعاتی در پاریس . ۲۱ مارس ۱۹۷۳

عالیجناب نکون دین تی

شهادت کشیش آمریکائی بنام

توماس ج . گمبلتن

باید حتما نشان کنیم که از روی اسناد اخیر . کلمه "سیاسی" را از نوع دسته

بندیهای زندانیان حذف کرده اند . (تکیه از ناشران است) . این موضوع

اتهام مربوط به مخفی کردن زندانیان سیاسی توسط دولت رانائید میکند .

زندانهای سیاسی بما گفته اند که آنها را با زندانیان محکوم به لحاظ ارتکاب جرائم عادی

مخلوط کرده اند . قبلا آنها را جداگانه و در زندانهای دیگری نگاه میداشتند .

... من و کشیش پولو نوزه در آخرین شب اقامت در سایگون

بهکانت ونیم با اسقف بیسن مذاکره کردیم . پنج تن از کشیشان با آنها

لغزش در نظم و تهدید امنیت عمومی به پنج سال زندان محکوم شده بودند .

آنها دست بانتشار سندی درباره عدالت در مجله انجمن کشیشان سال ۱۹۷۱

زده و تفسیری نیز درباره آن نوشته بودند . این تفسیر انجام برخی از مطالب قسمتهای متن را در شرایط ویتنام جنوبی یادآوری میکرد .

من هیچگاه کسانی را که دیده ام . بهیژه والدین زندانیان و زندانیان آزاد شده را فراموش نخواهم کرد . آنها از ما خواسته اند که افکار عمومی را از آنچه در ویتنام میگذرد باخبر سازیم . تنها امیدشان در این است که مردم بیشتری از سرنوشتشان مطلع گشته و فشار افکار عمومی بیشتر شود . لازم است کوشش بیشتری از جانب تعداد زیادی از مردم صورت بگیرد تا اینکه عدالت و آزادی برای آنها برقرار شود .

نشنال کاتولیک ریتر

۱۱ مه ۱۹۷۳

یکی از رهبران دانشجویان ویتنام جنوبی در زندان شی هوآ

در انتظار مرگ قریب الوقوع است

کونگ جیو دانشجوی رشته علوم و معادن سابق دبیر کل کمکسی کمیته اجرائی اتحادیه دانشجویان سایگون است . او در ۵ اوت ۱۹۷۲ در حالیکه از کلاس درس خارج شده به منزل میرفت توسط پلیس شهر داری سایگون دستگیر شد . همان شب دستبند به دست باچشمان باند پیچی شده به دفتر مرکز بازجویی برده میشود .

او را بلافاصله تحت شکنجه و بازجویی قرار دادند تا مجبور شود بگوید عضو سازمانهای جبهه آزادی بخش ملی (ویت کنگ) است .

تقریباً درنگ او را تحت همه شکنجه ها قرار دادند . پشت سر هم بایک چماق به سر سینه شانه زانو ران پاهاش زدند . باسیگار روشن سینه . آلات تناسلی و نافش را سوزاندند . سنجاق زیر ناخن هایش فرو کرده . ناخن های دست و پایش را کسیدند .

آنگاه آب صابون در بینی و دهانش ریختند تا بیهوش شود . سپس بالنگ به شکمش زدند تا آب خارج شود .

در هفته ۱۹ تا ۲۶ اوت جیو رابایک کامیون سر بسته بجای د ورفرستان
تا از نظر اکپ مأمور رسیدگی صلیب سرخ بین المللی د ورماند .

جیو اکنون دیگر قادر به حرف زدن نیست . مرتبا خون قی میکند
لباسهایش آنچنان چرکین و خونین هستند که تمام سلول از بوی غیر قابل تحمل
آن یرشد . است و حتی نگهبانان رانیز ناراحت میکند . او در آنجا مثل جسد افتاده
است .

مامیخواهیم به افکار عمومی اعلام خطر کنیم که کونگ جیو در
انتظار مرگ قریب الوقوع است .

د انجمنیان زندانی زندان شلی هوا
سایگون ۱۱ اکتبر ۱۹۷۲ خلاصه نامه‌ای که
بیک گروه از کشتیان ویتنامی نوشته شده منتشر
توسط کفد راسیون بین المللی برای متارکه جنگ و استقرار
صلح . لندن
تایمز ۲۷ مارس ۱۹۷۳

چرا دستگاه اداری سایگون از آزاد کردن زندانیان سیاسی پس از موافقت نامه

پاریس میترسند؟

زیرا این زندانیان سیاسی سهم برجسته ای در تشکیل "نیروی سوم" دارند
که نقش مهمی در شورای ملی سه جانبه آشتی مجدد و هم بستگی ملی که پس از امضای
قرار داد پاریس مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ باید بوجود آید - بازی میکند . آنها بیک
نیروی طرفدار بی طرفی هستند که به جبهه رهائی بخش (ف ن ل) وابسته نبوده
و مخالف رژیم سایگون میباشند . و باین ترتیب تهدید خطرناکی برای نیرو بشمار میآیند
آزاد کردن آنها نتیجتاً بمعنای سقوط رژیم تئو است .

کفد راسیون بین المللی برای خلع سلاح
و استقرار صلح
لندن . تایمز ۲۷ مارس ۱۹۷۳

... رژیم نگوبین وان تیسو از آزادی این اسیران میترسد زیرا بخوبی میداند پس از آتش بس تنهارقبای معین وی در برخورد ها و مبارزات سیاسی خواهند بود . آنها با تعریف جنایاتی که شایسته قرون گذشته بوده است و بنام جهان آزاد صورت گرفته اند افکار عمومی را حیرت زده و منسجر خواهند کرد . درحالی که زندانیان جنگی آمریکا که در اسارت هانوی بسر بردند پس از آزادی خواهند گفت که با آنها بطریق انسانی رفتار شده است . همانطوریکه بعضی از آنها آزاد شده اند پس از آزادی این موضوع را چندین بار در مطبوعات اعلام کرده اند .

نگو کونگ د وک

لوموند ۳ ژانویه ۱۹۷۲

اخیرا ۱۲۴ زندانی بطور مخفیانه و نه رسمی آزاد شده اند . بنابه گزارش خبرنگار خبرگزاری فرانسه (آفپ) که با آنها ملاقات کرده است . عقیده دارند که حکومت سایگون باین ترتیب خواسته از شر شهود مزاحم خلاص شود زیرا بنابه موافقتها پاریس . کمیسیونهای بین المللی میتوانند وضع جسمی آنها را دیده و شرح حالشان را بشنوند :

رولان پیرپارنگو

آفپ ۶ مارس ۷۲

مسئولیت ایالات متحده

كك به پلیس جای مهمی در فعالیتهای ایالات متحده در ویتنام جنوبی دارد.
این كك عبارت است از تأمین امور مالی دستگاه سرکوب رژیم سایگون . تعلیم کارکنان
متخصص آن و هدایت عملیات بواسطه هیئتی از " مشاوران " .

از هنگامیکه حکومتی در سایگون تشکیل شده فعالیتهای پلیسی جای اساسی
 واد برنامه كك ایالات متحده آمریکا اشغال کرده اند . سخنگوی ازانس توسعه
 بین المللی در برابر کنگره چنین اظهار میگرد .

آزانس توسعه بین المللی و پیشینیان آن از سال ۱۹۵۵ از برنامه
 امنیت عمومی (پلیس) پشتیبانی کرده اند . وظیفه آزانس توسعه
 بین المللی عبارت از كك به پلیس ملی در استخدام افراد آموزش
 و سازمان دهی نیروی برای حفظ نظم و قانون بوده است (۱)
 آزانس توسعه بین المللی بیش از ۲۰۰ متخصص برای كك به " تعلیم و سازمان
 دهی قوای پلیس ملی در همه درجات " فراهم کرده است . در مجموع بیش از
 ۷۰۰۰ آمریکائی بحساب برنامه " امنیت عمومی " در ویتنام جنوبی کار میکنند . (۲)

كك ایالات متحده راه پلیس ملی مشکل میتوان تخمین زد زیرا از طریق چندین
 آزانس صورت میگیرد . امور مالی برنامه پلیس (" امنیت عمومی " نامیده میشود) در
 آغاز توسط آزانس بین المللی توسعه تأمین میشد . اکنون توسط کسور د س و
 بخشی از آن توسط دولت تأمین میشود . علت این امر کاهش امتیازاتی است که
 آزانس بین المللی توسعه میداد . باین ترتیب " در ۱۹۶۷ دولت تأمین
 امور مالی برنامه های غیر نظامی آزانس بین المللی توسعه را بعهده گرفته است
 زیرا آنها را ارای محتوای نظامی میداند . " (۳)

از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ . بیش از صد میلیون هزینه " امنیت عمومی " در ویتنام

۱- گزارش در باره كك امری

۲- I. B. D همان اثر

۳- رك ۰ اثر نكرشده ص ۶۸

۴- ج ۱۰ آ و ر پرت ص ۴۲ - ۴ ژوئیه ۷۲

شده است . در موسم آثر آژانس بین المللی توسعه و بقیه را در دست میسن کرده است ۱

له آن تور مارلین مک ناب

رك به اثر ز كرسده صص ۲۰-۲۱

شرکت امریکا در سیستم پلیسی و جزائی ویتنام جنوبی مطابق با سیاست کلی آمریکا اهمیت روز افزونی برای بکار بردن پلیس در مقاصد ضد انقلابی قائل میباشد از سال ۱۹۶۲ بطرز قابل ملاحظه ای افزایش پیدا کرده است .

مخارج آن بین سیا ، وزارت دفاع ، آژانس بین المللی توسعه تقسیم شده ماند این پشتیبانی ظرف چند سال موجب تجدید کامل دستگاه پلیسی در ویتنام جنوبی شده و قوای پلیس مالی را از ۲۰ / ۰۰۰ به ۱۲۰۰۰۰ نفر رسانده است . این یکی از کثیرالعدد ترین و مجهزترین نیروهای شبه نظامی جهان است .

چون در صورت آتش بس آمریکا باید نیروهای مسلح خود را بیرون ببرند . در این صورت برنامه کمک به پلیس و کوششهای مخفیانه سیا اهمیت روز افزونی خواهند گرفت .

۰۰۰ از ۳۰۰ / ۰۰۰ ویتنامی که مأمور " حفظ نظم " در ویتنام جنوبی هستند

تنها ۱۲۲ / ۰۰۰ نفرشان از بودجه سایگون حقوق میگیرند . بقیه مستقیماً از عمو

سام حقوق دریافت میکنند هرچند که اسامی و برابر تیو مسئول باشند . طبیعتاً

تعداد ناشناخته ای از مأموران مخفی نیز از سیام قدر معلومی پول دریافت میکنند .

برنامه هائی که با کمک ایالات متحده آمریکا امور مالی شان تأمین میشود عبارتند

از : اقامتیکه هدفش مراقبت از جمعیت است مثل استقرار یک سیستم ماشینهای

الکترونیکی برای نگهداری فیشهای همه ویتنامی های بیش از ۱۵ سال . با این

سیستم همه افراد یک هاین سن رسیده اند باید یک کارت تعیین هویت پلاستیکی

همراه داشته باشند .

سایر برنامه های ایالات متحده عبارتند از ایجاد استحکاماتی در زندان جزیره

کن سن که یکی از بزرگترین زندانهای ویتنام است . هم چنین تعلیم پلیس ویتنام

توسط مشاوران آمریکائی امنیت عمومی در ویتنام و در مدارس مخصوص بویژه در آکادمی

پلیس بین المللی واشنگتن . در ایالات متحده .

۶۶ سپتامبر ۱۹۷۲

... برای حمایت از این فعالیتهای ضد اغتشاش ایالات متحده پیوسته از حیث مالی لوازم و تجهیزات امور تکنیکی و سایر وسائل به پلیس ملی کمک میکند. کمکهای مالی اضافی ایالات متحده اختصاص به تأمین بودجه ساختمان مدرسه عالی فرماندهی پلیس ملی، تأسیس مراکز بازجوئی و آکادمی اسلحه ساختن مراکز تعلیماتی، ساختن کارخانه وسائل یدکی مهمات جنگی پایگاههای پلیس ریائی و گاراژ مرکزی پلیس ملی دارد. چون با اجرای هر یک از برنامه های مذکور تعداد دسته های مشکوک به ویت کنگ بودن "منظماً افزایش می یابند حکومت سایگمسون لازم دیده است که شبکه وسیع زندانیهای موجود را بطور قابل ملاحظه ای گسترش دهد از جمله وظایف اساسی پلیس اداره زندانهاست. ایالات متحده امریکا در سالهای ۱۹۶۸-۱۹۶۹ ۱/۶ میلیون دلار به توسعه و نوسازی اکثر ۴۱ زندان و مراکز بازداشت ویتنام جنوبی اختصاص داده است. مشاوران امنیت عمومی در کنار افسران ویتنامی که در راستای بگها قرار دارند مشغول بکار میباشند و تعلیم اداره کنندگان زندانها را بعهده دارند.

بخاطر داشتن امنیت بیشتر در مقابل حملات ویت کنگ ایالات متحده آمریکا هزینه انتقال چندین هزار زندانی سیاسی از زندانهای داخلی به زندانهای جزیره کفیری کن سن که سلولهای معروف به "قفص های ببر" در آن قرار دارند را تأمین میکند. در سال ۱۹۷۰ پس از بازدید و تن از اعضای کنگره آمریکا از این قفسها غیر انسانی، آژانس بین المللی توسعه ۴۰۰ هزار دلار به ساختمان ۸۸۰ سر بجهت انفرادی در کن سن اختصاص داده است.

برای پی بردن به ارزش واقعی عملیات پلیس امنیتی برای حکومت سایگون، کافی است پروژه های زیر را که میبایست در ۱۸ ماه آینده پیاده شوند و برای انجام آنها تقاضای اعتباری بالغ بر ۱۳ میلیون دلار برای بودجه ۱۹۷۱ آژانس بین المللی توسعه شده است، بررسی کنیم.

فراهم کردن وسائل و تجهیزات و مشاوران برای یک نیروی پلیسی ۱۰۸/۰۰۰ نفری در پایان سال مالی ۱۹۷۱ کمک به تهیه پرونده های بیش از ۱۲ میلیون نفر افراد از ۱۵ سال بیالاتا پایان سال ۱۹۷۱ در چهار چوب برنامه "ملی ضبط و ثبت مدارک هویت" ادامه برنامه سالانه تعلیم اساسی و تخصصی ۴۰ هزار پلیس.

تأمین کمک تکنیکی به سیستم دستگیری متهمین که با بهیروز برنامه ها شروع شده و تا پیش بینی ساختمان زندان برای ۸ هزار زندانی جدید در ۱۹۷۰ پیش می‌رود . کمک به افزایش پلیس روستاها . در حال حاضر (۶۰۰۰ نفر) در سطح دهات فعالیت میکنند .

باید خاطر نشان کرد که این کمکها فقط مربوط به برنامه های آژانس بین المللی توسعه است و فعالیت های پلیس ملی که بودجه آن توسط سایر وزارت دفاع تأمین میشود بحساب نیامده اند . پس از عقب نشینی نیروهای آمریکائی . قوای سایه گون سهم بیشتری در جنگ بعهد خواهند گرفت و کمک ایالات متحده به پلیس ملی افزایش خواهد یافت . آژانس بین المللی توسعه با تقاضای يك اعتبار ۳۳ میلیون دلاری در سال مالی ۱۹۷۲ برای پلیس ملی (منجمده ۲۲ میلیون دلار سرمایه پنتاگون) در سال ۱۹۷۱ به کنگره اعلام کرده است که تمداد

(پلیس ملی و ستونهای گسترده از جنبه های
و ستونهای گسترده از جنبه های
باید تدوین و وظیفه سنگینتری
بعهد بگیرد . بار مبارز
علیه شورش و اغتشاش
و حفظ صلح و نظم روزمره -
نه تنها در شهرها بلکه
در روستاها پایدار
بین پلیس
ملی و قوای
مسلح و ستونهای
تقسیم شده)

کنونی آن ۱۰۰۰۰ نفر است که در جریان سال مالی ۱۹۷۲ به ۱۲۴ هزار نفر خواهد رسید تا با این ترتیب بتواند مسئولیت سنگین تری را در آینده بعهد

بگیرد . كك نسبی آمریکا برای اینکار پیش بینی شده است .

پرداختهای پنتاگون برای تامین مالی فعالیت نیروهای روستائی شبه نظامی پلیس ملی (ن پ ف ب) بکار میرود . این نیروها تا اواخر ۱۹۶۵ ارتش کوچکی متشکل از ۱۲۰ هزار نفر بصورت ۲۵ گردان پیاده نظام سازمان یافته می بود . بخاطر " ماهیت نظامی مشترك " تجهیزات كك مادی به این نیروهای روستائی در حكم ككك به وزارت دفاع میاشد . البته تعیین ككك سیانیدرمكن است . معذالك قابل تذکره است كه سیانیدر جای بسیاری در نوسازی پرونده های پلیس مخفی ویتنام از سال ۱۹۵۵ بعد اشغال میكند و در اداره " برنامه سیمرغ نقش رهبری را دارد . برای اینکه با اطمینان دخالت آمریکارا در همه اعمال وحشیانه سرکوبی كه توسط پلیس ویتنام جنوبی بنام رژیم سایگون صورت می گیرند ثابت كیم احتیاجی به یادآوری تصویر سوم و منحوس سیانیدر نمیباشد .

مایكل ت . كلار " جنگ بی پایان "

صص ۲۶۸ - ۲۶۶

ایالات متحده آمریکا كه به نظام زنده انهای پلیس ویتنام جنوبی ككك مالی

و مشورتی میكند . مسئول شرایط كونی زنده انیان سیاسی است . با معنای وسیعتر ایالات متحده آمریکا را این مورد وحشی در ماهیت حكومت ویتنام جنوبی باید مسئولیت مشاركت با سایگون را بپذیرد . حكومت سایگون حكومتی است با قدرت محدود كه بر وسیله سیاست آمریکاداره و دیگره میشود نه بوسیله ویتنامیها .

... برای نگهداری این حكومت طرفدار آمریکای ایالات متحده كوشش های

عظیمی بعمل میآورد . برای مبارزه علیه جبهه آزادی بخش ملی . نیم میلیون سرباز بایك آنها را مسلحه . تجهیزات و وسائل نظامی بد هند و چین اعزام شدند . میلیونها دلار و صد ها مشاور بویتنام جنوبی فرستاده گردیدند تا برای نظارت بر مخالفین سیا

سی . سیستم پلیسی را سازمان دهند (تکیه از ناشران است) . نظامیان آمریکائی

هزاران نفر از غیر نظامیان ویتنامی را دستگیر کردند . این افراد آنها را به پلیس ویتنام جنوبی كه هموطنان آمریکائیشان پول آنرا داده و نیز توسط مشاورین آمریکائی تعلیم دیده اند واگذار شدند . مظنونین دستگیر شده در مراکز كه از بودجه آمریکا اداره میشوند بازرسی و اغلب شكجه شدند . پس از محاکمه آنها در زندانهای كه بوسیله آوانسهای آمریکائی بزرگ شده و مجهز گردیده اند زندانی شدند . بفر

ویت کنگ بطور جدی مطرح شدند . هم چنین برنامه دیگری برای تقویت تنسيق و افزايش و زند انهابعهد گرفته . تعداد مشاوريني که در اين مرکز کار ميکردند سال بسال افزايش مي يافت . کاکان غير نظامي و هم نظاميان من جمله از ۶ عضو فتر فدرال زند آنها که در حال حاضر در ويتنام هستند مورد استفاده قرار ميگيرند ! (تکيه از ناشران است)

له آن توو ماريلين مک ناب
رک به اثر نکر شده ص ۲۲

آمریکائيها مستقيماً در دستگيريها . شکنجه و گستران زند انيان شرکت دارند .

بنابه نوشته نيويورک تايمز ۳ اوت ۱۹۷۱ . دو مامور قديمي سازمان جاسوسي نظامي آمريکا هنگام تحقيق ککره در باره برنامه آنتي در برابر کميسيون فرعي فعاليت هاي حکومت اظهار داشته اند که در چهارچوب برنامه سيمرغ نيز شير نظاميان ويتنامي بر حسب تصادف توسط آمريکائيها دستگير شکنجه و سپس قتل عام ميشوند تا با اين ترتيب کارهاي ویت کنگ تصفيه گرند نندک بارتون از سربازان قديمي که در ويتنام به حساب سياکار ميکرده . اظهار داشته است که طی ۱۵ ماه اوليه اقامت در ويتنام در سالهاي ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸ ناظر بر ارتکاب صدها قتل بوده است . از زند انيان ويتنامي که بخاطر تحقيق دستگير شده اند . هيچيك پس از بازجوئي زند نماندند . ما مورد يگر برنامه سيمرغ . ستوان يکم ميکائيل او هي اظهارات پنتاگون را منفي براي نکه هدف اين برنامه فقط رهبران ویت کنگ مي باشد رد کرده است او خاطر نشان ميکند که اکثراً افراد مشکوک که در جريان تصفيه هاد دستگير شده بودند بطور دلخواه آنها جز ویت کنگ قرار داده بودند .

مايکل کلار - جنگ بي پايان

صص ۲۶۸ - ۲۶۷

... همه اين اسرا با شکنجه و مجازات آشنا هستند . هم چنين رژيم سايگون در نظر آنان رژيمي ديکاتور و وحشي است . ولي بايد گفت که آمريکائيها در رهبري از جوشي و شکنجه استناد دارند مراکز بازجوئي که توسط آمريکائيها اداره ميشوند . بخاطر شيوه هاي ظريف شان در شکنجه معروف هستند (تکيه از ناشران است) . مکاب

۱- رجوع کنيد به اثر نکر شده ص ۲۲۵

مارك لان بنام "سربازان آمریکائی متهم میکنند" مانند شهادت های دان لیوس در باره "شکجه هاوزم جزائی آمریکائیها" است. فقط بخشی از واقعیت را منعکس میکند ...

نگو کونگ د وک

لوموند ۳ ژانویه ۱۹۷۳

کلم آمریکایه سیستم پلیسی و جزائی سایگون پس از امضای موافقتنامه پاریس.

بنظر می آید که ایالات متحدہ آمریکا در آیندہ علیهم موافقتنامه پاریس بکمک مالی خود به نیروهای پلیس تییو و برنامه "ف ۱۶" ادامه خواهد داد و این موضوع صلح را بطور جدی بخطر خواهد انداخت. آژانس آمریکائی بین المللی توسعه از کنگرہ ۱۸ میلیون دلار و از وزارت دفاع تقریباً و برابر این مبلغ را خواستار شدہ است. این مبلغ برای تعلیم سالانہ بیست هزار نفر از پلیسهای تییو. تا مین اسلحه و تجهیزات پلیس و پرداخت حقوق و دست افسر آمریکائی امنیت عمومی و مشاورانی که در مقام ریاست این پلیس خدمت میکنند کافی میباشد. از وقتی که این اشخاص از ارتش جدا شدہ اند حکومت ایالات متحدہ دیگر در نظرند ارد آنها را از ویتنام بیرون ببرد آنها جزئی از دہ هزار مشاور غیر نظامی هستند که ایالات متحدہ پس از آنتر پس در ویتنام جنوبی نگاه داشته یا با آنجا فرستادہ است. (واشنگتن پست. دوم فوریه ۱۹۷۳)

تنها کلم آمریکا بصورت افراد و دلار است که به تییو اجازه میدہد به دستگیریها. شکجه ها و کشتار زندانیان سیاسی ادامه دہد و تنها جلوگیری از این وضع با آنها پایان خواهد داد. اگر آمریکا باین وضع ادامه دہد و تییو یا پشتیبانی ما. کارهایش را دنبال کند. مسلماً آنتر پس نقض خواهد شد.

خلاصہ زندانیان سایگون گزارش در بارہ تبلیغات:

در آمریکا برای صلح در ہند و چین ۱۹۷۳

مطہوعات آمریکا با بیزاری و تنفر اموری را کہ نشان میداد فعالیت نظامی ایالات متحدہ در ویتنام در صورت اجرای آنتر پس یا عدم اجرای آن. باین زودی پاسخمن خواهد پذیرفت. افشا کردند. هزینه ارسال اسلحه و هواپیما بمعدہ آمریکا است بر طبق یک برنامه سری تهیه شدہ بوسیله پنتاگون پس از خروج نظامیان اونیفورم و ش. بیست هزار مشاور "غیر نظامی" در ویتنام باقی خواهد ماند.

سایر علائم نگران کننده ای که ثابت میکند . نیکسون طرفدار یک جنگ بی پایان است . در حالیکه از صلح دم میزند . فراموش شده است . بویژه . دستگاه پلیسی در انهای ویتنام که توسط ایالات متحده آماده مجهز و نیز حمایت شده اند . مسئول گزین سرکوب تاریخ اخیر ویتنام اند . (تکیه از ناشران است)

نگین وان تیو در صد تصفیه رقبای سیاسی خود در زندانهای ویتنام جنوبی است . از این حیث خطر جدی و فزونی وجود دارد . بعلاوه آشکار است که واشنگتن در دارد در سالهای آینده یک دستگاه حمایتی در ویتنام بوجود آورد .

... آژانس بین المللی توسط ... برای مخارج آموزشدهنده های سال ۱۹۷۳ از کنگره تقاضای ۵ میلیون دلار بیشتر از سال ۱۹۷۲ کرده است علاوه آمریکا قصد دارد برای حفظ امنیت عمومی " در ویتنام جنوبی . مشاوران جدیدی ای همکاری با پلیس ملی بفرستد . سرمایه های دیگری برای تهیه اسلحه . تنسيق میزند آنها و فراهم نمودن وسائل تکنیکی پیشرفته برای پلیس بکاربرد آنها . در بروهای جدید پلیس در روستاها مستقر میشوند .

در حال حاضر آژانس بین المللی توسط ... از کنگره درخواست بودجه اضافی برای پلیس ملی تا پایان سال ۱۹۷۸ را میتواند مأموریتش را به ۱۴۱ هزار نفر برساند . تاکنون هیچ نشانه ای در این باره وجود ندارد . در صورت آتش هراس احتمالی این برنامه ویا سایر برنامه های کمتر شناخته شده مورد بررسی مجدد درار خواهند گرفت در درست نیست .

عملیات سیمرغ - برنامه ای که طراح و عامل آن سیابوده و برای حذف رقبای سیاسی تیو و افراد مشکوک بکاربرد میشود - هنوز پشت ادامه دارد .

لیبریشن نیوز سرویس

۶ دسامبر ۱۹۷۲

برنامه ای قدیمی تحت عنوان جدید ۶

همه محافل سایگون نگران مقررات جنگ در ویتنام هستند . حکومت ایالات متحده برای تداریک راه مبارزه " سیاسی " که مطمئنا در ویتنام ادامه خواهد یافت . ابزار جدیدی را در اختیار پلیس نهرومند تیو قرار داده است . برنامه ای جدید که

بطور مختصر ف ۶ نامیده میشود . مخفیانه تهیه شده است تا جای برنامه " سیرمغ " کلیاً را که اخیراً پایان یافته . بگیرد . این برنامه مانند برنامه قبلی هدفش " خنثی کردن " کسانی است که مشکوک به ویت کنگ بودن و یا طرفدار ویت کنگ بودن میباشند

(تکیه از ناشران است)

بموجب برنامه ، ف ۶ همه افراد مشکوک به لایل گوناگون دستگیر میشوند و صرفاً اتمام برای به زندان افتادن کافی است . اشخاص و خانواده هایی که در گذشته تماس هایی با آنطرف داشته یا حتی کسانی که دارای بستگانی در شمال یا در مناطق آزاد شده هستند . نامشان در فهرست افراد مشکوک قرار دارد . در اینصورت خانواده های کم هستند که در ویتنام جنوبی مورد سوءظن نمیباشند . من جمله اشخاص که در سطوح عالی حکومت سایگون هستند . حتی طرفداران ویرا بستگان به تیوهم بطور خصوصی از برنامه ف ۶ که برای هرویتنامی بمثابة " تسخیر داسو " کس (۴) است شکایت دارند . آنها دست نمیدانند که زندانبانان در ویتنام جنوبی به چه چیز شباهت دارند .

هونکوک نوآن (وکیل مجلس)

پاسیفیک نیوز سرویس ۸ ژانویه ۷۳

مهمترین برنامه ای که توسط آن رقبای خود را کشته . دستگیر و اغلب شکنجه کرده است . برنامه " سیرمغ " نامیده میشود در حال حاضر آنرا ف ۶ می نامند . (تکیه از ناشران است) . سیا کارکنان لازم برای اجرای آنرا بطور وسیع فراهم میکند ۶۱۷۵ غیر نظامی آمریکائی (تحقیق درباره کنگ آمریکا . کمیسیون فرعی مجلس سنا بستانان درباره عملیات خارجی ژوئیه - اوت ۱۹۷۱ . ص ۲۴۲)

خلاصه زندانیان سایگون گزارشی

در باره تبلیغات برای صلح در هند و چین ۷۳

امریکائیها به نقش فعال خود در پلیس ویتنام جنوبی ادامه خواهند داد . در حال حاضر پلیس ویتنام دارای ۱۶۰ " مشاورانیت عمومی " بوده و گاهن هم در آن پیش قدمی نموده است .

واشنگتن پست ۸ ژانویه ۱۹۷۳

ف ۶ د اموکس یکی از دیاربانان در نیس اول . چهار سراسر اکوس (۴۰۶ - ۳۶۲ ق م) . در نیس برای آنکه ناآشواری شادی و خوشبختی را نشان دهد شی د اموکس را به بزم بها



آمریکن ربرت رقم بزرگتری میدهند.

ایالات متحده امریکا در حال حاضر در ریتنام جنوبی ۲۶۵ مشاور امنیت عمومی - برای آموزش آنها دارد.

در پروژه های مربوط به بودجه آژانس بین المللی توسعه برای سال مالی ۱۹۷۳ ساختمان ۲۲۳ تاسیسات جدید برای سیستم زنده آنها و سایر محل های بازداشت در ریتنام جنوبی پیش بینی شده است. آژانس بین المللی توسعه هم چنین قصد دارد که در حدود سال ۱۹۷۵ هزینه ایجاد ۱۱/۵ میلیون پرونده شخصی اشالی و تناسی جنوبی را تأمین کند. (پروژه بودجه آژانس بین المللی توسعه فوریه ۷۴ ویتنام ژوئن ۷۲ ص ۳۳۳)

وقایع اتفاقیه هند و چین ۲۸ فوریه ۷۲

پس از گفتن مطالب فوق الذکر میتوانیم مانند مایکل ج کلار در کتاب جنگ

بی پایان (ص ۲۶۸) چنین نتیجه بگیریم.
واشنگتن با انجام این کارها مقاصد خود را دنبال کرده است کمک و اداره امنیت عمومی انتقد ریتن گرفته اند که در واقع پلیس ویتنام جنوبی میتواند بخوبی مانند یک نیروی مزدور ایالات متحده به حساب آید تا یک نهاد محلی و بومی مایکل کلار ایالات متحده امریکا مراقبت از امپراطور

ترکتینا تال ش ۲۲
۱۹۷۲

لازم به یاد آوری تصویر نمود میانهست تا اثبات کنیم ایالات متحده در همه

اسال سرکوب کننده و وحشیانه ای که به فرمان رژیم سایگون توسط پلیس ویتنام جنوبی
انجام میشود، دخالت بسیار دارد. تکه از ناشران است.

شکوهی دعوت کرد و بر لای جایگاه اوششیر سنگینی را که به موی دم امبی بسته بودند
آویخت. در تمام مدت بزم و یابگی رقصان همواره بیم آن میرفت که شمشیر از موکند
شود و بفرق د امولکس فرود آید. (از ترجمه ۱۸ برومر برداشته شده)

صفحه	فهرست	عنوان
الف - ب		پیشگفتار
یک - بیست	زندانیهای ایران	مقدمه در روش های کارسازان و رژیم
۱ - ۵		در ستگاه فشار و اختناق
۶ - ۳۲		طریقه کار نیروهای فشار و اختناق
		گزارش چهار دانش آموز دبیرستان
۳۳ - ۴۴		سایگون - ۱۹ ژوئن ۷۰
۴۵ - ۴۷		در زندان شی هوا آ. ارد و کاه مفاقت
۴۸ - ۴۹		سربازان صلح
۵۰ - ۵۵		در زندان تودوک
۵۵ - ۶۰		در زندان تان حیب
۶۱ - ۶۲		در زندان کی روآ
		شهادت اسقف آمریکائی
۶۳ - ۶۴		توماس . ج کمبلتن
۶۴ - ۶۵		اعلامیه ۱۲ کشیش سایگون
		رژیم زندانیان رویتنام جنوبی
۶۶ - ۶۸		شهادت قاضی تران توك لین
		نامه حسین تان مام به کمره بین المللی مسیحیان در باره هندو
۶۹ - ۷۰		چین که در اکتبر سال ۱۹۷۰ در کبک (کانادا) برگزار شده است .

شهادت نگین لونتگ وکیل د ارگستری خلاصه نامه ایکه د ۲۸ د سامبر ۷۲ از زندان برای پدرشان تین کشیش مسیحی د رویتنام جنوبی فرستاده شده است .	۷۰ - ۷۳
نامه ایکه توسط کمیسیون برای بهبود وضع زندانها د ویتنام جنوبی برای سناتور هانمایندگان ورهبران مذهبی فرستاده شده است	۷۳ - ۷۶
تیو و موافقت نامه پاریس	۷۷ - ۸۱
نامه ۱۲۴ زندانی علیلی که از کور د ائو به شی هوا منتقل شده اند نامه ۸۰۰۰ زندانی سیاسی د رکن سن به کمیسیون بین المللی نظارت و مراقبت و کمیسیون نظامی مختلط چهارجانبه	۸۲ - ۸۳ ۸۴ - ۸۶
بیانیه برای آزادی زندانیان سیاسی	۸۶ - ۸۹
نامه اعتراضیه کمیته اخلاق حق زندگی هم میهنان علیه ادامه سرکوب زندانیان سیاسی د دانشجویان و شاگردان مدارس پس از انتشار و اجرای موافقتنامه پایان جنگ و استقرار صلح د ویتنام توسط مسوولان سایگون	۸۹ - ۹۴
نامه به ویتنامی هاء مقیم فرانسه	۹۲ - ۹۴
زندان کور سن پس از امضای موافقت نامه پاریس	۹۴ - ۹۷

۱۷ - ۱۸	شهادت کمیشن امریکائی بنام توماس ج لمبلتن
۱۸ - ۱۹	یکی از رهبران دانشجویان ویتنام جنوبی در زندان شو هوا در انتظار مرگ قریب الوقوع
۹۹ - ۱۰۰	چرا در سنگاه اداری سایگون از آزاد کردن زندانیان سیاسی پس از موافقت نامه پاریس میترسد
۱۰۱ - ۱۰۲	مسئولیت ایالات متحده امریکا
۱۰۷ - ۱۰۸	امریکائیهامستقیمادردستگیرهاوشکجهوگشتارزندانیان شرکت دارند .
۱۰۸ - ۱۰۹	کمک آمریکابه سیمبتم پلیسی و جزائی سایگون پس از امضای موافقتنامه پاریس
۱۰۹ - ۱۱۱	برنامه ای قدیمی تحت عنوان جدید ف ۶